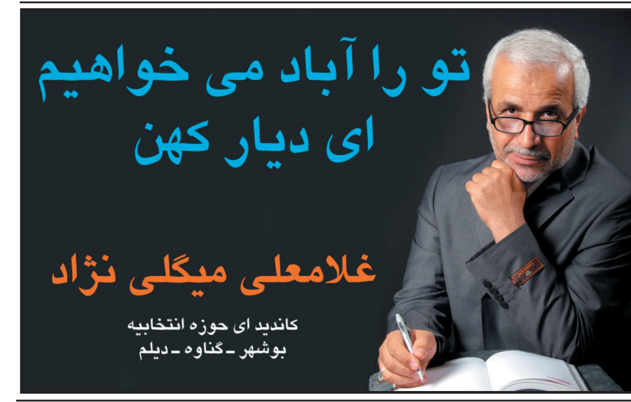


نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال دهم – شماره ۴۹۱ – یکشنبه ۱۹ اسفند ۱۳۸۶ – ۸ صفحه – ۱۵۰ تومان



قطع سهمیه کاغذ نسیم جنوب و عدم انتشار ویژه نامه نوروزی

هفته نامه نسیم جنوب در طول یازده سال انتشار خود بدون حتا یک هفته وقفه و تعطیلی، تنها نشریه تاریخ بوشهر است که در طی این مدت به طور مرتب منتشر شده است. در طی این یازده سال سعی شده است تا همواره با احترام به مخاطبان خود، ضمن اینکه هفته نامه را منتشر نماییم، سعی در حفظ کیفیت آن نیز داشته باشیم. در نوروز ۱۳۷۶ بود که اولین ویژه نامه نوروزی را منتشر نموده و سال بعد نیز آنرا به صورت مجلد منتشر کردیم و این کار، سنت حسنه ای را گشود تا دیگر نشریات استان نیز در سال ها بعد با انتشار ویژه نامه های مجلد نوروزی، به پیشواز نوروز بروند. از آن سال تا کنون همواره با ویژه نامه نوروزی با بوشهریها در تعطیلات نوروز بوده ایم. امسال نیز همانند هر سال در حالی که خود را برای انتشار ویژه نامه نوروزی نسیم جنوب آماده می کردیم، متاسفانه بدلایل نامشخص اعلام گردید که سهمیه کاغذ نسیم جنوب از سوی وزارت ارشاد قطع شده است. قطع سهمیه کاغذ هفته نامه مشکلات مالی انتشار هفته نامه را دو چندان نمود و متاسفانه مانع از انتشار ویژه نامه نوروزی گردید. از طرفی نهادها و سازمان های فرهنگی استان نیز تمایلی به مشارکت در انتشار ویژه نامه های نوروزی نشریات بوشهر ندارند و گویا برایشان چندان مهم نیست که داشته های فرهنگی استان در پایان هر سال در قالب ویژه نامه های مطبوعاتی، سوغات سفری باشند برای مسافران نوروزی که سال جدید خود را از بوشهر آغاز می نمایند. ضمن عرض معذرت از خوانندگان نسیم جنوب بدلیل عدم انتشار ویژه نامه نوروزی، سالی شاد و همراه با امیدواری را از خداوند بزرگ برای همه آرزومندیم.



معرفی کاندیداهای ائتلاف اصلاح طلبان استان بوشهر

صفحه ۲

در دفاع از مظلومان انتخابات مجلس

صفحه ۸

آیا بوشهر برای نوروز آماده است؟

صفحه ۲

پیروزی شاهین با طعم امیدواری

صفحه ۷



متلاشی شدن باند شرارت و ناامنی در شهرستان برازجان

در یک اقدام اطلاعاتی و عملیاتی توسط مامورین اداره کل اطلاعات استان بوشهر، عوامل شرارت و ناامنی در شهرستان برازجان شناسایی و به دام افتادند.
به گزارش روابط عمومی اداره کل اطلاعات استان بوشهر، اعضای این باند چهارنفره که در سرقت مسلحانه، آدم ربایی به قصد آسیب حیثیتی، تیر اندازی منجر به قتل و جرح سوء قصد و تهدید رئیس زندان و یکی از قضات شهرستان برازجان دست داشته اند، به اتهامات خود اعتراف نموده اند.
شایان ذکر است در پی دستگیری عوامل این باند که سه نفر مرد و یک زن هستند چند قبضه اسلحه جنگی نیز کشف و ضبط شده است.

انهدام یک باند انتقال مواد مخدر در بوشهر

یک باند انتقال مواد مخدر توسط مامورین اداره کل اطلاعات بوشهر منهدم گردید. به گزارش روابط عمومی اداره کل اطلاعات استان بوشهر، این باند که قصد داشت محموله افیونی را از استان هرمزگان به استان بوشهر منتقل نماید، با هوشیاری سربازان گمنام امام زمان(عج) در شهرستان گناوه شناسایی و با هماهنگی مرجع قضایی در یک اقدام عملیاتی به دام افتادند .
در این عملیات ۴۵۰ کیلوگرم انواع مواد مخدر کشف و ۳ نفر از سوادگران مرگ دستگیر شدند.

تابلو آرامگاه آتشی و نگرانی های مردم

از بعد از ظهر روز پنجشنبه هفته گذشته تاکنون، تعداد زیادی از شهروندان بوشهری با دفتر نشریه تماس گرفته و با نگرانی از عدم وجود تابلو نصب شده بر دیوار آرامگاه شاعر محبوب بوشهری منوچهر آتشی، ابراز نگرانی نموده و علت را جویا شدند. هر چند که گزارش خبرنگاران این هفته نامه موید صحت خبر مذکور بود اما تلاش ما برای کسب اطلاعات بیشتر پیرامون این موضوع تا کنون به نتیجه ای نرسیده است. در همین راستا، یکی از دست اندرکاران ستاد مربوط به آن شاعر در این رابطه اظهار داشتند که در حال پیگیری موضوع می باشند.

۱۴ شعبه رسیدگی به تخلفات انتخاباتی در استان بوشهر تعیین شد



رییس کل دادگستری استان بوشهر گفت: ۱۴ شعبه رسیدگی به تخلفات انتخاباتی هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی در این استان تعیین شده است.
حیدر بحرانی درگفت وگو باخبرگزاری جمهوری اسلامی افزود:با ابلاغ رسمی رییس قوه قضاییه، شعبه‌های یادشده در تمام حوزه‌های قضایی استان بوشهر پیش بینی شده‌است.
وی اظهارداشت:باتمهیدات اتخاذ شده قضات ویژه و باتجربه برای این شعبه‌ها انتخاب شده‌اند.
بحرانی گفت:دراین شعبه‌ها تخلفات احتمالی داوطلبان نمایندگی و هواداران آنها مطابق قانون رسیدگی می‌شود.

با نهایت تشکر و سپاس از کلیه سروران گرامی که از بدو مصیبت تا ختم با ما تشریک مساعی و ما را همراهی نمودند به خصوص از هیئت تیم فوتبال باشگاه های ایرانجوان، شاهین پارس جنوبی، قدس و کلیه سروران عزیز از جای جای استان نهایت تشکر را دارم.
پیشکسوت فوتبال استان بوشهر – غلامرضا بوالخیری

آگهی های تاسیس

شرکت: بوشهر همکار جنوب (سهامی خاص) تحت شماره ۶۷۶۷ در این اداره به ثبت رسید و در تاریخ ۸۶/۱۲/۱۳ تکمیل امضاء گردید و خلاصه اظهارنامه و اساسنامه آن به شرح زیر در روزنامه رسمی و کثیر الانتشار آگهی می شود:
۱ – موضوع شرکت: طراحی و اجرا و نصب کلیه تاسیسات مکانیکی و الکتریکی، طراحی، اجرا و نصب کلیه و سیستم های لوله کشی و لوله گذاری ساختمان ها و زمینی ، ساحلی و دریایی، گاز خانگی ، شهری ، بین شهری و روستایی، طراحی و اجرا کانال کشی، دستگاه های برودتی و حرارتی و کلیه سیستم های تهویه و مطبوع و تعمیر آنها، نصب و آلایمنیت کلیه تجهیزات و ماشین آلات مکانیکی و الکترونیکی، توربین ها و کلیه موتورهای دوار و تعمیر و نگهداری آن ها، تعمیر و نگهداری کلیه موتورهای دریایی و خشکی، بنزینی و دیزلی سبک و سنگین و کلیه گیربکس ها، طراحی و اجراء و کانال کشی شبکه های آب و فاضلاب، برق شهری و روستایی آبکاری و فلزات و پوشش های صنعتی، گاوانیزه گرم و مونتاژ قطعات صنعتی، نقشه برداری و راه ساختمان و کلیه پروژه های عمرانی و ابینه و اجرای اسکلت فلزی ساختمان و سوله ها، معاینه فنی و امور فنی مربوط به وسایل نقلیه موتوری سبک و سنگین، ایجاد نمایندگی های مجاز شرکت های تولیدی ، صنعتی و بهره برداری از آن ها تامین نیروی انسانی و خدماتی فنی وآپراتوری و کلیه امور مربوط به صادرات و واردات و ترخیص کالا، طراحی و نصب فونداسیون تجهیزات و نظارت انجام کارهای تراشکاری سیار و تعمیرات مربوط به جرثقیل و لیفراک ها. طراحی و اجراء کلیه سیستم های هیدرولیکی و هیدرولیک واحدهای شناور و تعمیر آن ها، تعمیر سیستم رانش کشتی ها. ۲ – مرکز اصلی شرکت: خ شهید مطهری، کوچه بازرگانی– فرعی ششم، سمت چپ – روبه روی مدرسه حکیم نظامی– کد پستی ۷۵۱۷۸۶۶۹۹۸. ۳ – سرمایه شرکت: مبلغ یک میلیون ریال می باشد که مبلغ ۳۵ آن طی گواهی شماره ۲۶۰۸۰۵۵۰۸۰ –۳۰ /۸۶/۱۱ نزد بانک تجارت بوشهر شعبه صنایع دریایی بوشهر واریز گردیده است. و بقیه در تعهد شرکاست و ضمنا سرمایه شرکت منقسم به یک صد سهم ده هزار ریالی با نام می باشد. ۴ – مبداء شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود ۵ – مدیران شرکت: سید حسین بخشایش به سمت رئیس هیات مدیره و مدیر عامل و مهرناز معموری به سمت نائب رئیس هیات مدیره و سودابه معموری و همگی به عنوان اعضای اصلی هیات مدیره برای مدت ۲ سال مالی انتخاب شدند. ۶ – اختیارات و اشخاصی که در شرکت حق امضا دارند: کلیه اوراق مالی و تعهد آور شرکت با امضاء سید حسین بخشایش و سایر نامه های عادی و اداری با امضاء سید حسین بخشایش یا سودابه معموری همراه با مهر شرکت معتبر و نافذ است. ۷ – بازرسان شرکت: حمید نظام پور غلامرضا احمدی به ترتیب به عنوان بازرسین اصلی و علی البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. ۸ – روزنامه کثیر الانتشار جمهوری اسلامی جهت درج آگهی های شرکت انتخاب گردید. ۹ – حدود و اختیارات مدیر عامل: طبق اساسنامه / م الف ۳۵۱۲
خسرو میرشکاری ـ رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان بوشهر

معرفی کاندیداهای مورد حمایت ائتلاف اصلاح طلبان استان بوشهر

قائدزاده، پورفاطمی، کدخداپور، کرمی



مسعود شکوهی رییس ستاد ائتلاف اصلاح طلبان استان بوشهر در گفت و گو با خبرنگاران، اسامی نامزدهای مورد حمایت ستاد ائتلاف اصلاح طلبان استان بوشهر را اعلام کرد. شکوهی در ابتدای این گفت و گو با بیان این که رد صلاحیت های غیر اصولی و گسترده نامزدهای ائتلاف اصلاح طلبان از سوی هیات های اجرایی و نظارت، این ستاد را با بحران جدی در زمینه تصمیم گیری فرو برد، افزود، با این وجود اعضای ستاد با رایزنی های پی در پی و پس از ساعت ها مذاکره و گفت و گو به این نتیجه رسیدند که علی رغم ناعادلانه بودن فضای انتخاباتی و از دست رفتن بسیاری از فرصت های تبلیغاتی برای نامزدهای اصلاح طلب حتی تا آخرین روزهای باقی مانده به تبلیغات انتخاباتی صرفا با در نظر گرفتن پاره ای مصالح و مسایل سیاسی کشور و نیز وضعیت توسعه ی استان در انتخابات مجلس مشارکت جدی داشته باشند. به همین دلیل با نامزدهای منسوب به اصلاح طلبان که توانسته اند از صافی هیات های اجرایی و نظارت بگذرند، وارد مذاکره شد و پس از جمع بندی آرا و نظرات نامزدها و استماع دیدگاههای آنان از اعضای ستاد ائتلاف خواست تا رای خود را به صورت کتبی به مرکزیت ستاد اعلام کنند. رییس ستاد ائتلاف اصلاح طلبان استان بوشهر در ادامه نامزدهای مورد حمایت این ستاد را که از سوی اعضا مورد تایید قرار گرفته اند، در حوزه های چهارگانه به شرح زیر اعلام نمود:
۱ – حسن قائدزاده در حوزه بوشهر، گناوه ، دیلم ۲ – جوانشیر کدخدا پور در حوزه دشتستان ۳ – سید مهدی پورفاطمی در حوزه دشتی و تنگستان ۴ – علی کرمی در حوزه دیر، کنگان و جم
شکوهی در پایان با بیان این که تنها راه برون رفت کشور از وضعیت فعلی حاکمیت مجدد تفکر اصلاح طلبی است، از مردم استان خواست تا با در نظر گرفتن مصالح ملی و استانی و بیرون بردن کشور از فضایی که بر اثر برخی سوء تدبیرهای کارگزاران کنونی ایجاد شده است، ضمن حضور فعالانه و معترضانه در انتخابات مجلس هشتم به نامزدهای اصلاح طلب رای دهند و نگذارند تا کسانی که با استفاده از انواع ابزارهای حذفی، قصد تحمیل یک تفکر خاص را بر مردم دارند، به اهداف خود برسند.

تحصن کارکنان جهاد کشاورزی بوشهر



جمعی از کارکنان جهاد کشاورزی بوشهر در اعتراض به عدم پرداخت اضافه کار، حق ماموریت و ... خود دست به تحصن زده اند. به گزارش خبرنگار نسیم جنوب بیش از صد نفر از کارکنان این اداره در مقابل درب ورودی محل کار خود اجتماع کرده و خواستار پرداخت مزایای معوقه خود شدند.
متحصنین مدعی بودند که بیش از ۳ ماه است که اضافه کار دریافت نکرده اند. همچنین ۵ماه است که حق ماموریت آنها قطع شده و حق مسکن آنها نیز چندین ماه است که پرداخت نشده است. یکی از متحصنین به خبرنگار نسیم جنوب گفت: در پی عدم پرداخت ماموریت و اضافه کار که چندین ماه است که به تعویق افتاده نامه ها و طومارهایی را در سفر رئیس جمهور به بوشهر خطاب به وی نوشتیم ولی خبری از پیگیری نشد. همچنین قبل از این نیز به مسئولان ارشد وزارتخانه نامه نوشته و خواستار پرداخت مزایای معوقه خود شده ایم اما ترتیب اثری داده نشده و امروز اینجا هستیم تا یک نفر پاسخی به ما بدهد.
گفته می شود که تعدادی از کارکنان جهاد شهرستانها هم به جمع متحصنین در مقابل جهاد کشاورزی افزوده شدند. جانشین مدیریت طرح و برنامه‌سازمان جهادکشاورزی استان بوشهرنیز در مصاحبه با ایرنا گفت: اعتبارات مصوب هزینه‌ای این سازمان در سالجاری ۵۵ میلیارد ریال بود این در حالی است که نیاز سازمان ۸۵ میلیارد ریال بوده است.
مهدی دهنوی افزود:با این میزان اعتبار سازمان جهاد کشاورزی ۲۹ میلیارد ریال کسری بودجه داشته که به تایید معاونت برنامه‌ریزی استانداری رسیده و منعکس شده است.
وی اضافه‌کرد: به همین دلیل از آبانماه این سازمان درخصوص هرگونه پرداخت پرسنلی به غیراز حقوق که در اختیار وزارت دارایی بوده، اضافه‌کار، ماموریت و حق مسکن کارکنان خود را نتوانسته پرداخت کند.
دهنوی اظهار داشت: پارسال سازمان جهاد کشاورزی ۱۷ میلیارد ریال کسری اعتبار داشته که با رایزنی‌ها از مبلغ ۲۳ میلیارد ریال اعتبار تخصیص یافته برای کل دستگاه‌های استان بوشهر تنها پنج میلیارد ریال به این سازمان تخصیص یافت.
رییس سازمان جهاد کشاورزی استان بوشهر نیز با تایید این مشکلات گفت: به دلیل ضعف بودجه و افزایش تورم، سازمان در خصوص پرداخت بدهی‌های خود به کارکنان با مشکل مواجه شده است.
دکتر حسن رستمیان افزود: با توجه به اینکه اگر پاداش، اضافه کار و سایر موارد از حقوق کارکنان کم شود حقوق آنان کمتر از نصف می‌شود و پرداخت نشدن این مطالبات مشکلات زیادی را برای آنان بوجود آورده است. در همین زمینه یک منبع موثق در مصاحبه با نسیم جنوب اظهار داشت: مشکل کسری جهاد کشاورزی حل شده است و کارکنان آن نباید از این بابت نگرانی داشته باشند. وی افزود: قبل از این ۴۰۰ میلیون تومان از این کسری اعتبار در اختیار این اداره قرار گرفته بود و مراحل پرداخت ۴۰۰ میلیون تومان بقیه نیز در حال پیگیری بود که شنیدیم که کارکنان جهاد کشاورزی ابراز نگرانی نموده اند.
این منبع موثق افزود: ۴۰۰ میلیون بقیه کسری اعتبار نیز بزودی به جهاد کشاورزی پرداخت می شود ولی گویا کارکنان در جریان این امور قرار نگرفته و از این بابت احساس ناراحتی نموده بودند که ای کاش مسئولان مربوطه آنان را در جریان قرار می دادند.

مدیر حوزه علمیه قم:

خانواده‌های شهدا اسوه‌های مقاومت وایثارند

مدیر حوزه علمیه قم ونماینده استان بوشهر درمجلس خبرگان رهبری گفت: خانواده‌های معظم شهدا اسوه‌های ، مقاومت وایثاراند وارج نهادن به آنان وظیفه همگان است.
آیت الله سید هاشم حسینی بوشهری دربازدید از یکی‌ازخانواده‌های شهدای بندر امام حسن شهرستان دیلم گفت:این الگوهای صبرباتوکل بر خدا و پیروی از ائمه معصومین، عزیزترین فرزندانشان را در راه اعتلای نام اسلام و میهن فدا نمودند و دین خود را به اسلام وانقلاب ادا کردند.
وی بااشاره به اینکه خدمت به خانواده شهدا از کارهای نیک وحسنات بزرگ است افزود: شناساندن شخصیت شکوهمند، فداکار ومترقی شهید به نسل‌های امروز و فردای جامعه در کشور ضروری است.
آیت الله حسینی بوشهری بیان کرد که در این زمینه دست اندرکاران امور فرهنگی کشور باید تلاش کنند فرهنگ‌سازی وتولید نرم افزاری برای این منظور را مد نظر قرار دهند تا فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه بسط وگسترش یابد.
در این بازدید که جمعی از مسوولان محلی مدیر حوزه علمیه قم را همراهی می کردند خانواده شهید جاوید الاثر عبدالرحیم زارع دربندر امام حسن مورد تفقد قرار گرفت.
بسیجی شهید عبدالرحیم زارع در شهریور ماه سال ۱۳۶۰ در سن ۱۷ سالگی داوطلبانه به جبهه‌های حق اعزام شد ودر فروردین سال ۶۱ در جبهه شوش ودر عملیات فتح المبین پس از ۳۴ روز نبرد بادشمن متجاوز درحالی که زخمی شده بود به اسارت نیروهای دشمن درآمد وپس از مدتی در زیر شکنجه دشمن در یکی از اردوگاه‌های عراق به شهادت رسید و تاکنون پیکر مطهرش مفقودالاثر است.



آیا بوشهر برای نوروز آماده است؟

رئیس شورای شهر بوشهر: کار به شکلی که ما دلمان می خواست پیش نرفت

بهاره عالی پور – باز هم نوروز آمد تا مسئولین ما مثل عجل دیده ها به بخت شهر بیفتند.
باز هم نوروز آمد تا مسئولین ما کند و کاو بیشتری کنند.
باز هم نوروز آمد تا شهرمان به مدت ۲ هفته زیبا و تمیز شود.
باز هم نوروز آمد، خوش آمد. (شهروندان بوشهری)
هوا بهاری ست و بوی عید به مشام می رسد و مثل همیشه آخر سال فعالیت ها شدت گرفته. حال که پایان سال است یک نظر سنجی کوتاه را در خصوص آماده سازی بوشهر برای نوروز انجام دادیم.
دهقانی، مشهدی اما نمک گیر بوشهر شده است حدود ۳۰ سال است که در بوشهر زندگی می کند و بوشهررا مثل خود بوشهر ها می شناسد. او می گوید: ظاهر بوشهر خیلی تغییر نکرده البته از نظر فضای سبز خیلی بهتر از گذشته شده به خصوص بلوار های شهر اما باید بیشتر از این کار شود چون ظاهر شهر باطن شهر را معرفی می کند پس مسئولین شهر باید به ظاهر شهر رسیدگی بیشتری کنند.
وی به کار مسئولین استان انتقاد داشت و می گفت:«الان که نزدیک نوروز است سریع دست به کار می شوند و معلوم نیست که تا رسیدن نوروز و آمدن میهمانان نوروزی شهر آمادگی لازم را داشته باشد.»
هم گلایه دارد و هم پیشنهاد، می گوید: اگر برای مردم بوشهر کاری صورت می گیرد به کندی انجام می شود اما اگر برای هیئت دولت و یا مسافرین نوروزی باشد با سرعت هر چه تمامتر آن را انجام می دهند تا ظاهر شهرشان را حفظ کنند، زمین و زمان را بهم می زنند تا کارشان را به پایان برسانند اما اگر شرایط اورژانسی نباشد خیلی خودشان را به آب و آتش نمی زنند. در ضمن پیشنهاد می کنم که مسئولین استان از حداقل امکانات موجود هم استفاده کنند. مهم ترین جاذبه بوشهر دریای آن است، باید به دریا و ساحل آن رسیدگی بهتری کنند با ایجاد فضاهای تفریحی و گردشی هم به مردم بوشهر خدمتی کردند و هم می توانند میهمانان بیشتری را به شهرشان دعوت کنند.»
مثل اینکه این نظرسنجی بیشتر درد و دل مردم را باز کرده بود.
احمدی اظهار نظر می کند و می گوید:
«دوست ندارم این را بگویم اما از شهر بوشهر خسته شدم چون هیچ چیز ندارد کسل کننده شده، بوشهر یک شهر جزیره ای ست سه طرف آن را آب گرفته و فضای کوچکی هم دارد؛ به مسئولین شهر حق می دهم که چرا انجام کارها در شهر بوشهر به کندی انجام می شود چون بوشهر آب و هوای جوی مناسبی ندارد بخش اعظم سال گرم است و کسی توانایی انجام کار در آن را ندارد. اکثر ما شهروندان به کمبود فضای سبز در شهر منتقدیم اما واقعا گونه های کمی توانایی رشد کردن در شهر بوشهر را دارند اما این ایراد به مسئولین شهر هم وارد است که گونه های مناسب را شناسایی نمی کنند.»
این شهروند بوشهری اضافه کرد: «شهر بوشهر که تا ابد نمی تواند با این فضای سبز محدود پابرجا باشد بالاخره مسئولین هم که شهر را در دست دارند باید به خود تکانی دهند وگرنه شهر بوشهر از این وضعیت نجات نخواهد یافت و رشد و ترقی نخواهد کرد چه بسا که مردمش را هم از دست بدهد.»
زهرا بوستانی نظر می خواهیم . او که از جوانان بوشهری است می گوید: «تمام شناسنامه مان پر از مهر است اما هیچ کاری برایمان نمی کنند. فقط می گویند "بیایید رای دهید" من با رای دادن یا ندادن کاری ندارم؛ یک کاری برای مردم انجام دهند تا دلشان خوش شود. بوی فاضلاب خفه مان می کند کی قرار است این مشکل حل شود حالا ما به بوشهر و مشکلاتش عادت کردیم برای میهمانانی که به این شهر می آیند چه کار کردند؟»
جعفری معتقد است که بوشهر هنوز برای نوروز آماده نیست چرا که هر وقت این خرابی ها و کند و کاوها به پایان رسیدند آن موقع می توان نظر داد. از نظر او هنوز نمی توان در این مورد نظر داد. عباسی هم بیشتر از همه به این خرابی های کوچه و خیابان های شهر اعتراض دارد می گوید:« هنوز یک روز نشده که یک طرف خیابان بهمنی درست شده، طرف دیگر خیابان را خراب می کنند. دو روز دیگر هم تابستان است و دیگر نور علی نور، بهترین موقع برای کار نکردن.»
او می پرسد مسئولین ما چه کار می کنند و می گوید:« تمام این مشکلات زیربنایی است این روسازی ها هیچ فایده ای ندارد کار باید را به صورت زیربنایی سامان دهند.»
رئیس شورای شهر در آستانه فرا رسیدن نوروز و اقدامات انجام شده برای پذیرایی میهمانان نوروزی گفت: «کار به شکلی که ما دلمان می خواست پیش نرفت»
محمدی باغملایی در این خصوص گفت:«چون تجربیات زیادی را در بحث برنامه ریزی برای ستاد تسهیلات نوروزی دارم باید بگویم که متاسفانه هر ساله مجموعه اقدامات و برنامه ریزی ها به گونه ای می شود که در اسفند ماه جمع می شود چون ساختار اداری و بروکراسی ما در بوشهر به گونه ای ست که در پایان سال کارها را برنامه ریزی را انجام می دهند. من نمی توانم تنها شهرداری را مقصر بدانم چون شهرداری تنها یک طرف قضیه است و تمام دستگاه ها ی متولی مخصوصا ستاد اصلی (چه ستاد استانی و چه ستاد شهرستانی) محمدی باغملایی افزود:« من برنامه ریزی این چنینی را برای تسهیلات نوروزی اصلا قبول ندارم و به این نوع برنامه ریزی منتقد هستم منتهی چه کار می توان کرد بنده یک تنه موفق نمی شوم که ساختار اداری شهر را بهم بزنم. و باید کلیه متولیان و تمام کسانی که دست اندر کار برنامه ریزی در بحث ستاد تسهیلات نوروزی هستند به شکل و به قسمی برنامه ریزی کنند که نیاز نباشد که ما در اسفند ماه برنامه نوروز را به صورت فشرده انجام دهیم چون هر کاری بخواهیم انجام دهیم به صورت ضربتی خواهد بود و متاسفانه این اقدام، امسال نیز صورت گرفته و شهرداری هم الان گرفتار چنین چالشی شده و مجبور است به صورت شتاب زده عمل کند و سایر دستگاه های دیگر نیز به همین صورت.».
وی ادامه داد :«بنده چندین بار به شهرداری تذکر دادم که برای واگذاری کمپینگ ها به بخش خصوصی آگهی بزنند اما ایشان می فرمودند که بخش خصوصی حاضر به انجام چنین کاری نیست و تا حالا کسی حاضر به انجام آن نشده.»
این عضو شورا اضافه کرد: « امسال، سال اول کاری ما بود منتهی من می دانستم و سایر اعضای شورا هم با این موضوع آشنا هستند ولی متاسفانه کار به شکلی که ما دلمان می خواست پیش نرفت نقد من این است که شهرآن طور که باید آراستگی و زیبایی لازم را داشته باشد ندارد و این جزء نقیصه ها است.»
اعتمادی معاون اداری مالی شهرداری نیز گفت: «ما تمام زمینه ها را فراهم کردیم» اعتمادی معاون اداری مالی شهرداری در گفت و گو با خبرنگار نسیم جنوب گفت:«امسال تصمیم گرفتیم که علاوه بر زمین استانداری، مکان دیگری را هم برای سایت مهمانان نوروزی در نظر بگیریم که یکی از گزینه ها پارک شغاب بود که حدود ۴-۵ هکتار از زمین های آنجا را زیرسازی و آماده کردیم و بحث سرویس های بهداشتی را هم ایجاد کردیم و تامین آب و روشنایی برق را هم انجام دادیم.»
اعتمادی افزود:« هرسال خود شهرداری چادرهای داخل کمپ استانداری را تهیه می کرد با این تفاوت که امسال تصمیم گرفت که با یک پیمانکار وارد مذاکره شود و در صورتی که مسافران نوروزی چادر نداشته باشند چادر های مخصوص را از این پیمانکار خریداری کنند و زمین های مورد نظر ظرفیت ۶۰۰-۷۰۰ چادر را دارد ضمن اینکه کمپ سوم نیز صدف خواهد بود.»
اوی در پایان گفت:« قرار شد مدیریت آن را به بخش خصوصی بسپاریم و پیشنهاد ما به شورای شهر نیز این بود که آقای قدیمی این کار را انجام دهد ضمن اینکه نظارت بر روی کار نیز توسط خود شهرداری صورت می گیرد که البته شورا با پیشنهاد شهرداری مبنی بر مسئولیت پذیری آقای قدیمی در این رابطه موافق نبود و قرار است فرد دیگری برای این کار انتخاب شود.»

مجید حسینی کنگانی از ثبت نام تا رد صلاحیت

(با نگاهی به آنچه بر شاخص ترین فرد اصلاح طلب حوزه انتخابیه دیر، کنگان و جم گذشت)

سجاد بهزادی – روزنامه نگار و سخنگوی ائتلاف اصلاح طلبان درشهرستان جم

وقتی همه سخن از انتخابات مجلس شوراس اسلامی در حوزه دیر، کنگان و جم می کردند هنوز نام چهره ای جدید که بتواند برای مردم حماسه ای جدی خلق کند و فرصت های موجو د در منطقه را در خدمت توسعه قرار دهد در میان نبود.

در این بی حوصله گی و سردی فضای انتخابات مردی خوش فکر، تحصیل کرده با شعار "و باز دوباره بوی یاس ..." به میدان آمد. او مجید حسینی کنگانی بود.

اعلام حضور این مرد اصلاح طلب در همان ابتدا برخی دیگر از نامزدهای این حوزه را به شدت تکان داد و گویی دیگران همه او را به عنوان رقیب جدی پذیرفتند. حسینی کنگانی در زمان ثبت نام دبیر هیات مدیره منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس بود و این سمت شغلی گرچه بعدها به عنوان نشان لیاقت در برنامه های انتخاباتی وی مورد حمایت قشر عظیمی از مردم قرار گرفت ولی باعث یک تراژدی جدید در صحنه قدرت و رقابت در میان نامزدها ی این حوزه شد.

کسانی که منافع خود را در خطر می دیدند بد اخلاقی های انتخاباتی خود را از ترس راه یابی حسینی کنگانی شروع کردند. آنها به وسیله لابی های قدرت، بازوی علمی و توسعه ای منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس را بی رحمانه کنار زدند و فرصت ادامه خدمت را از وی را گرفتند و از این لحظه بازی انتخاباتی این حوزه وارد جریان جدید و جدی تری شد.

مجید حسینی کنگانی ازاین اتفاق پیش آمده برای تبلیغات وسیع ترانتخاباتی بهره برد و مردم کنگان نیز که همیشه سرنوشت ساز صحنه های انتخاباتی در این حوزه بودند، پس از این اتفاق که به نوعی ناجوانمردانه قلمداد می شد، به شدت صحنه را به دفاع از مظلومیت حسینی کنگانی تقویت می کردند .

حسینی کنگانی بدون توجه به تخریب ها علیه خود، تیم های انتخاباتی خود را تشکیل داد. وی از همان ابتدا مطبوعات را به عنوان رکن چهارم دمکراسی به رسمیت پذیرفت و ارتباط بسیار خوبی با مطبوعات برقرار کرد. در مدتی کوتاه مصاحبه های قوی و عمیقی از وی پیرامون توسعه استان و حقوق شهروندی در مطبوعات چاپ شد و این مسئله باعث گردید همگان حسینی کنگانی را فردی با لیاقت و در خور نمایندگی بدانند .

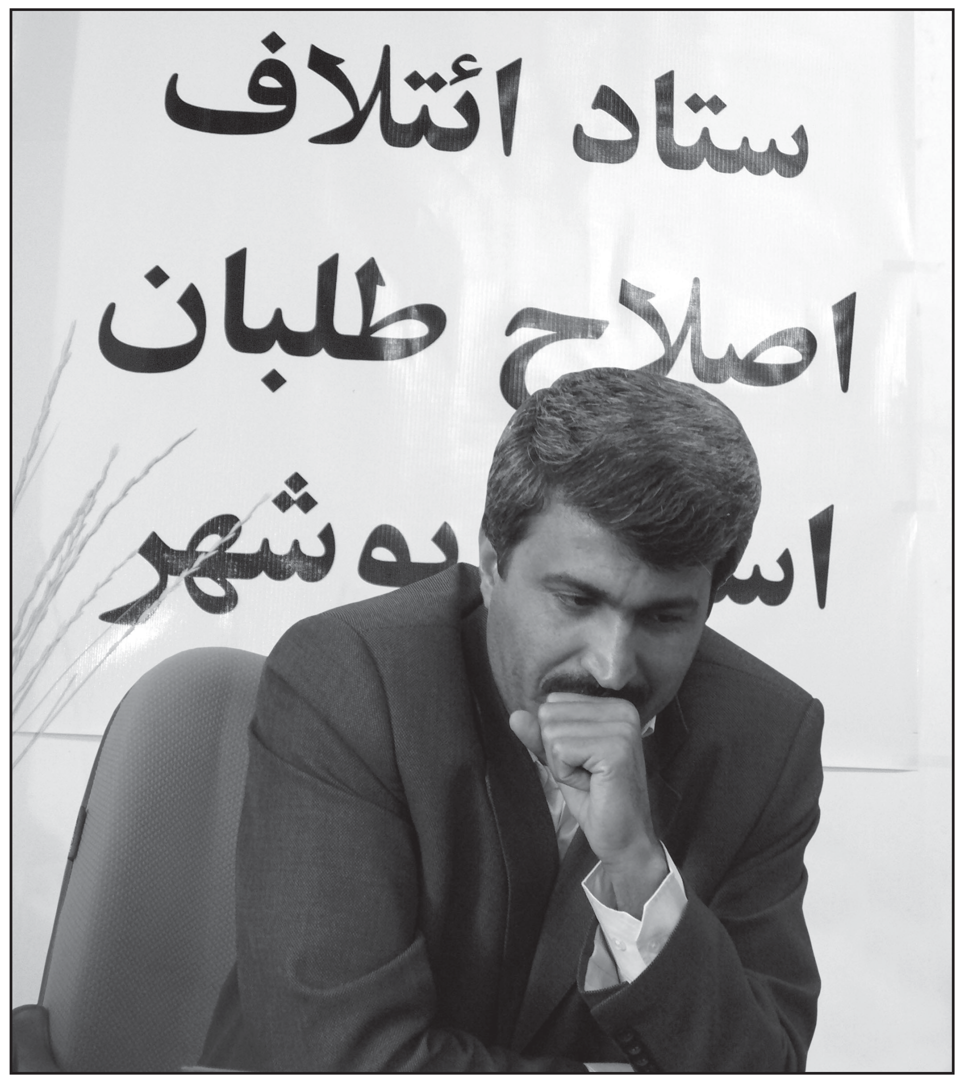
اما آنچه در برخورد اول با وی همه را شوکه کرد و مخالفانش را خوشحال، رد صلاحیتی بود که توسط هئیت نظارت انتخابات استان بوشهر صورت گرفت. هئیت نظارت مجید حسینی کنگانی را رد صلاحیت کرد .

مجید حسینی کنگانی به عنوان شاخص ترین و توانمند ترین فرد اصلاح طلب حوزه دیر و کنگان و جم، در حالی که اقبال عمومی به سمت وی به شدت رو به افزایش بود به دلیل عدم التزام عملی به اسلام و عدم وفاداری به ولایت فقیه رد صلاحیت شد و گرچه همه دانشجویان و مردم هم چنان امیدوار به حضور وی در صحنه انتخابات و تایید صلاحیت وی بودند، دیگر او عملا در لیست تایید صلاحیت ها قرار نداشت.

این رد صلاحیت تیری بود که می رفت تا این مرد خوش فکر را کلا از صحنه انتخابات حذف کند ولی حسینی کنگانی که سرمست از استقبال و اقبال مردم به سمت خود بود، به خاطر مردم صحنه را خالی نکرد. وی به مدت بیست روز در تهران مسئله رد صلاحیت خود را قانونی پیگیری می کرد. وی بدون این که دست گدایی به سوی مخالفانش دراز کند به پشتوانه قانون و مستندات موجود خود از مسلمان بودنش دفاع کرد و در این مدت مردم این حوزه هم چنان امیدوار به برگشت وی به صحنه انتخابات بودند و بالا خره شورای نگهبان پذیرفت که حسینی کنگانی یک مسلمان است وعدم التزام وی به اسلام اشتباه بوده است و حضورش در عرصه انتخابات بلا مانع است.

این حرکت امیدوارانه شورای نگهبان موجی از شادی را در حوزه انتخابیه دیر، کنگان و جم به راه انداخته بود. مردم خوشحال و شور و نشاط انتخاباتی دوچندان شد.

بزرگترین اتفاقی که افتاد این بود که ائتلاف اصلاح طلبان استان بوشهر نیز پس از اینکه به مدت ۳ ساعت برنامه ها و تفکر این اصلاح طلب را شنیدند به اتفاق آرا می رفت تا او را به عنوان نامزد خود برگزیدند و بالاخره کنگانی رادر لیست کسانی جا دهند که خاتمی رئیس آن بود، از طرفی حزب اعتماد ملی نیز اصرار داشت از کنگانی حمایت کند. همه این مسائل حکایت از برتری این کاندیدای خوش فکر در میان چهره های سیاسی کشور، استان و مردم داشت. هر روز وضعیت انتخاباتی وی بهتر می شد و دیگر بسیاری از مردم او



را به عنوان نامزد برتر پذیرفته بودند. او نیز با احترام به همه و با اندیشه عمیق شعار توسعه همه جانبه را سر می داد. مقالات و مصاحبه های وی در نشریات استان به اوج رسید و دوباره کنگانی شور و نشاط خاصی به راه انداخته بود. مردم نیز نسبت به تایید صلاحیت وی خوشحال بودند.

همه چیز آماده برگزاری یک انتخابات پر شور بود و خیزشی بزرگ در انتظار استان بوشهر و حوزه انتخابیه دیر، کنگان و جم، با انتخاب کنگانی بود. تنها دو روز مانده بود به آغاز تبلیغات. همه و یژه نامه ها و اظهار نظرهای افراد شاخص سه شهرستان کنگان و جم و دیر آماده چاپ بود. در این میان چیزی که قابل توجه بود فعال بودن ستاد زنان و دختران در این سه شهرستان بود . آنها نیز ویژه نامه شان را به حمایت از کنگانی حامی برنامه های خاتمی در حوزه آماده کرده بودند و برخی از هفته نامه ها نیز عکس بزرگ وی را به نام اصلاح طلبان بر روی سایت یا صفحه اول نشریه چاپ کرده بودند.

شب تا ساعت سه ونیم همه بچه ها برنامه فردا را چیده بودند و همه افتخار به همراهی با مجید حسینی کنگانی. صبح در حالی که مجید زودتر از بچه ها برای نماز بلند شده بود، خبر تلفنی ساعت شش همه را شوکه کرد. "آقای کنگانی شما به جرم نامسلمانی وعدم التزام به اسلام دوباره رد صلاحیت شد ه ای و دیگر نمی توانی تبلیغات خود را شروع کنی".

بهت و سراسیمگی وجود همه را فرا گرفته بود و مجید که بسیار خونسرد می گفت: "من که برای آقایان یک بار ثابت کرده بودم مسلمانم چرا این طوری با سرنوشت مردم بازی می کنید؟ "

مجید حسینی کنگانی بدون شک یکی از توانمند ترین افراد حاضر در حوزه های اجرایی استانمان است که همواره به دنبال راهکارهای توسعه و رسیدن به شرایط جدید در استان بوده است. او با درک صحیح از انرژی و پارس جنوبی به عنوان مهمترین مولفه توسعه در استان و هم چنین آموزش نیروی انسانی به عنوان پایدارترین نمونه ی توسعه، دارای برنامه های متعددی است که در صورت ایجاد زمینه می تواند تحولی را برای استان بوشهر بیافریند.

از طرفی این توانمندی آمیخته با اندیشه ی چپ و مدرنی شده است که آن هم مورد احترام اهل اندیشه بوده و همواره در این راستا نیز مورد حمایت قرار می گرفته است. طبیعی است حضور این گونه افراد در بدنه سیاسی و اجرایی کشور به اتهام های مختلف که اکنون شاهدش بودیم سخت است. این افراد قطعا موثر بودنشان بر جریانهای سیاسی و اجرایی معرض است و لذا با حضور خود در عرصه می توانند دخالت ها ی جدی داشته باشند. حسینی کنگانی در هر شرایط که در مجلس و یا دیگر جایگاههای کلان باشد می تواند در پرتو فعالیت ها و اندیشه سیاسی و اجرایی خود، بر تصمیم سازی ها و تصمیم گیری ها بسیار موثر باشد و در واقع من فکر می کنم شاید این مسئله دلیل اصلی رد صلاحیت وی شده است. اما بالاخره آنچه بر روی کاغذ آمده است اینکه وی به اسلام التزام عملی ندارد و کنگانی تنها نامزد استان بوشهر لقب گرفت که دو بار به جرم نامسلمانی رد صلاحیت شد .

این خبر تا فردای آن روز حوزه انتخابیه را چون زلزله ای وحشتناک تکان داد و مردم کنگان، شهری که حسینی کنگانی در آن تولد یافته بود و در آن جا بارها به مسجد برای نماز رفته بود، در بهت کامل به سر می برد.

برای اولین بار مردم به صورت خود جوش به سمت فرمانداری کنگان به نشان اعتراض و تحصن پیش رفتند و این حرکت که در شب صورت گرفت بار دیگر فصل جدیدی را در صحنه رقابت و وفاداری مردم به یک نامزد و ... در استان ما رقم زد. تعداد مردم در جلوی فرمانداری به چند صد نفر افزایش می یافت و شهر ملتهب شده بود.

جلسه ی خصوصی فرماندار و روسای انتظامی و امنیتی با مجید کنگانی در محل ساختمان فرمانداری صورت گرفت و مردم نیز در بیرون در حالی که مسببان این رد صلاحیت را به فریاد می زدند، منتظر خبر تایید صلاحیت بودند.

مردم کنگان در اعتراض به رد صلاحیت مجید حسینی کنگانی در مقابل فرمانداری با سر دادن شعارهایی به رد صلاحیت حسینی کنگانی اعتراض می کردند. راههای منتهی به فرمانداری بسته شده و مردم شعار می دادند یا مرگ یا کنگانی, هیهات من الذله. در بین مردم جمع زیادی از زنان نیز حضور داشتند. مسئول حراست فرمانداری در حال صحبت با چند نفر از معترضین بود. همچنین رئیس پلیس کنگان نیز در محل حضور یافته بود.

مردم همچنان در حال شعار دادن به نفع کنگانی و اعتراض به رد صلاحیت وی بودند. جمعی از معترضین قصد نزدیک شدن به فرمانداری را داشتند که با ممانعت پلیس روبرو شده و درگیری محدودی در جلوی فرمانداری بوجود آمده بود. نیروی انتظامی سعی در آرام کردن اوضاع داشت و در این هنگام مجید حسینی کنگانی با گام های استوار و غمگین به میان مردم آمد .

مردم به دورش جمع شدند و حسینی کنگانی در سخنان کوتاهی گفت " من به مسلمان بودن خود افتخار می کنم و رد صلاحیت شدن به دلیل عدم التزام عملی به اسلام را بهانه ای بیش نمی دانم. من مسلمانی متعلق به همین منطقه ام که همگی شما مرا به عنوان یک بچه مسلمان می شناسید. دلیل رد صلاحیت من این بود که نگاه من متفاوت تر از دیگر کاندیداها بود.".

حسینی کنگانی افزود:" ما تا روز ۲۴ اسفند ماه در کنار همدیگر هستیم. وی سپس از طرفداران خود خواست تا آرامش خود را حفظ کنند و پراکنده شوند"

گرچه کنگانی با این جمله که" چون نگاه من متفاوت تر از دیگر کاندید ها بوده است و لذا رد صلاحیت شد ه ام " همه چیز را گفت اما هوادارانش راضی نمی شدند. و دیگر مانده بود تا اشک مردم کنگان در مظلومیت حسینی کنگانی ببینیم و این اتفاق افتاد. همه گریه می کردند .

سکوت عمیقی مقابل فرمانداری کنگان را فرا گرفته بود. هنوز مردم از برابر فرمانداری متفرق نشده بودند. تنها صدای گریه تعدادی از زنان و مردان است که فضا را تحت تاثیر قرار داده بود. بعد از اینکه کنگانی در میان تجمع کنندگان در مقابل فرمانداری از مسلمان بودن خود گفت و اینکه امروز بدلیل عدم التزام به اسلام رد صلاحیت شده است تاثر شدیدی مردم را فرا گرفت بود بطوریکه عده ای از مردان و زنان به گریه افتادند. صحنه اشک ریختن مردم در مظلومیت کاندیدایی که به اسلام شهادت می دهد اما به اتهام عدم التزام به اسلام رد صلاحیت شده است، متاثر کننده بود .

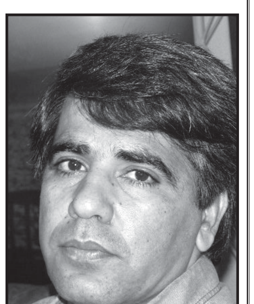
و من به عنوان فردی که با اعتقاد عمیق در این دوره از انتخابات به کنگانی اعتقاد داشتم و بدون داشتن هیچ چشمداشتی برنامه مطبوعاتی اش را انجام می دادم به جای اینکه بخواهم تحلیلی بر آن چه گذشت کنم ، اتفاقات را باز گو کردم تا مردم قضاوت و تحلیل کنند و فقط یک سوال از آقایان دارم و آن اینکه اگر شما مدعی هستید که به خاطر مردم و برای سربلندی میهن و دغدغه دین و ایمان پا به عرصه خدمت می گذارید، آیا حمایت صدها نفر از مردم و اشک آنها به حمایت ازاو، گواه مردم داری و مسلمان بودن او نبود که رد صلاحیتش کردید؟

و برای حسینی کنگانی نیز سخنی دارم. همیشه برنده انتخابات در کشورما فرد برگزیده نیست بلکه در بسیاری از شرایط یک نامزد در حالی که در روی کاغذ جایگاهی ندارد برنده واقعی جریان است. و توبرنده واقعی انتخابات مجلس هشتم هستی و شیوایی و صداقت کلامت و خوش رویی و لبخند وجودت و کوچک نفسی و مظلومیت درونت را فراموش نمی کنیم .

سلامی و کلامی...

مجلسی که شکل می گیرد

یونس قیصی زاده



رد صلاحیت گسترده کاندیداهای اصلاح طلب در سطح کشور و استان بوشهر سطح رقابت های انتخاباتی را به پایین ترین حد خود رسانده است. در میان رد صلاحیت شدگان چهره های موجه و مقبولی قرار دارند که هیچ اتهامی جز سیاسی بودن نمی تواند دلیل رد صلاحیت آنها باشد. جناح حاکم قصد نموده تا مجلس هشتم را یکدست و همراه با اصولگرایان شکل دهد و در این میان بسیاری از کاندیداها تنها به اتهام اصلاح طلب بودن قربانی شده اند. خودمان هم دیگر باور کرده ایم که اصلاح طلب بودن جرم است و نه مثل اینکه اصلاح طلبان نیز فرزند همین خاکند و هدفی جز سربلندی ایران ندارند.

در میان تایید صلاحیت شدگان چهره های گمنامی وجود دارند که تا کنون در صحنه های سیاسی و اجتماعی نه نامی از آنها بوده و نه نشانی. تایید صلاحیت شدن آنها کار خوبی بوده است که صورت گرفته اما رد صلاحیت کردن افرادی که سالهاست بدلیل احساس مسئولیت و دلسوزی که داشته اند وارد عرصه سیاسی شده و در این زمینه فعال بوده اند ظلمی است که به دلسوزان و فعالان عرصه های اجتماعی و سیاسی می شود و فضای جامعه را به سویی می کشاند که نتیجه آن عافیت طلبی و خلوت شدن میدان سیاسی کشور است. انگیزه هایی که افراد را به سوی فعالیت های سیاسی در قالب گروههای قانونی کشانده و باعث فعالیت آنها در درون نظام می شود با برخوردهای حذفی و رد صلاحیتی، کم رنگ شده و فضا را برای کسانی که مدعی عدم نتیجه این گونه فعالیت های درون نظام هستند باز می کند. انتخابات مجلس هم می گذرد و از هم اکنون مشخص است که مجلس هشتمی که شکل می گیرد کاملا در جهت سیاست های اصولگرایان است و باب میل آنها، اما آیا می توان گفت این همان مجلسی است که مردم می خواستند؟

فرماندار دشتستان : با بی طرفی کامل با تخلفات انتخاباتی برخورد می کنیم

کشتکار فرماندار دشتستان در مصاحبه با نسیم جنوب اظهار داشت: معیار ما در انتخابات قانون است و هر کس بخواهد در انتخابات مجلس غیر قانونی به نفع و یا بر علیه کاندیدایی تبلیغ کند مطمئن باشد که طبق قانون با وی برخورد خواهد شد.کشتکار افزود: فرمانداری دشتستان با بی طرفی کامل تنها مجری قانون در انتخابات خواهد بود و تمام تلاشمان این است که طبق فرمایش مقام معظم رهبری زمینه حضور مردم برای برگزاری یک انتخابات سالم و پر نشاط را فراهم کنیم.

فرماندار دشتستان به کاندیداها و هواداران آنها در این شهرستان هشدار داد تا از تخریب یکدیگر خودداری نمایند و تنها در چارچوب قانونی در زمان مقرر به معرفی خود و برنامه یشان بپردازند.

اعلام حمایت مهندس تبادار و محمد دادفر از کاندیداهای ستاد ائتلاف اصلاح طلبان استان

مهندس تبادار استاندار سابق استان بوشهر و محمد دادفر نماینده مردم بوشهر در ششمین دوره مجلس شورای اسلامی طی بیانه ای از ۴کاندیدای ستاد ائتلاف اصلاح طلبان استان بوشهر اعلام حمایت کردند این مطلب را مسعود شکوهی رئیس ستاد ائتلاف اصلاح طلبان استان در گفتگو با سانا ۸ اعلام کرد وی گفت مهندس تبادرا و محمد دادفر طی بیانیه ای حمایت خود را از۴ کاندیدا ی ستاد ائتلاف اصلاح طلبان استان بوشهر اعلام کرده اند.

فضای سرد تبلیغاتی برای اصولگرایان بوشهری

خلیج فارس: یک عضو جبهه متحد اصولگرایان استان بوشهر گفت: این جبهه احتمالا در ایام تبلیغات انتخاباتی مهمان و سخنران خاصی از تهران ندارد.

وی در گفتگو با «خلیج فارس» ادامه داد: به دلیل اینکه اغلب اعضای این جبهه به عنوان نامزد انتخاباتی مجلس هشتم مطرح هستند، علیرغم دعوت از شهاب الدین صدر و محمدرضا باهنر، متاسفانه هر دو نفر تا این لحظه جواب روشنی به ما نداده اند، از این رو احتمالا سخنرانی خاص سیاسی با حضور چهره های مطرح نخواهیم داشت.

وی که خواست نامش در این خبر ذکر نشود، ابراز امیدواری کرد: انتخابات ۲۴ اسفندماه با مشارکت حداکثری مردم مواجه شود.

مانور علوی نژاد در قرارگاه پورفاطمی

عباس علوی نژاد کاندیدای دشتی و تنگستانی با حضور در کاکی، مانور انتخاباتی خود را در قرارگاه مرکزی پورفاطمی برگزار کرد. به گزارش خبرنگار نسیم جنوب از دشتی ، پس از پخش خبر تایید صلاحیت مجدد علوی نژاد در بعدازظهر روز گذشته، علوی نژاد تصمیم به دیدار با مردم شهر کاکی زادگاه پورفاطمی گرفت. کاکی از آن جهت در انتخابات مجلس اهمیت دارد که حمایت و وفاداری مردم آن با پورفاطمی در دو دوره گذشته نقش مهمی در راه یابی وی به مجلس داشته است. استقبال مردم کاکی از علوی نژاد چشمگیر بود بطوریکه چند صد نفر از مردم این شهر به سخنان علوی نژاد که در منزل یکی از هواداران وی برگزار شده بود، گوش دادند. علوی نژاد در سخنان خود با اشاره به سوابق مدیریتی و فعالیتهای سیاسی و اجتماعی، خود را کاندیدایی توسعه گرا دانست که برای توسعه استان بوشهر برنامه دارد. وی در این باره گفت: با همدلی و وحدت نه تنها می توانیم دو شهرستان دشتی و تنگستان را بسازیم که مطمئن باشید استان بوشهر را به سوی توسعه می بریم.

وی در ادامه سخنان خود مردم را به آرامش در انتخابات و رعایت اخلاق انتخاباتی فرا خواند و مردم را برای توسعه دعوت به همراهی کرد.

جوابیه سازمان مسکن و شهرسازی استان بوشهر

با توجه به مطلب چاپ شده در صفحه آخر هفته نامه شماره ۴۸۷ مورخ ۸۶/۱۱/۲۱ نسیم جنوب با عنوان (ساخت نیمه تمام طبقه اول بیمارستان بوشهر و پیشرفت ۶۰ درصدی بیمارستان؟!) که به نقل از آقای مسعود شکوهی عضو شورای اسلامی شهر بوشهر به چاپ رسیده است و تیتر کردن این موضوع باعث تشویش اذهان عمومی و زیر سوال بردن زحمات و تلاش های انجام گرفته فرزندان خدوم این سرزمین می باشد، هر چند که نامی از این سازمان در مطلب مذکور جهت درج نگردیده است لیکن به علت این که این سازمان متولی ساخت بیمارستان مورد نظر می باشد وظیفه خود می دهند جهت روشن شدن افکار عمومی مطالبی را به عرض خوانندگان محترم برساند. خواهشمند است دستور فرمائید در همان صفحه و با همان تیتر نسبت به چاپ آن اقدام فرمایند.

در زمان بازدید خبرنگاران رسانه های گروهی اعزامی از مرکز به همراه تعدادی از خبرنگاران محترم هفته نامه های محلی باتفاق و جناب آقای دکتر جوانفکر و استاندار محترم بوشهر از پروژه بیمارستان ۲۰۰ تختخوابی در تاریخ ۸۶/۱۱/۷، این سازمان اقدام به چاپ اطلاعات پروژه مذکور نموده و در محل پروژه تحویل کلیه خبرنگاران داده است که هیچ خبرنگاری دچار مشکلی از لحاظ آماری نگردد.

همچنین ریاست این سازمان نیز در ارائه، مطلب را شفاف بیان و پیشرفت فیزیکی پروژه را در فاز اول ۶۰ درصد ذکر نمودند که متاسفانه با وجود همه این اقدامات باز هم احدی از خبرنگاران که در محل حضور داشته نیز اشتباها درصد پیشرفت فیزیکی تمام پروژه را ۶۰ درصد ذکر کرده اند. لذا اولا با توجه به این که این سازمان هرگز به دنبال درصد ارائه آمار و اطلاعات غیر واقعی نبوده و نخواهد بود و در ثانی مگر ممکن است پروژه ای که دارای ۲۱۰۰۰ متر مربع زیر بنا و به صورت ۷ طبقه و نیازمند اعتباری بالغ بر ۳۵۰ میلیارد ریال باشد و در حالی که تقاضای ۲۵۰ میلیارد ریال برای اتمام آن تقاضای اعتبار نموده است که تنها و تاکنون فقط ۹۰ میلیارد ریال آن تامین اعتبار گردیده و پیشرفت پروژه را ۶۰ کل اعلام نماید. لذا چنان چه خبرنگاران اعزامی از مرکز گزارشات خود اشتباها پیشرفت فیزیکی کل پروژه را ۶۰ درصد ذکر نموده اند مسئولیت پاسخگوئی این اتفاق بر عهده خودشان می باشد.

ضمنا پیوست یک برگ کپی از اطلاعات پروژه که چاپ گردیده بوده است جهت اطلاع و اقدام لازم ارسال می گردد.

روابط عمومی سازمان مسکن و شهرسازی استان بوشهر

آن چه بر زنان ایرانی گذشت

بتول جهانگیری – دانشجو

جنبشی به نام زنان در ایران برای احیای حقوق از دست رفته ی خود شروع به فعالیت کرده، آن چه در این سال و سال های گذشته بر زنان ما می گذرد برای هر انسان خواهان آزادی و حقوق برابری قابل هضم و درک نیست و در کمتر جای دنیا با چنین برخوردهای خشن مواجه هستیم.

اما آن چه که مد نظر ماست این که در طی سالی که گذشت زنان ایرانی چه دورانی را سپری کردند؟ نام بردن از همه ی آن ها نه در کاغذ گنجانده می شود و نه ذهن مغشوش من یارای ضبط و ثبت همه ی آن ها را داراست. اما هرگز فراموش نخواهیم کرد که در عملی ناباورانه حکم زندان و شلاق را برای مدافعین حقوق زن صادر شد. چنان که حکم دو و نیم سال حبس و ضربه شلاق برای دل آرام علی تعجب همه را چه در داخل و خارج از ایران برانگیخته می کند که هاشمی شاهرودی در یک روز مانده به اجرای حکم، دستور توقیف آن را می دهند و همچنان حکم های سنگین برای شادی صدر، آسیه امینی، مریم حسین خواه، ناهید کشاورز، معصومه ضیاء، پروین اردلان، مرضیه لنگرودی و.. داده می شود و از سویی دیگر خبرگزاری دولتی، ایرنا در سال کنونی چندین بار فعالین کمپین یک میلیون امضاء را وابسته به پژاک متهم می کند. همه این دغدغه ها در حالی است که احمدی نژاد در سفر خود به آمریکا در دانشگاه کلمبیا در جواب به سوال دانشجویان آمریکایی که زنان ایرانی از آزادی کامل برخودار نیستند، جواب می دهد زنان ما هیچ محدودیتی ندارند و شما می توانید به ایران سفر کنید و از خود آن ها بپرسید و جالب این جاست که سازمان دیده بان حقوق بشر وضعیت حقوقی زنان در ایران را از میان ۱۲۸ کشور در رتبه ی ۱۱۸ ام قرار می دهد. تقریبا ۳ سال پیش بود که آقای احمدی نژاد در نشستی خبری قبل از این که پست ریاست جمهوری را به دست بگیرند بیان داشت مشکل امروز جامعه ما موی سر بچه های مردم نیست.

اما طولی نکشید که در دولت ایشان طرحی اجرا شد که بیشتر مخاطبین آن، خانم ها بودند و با این نگاه به نظر می آید مسئولین همه مشکلات جامعه ایران را به پوشش زنان مرتبط می دانند.

سال گذشته در حالی که آقای رئیس جمهور دستور داد تا بهترین جایگاه ها در ورزشگاه به خانم ها اختصاص یابد، امسال شاهد برخورد محدودیت با ورزشکاران زن ایرانی در فوتسال، هندبال، والیبال بوده ایم.

وجود زنان ایرانی در کشورشان تا آن جا غیر قابل تحمل می شود که سایت زنستان مسدود و حکم لغو ماهنامه زنان را بعد از ۱۶ سال انتشار صادر می کنند. ماهنامه دیلماج در تبریز نیز به چنین سرنوشتی گرفتار می شود. زنان ایرانی که سالهاست با تبعیض جنسیتی در ابعاد مختلف روبه رو هستند، این بار تبعیض در کنکور پزشکی را هم تجربه کردند. این عدم حقوق جنسیتی در حالی است که در شهر شیراز شاهد نخستین پارک مختص بانوان با دیواری بلند و بیمارستان ویژه زنان بودیم که این خود خبر از گسترش



تفکیک جنسیتی می دهد. همچنین امسال نسبت به سال های گذشته در حالی زنان را از عرصه سیاست حذف می کنند که شاهد رد صلاحیت چشم گیر آن ها در انتخابات شورای اسلامی هستیم.

نادیده انگاشتن موفقیت های زنان ایرانی در حالی است که جایزه صلح نوبل ۲۰۰۱ به شیرین عبادی داده شد که از طرف هیچ یک از مسئولین بلند پایه و صدا وسیما از ایشان تقدیری نمی شود. امسال هم پروین اردلان جایزه حقوق بشر ۲۰۰۷ بنیاد اولاف پالمه سوئد را دریافت می کند ولی در حکمی غیرمنتظره احضار می شود و برای دریافت جایزه ممنوع الخروج می شود. همه ی این تنش ها و دغدغه ها در سالی که گذشت در حالی انجام گرفت که شاهد مرگ مشکوک دکتر زهرا بنی یعقوب در بازداشتگاه همدان بودیم و بسیاری ناگفته ها دیگر که خبر ناخوشایند بودن وضعیت حقوقی زنان در جامعه را می دهد .

عوارض نامشخص شهرداری بوشهر برای منازل

طارمه: اخیرا شهرداری بوشهر قبوض عوارض نوسازی را به درب منازل فرستاده است و در این قبض ها از مردم خواسته شده است که ظرف مدت ۱۵ روز از دریافت این قبض، جهت تصحیح موارد احتمالی به طبقه ۴ آن اداره مراجعه نمایند.

در اینکه مردم باید عوارض مربوط به هر نهادی را در جهت پیشبرد اهداف آن نهاد که همانا خدمت رسانی بیشتر و مطلوب تر به خود مردم است؛ پرداخت نمایند؛ هیچ شکی نیست. اما گرفتن وجه اضافی و خلاف قانون مربوطه، صحیح است؟

شهرداری بوشهر با استفاده از عدم آگاهی مردم در قوانین مربوطه، دست به کاری زده است که رقم حساب های مالی خود را از این طریق، اندکی و شاید هم به اندازه قابل توجهی بالا ببرد.

طبق قانون، محاسبه مبلغ پرداختی عوارض، بر حسب متراژ زمینی که ساختمان در آن قرار دارد؛ صورت می گیرد که این مبلغ در مورد ساختمان ویلایی طبق متراژ کلی زمین و در مورد ساختمان های آپارتمانی طبق فرمولی خاص در برنامه مخصوص و با وارد نمودن مشخصات دقیق واحد مورد نظر قابل محاسبه می باشد که مقدار کل عوارض تخصیص یافته به واحدهای آپارتمانی یک زمین، از مقدار عوارض مساحت کلی زمین فراتر نمی رود.

به طور مثال زمینی ۴۰۰ متر مربع می باشد؛ چنانچه این زمین ویلایی باشد؛ باید عوارض ۴۰۰ مترمربع توسط صاحب ملک پرداخت شود. اما اگر در این زمین، فرضا ۹ واحد ۸۰ متری اجرا شده باشد؛ باید مشخصات دقیق هر واحد به طور جداگانه وارد شود تا برنامه مورد نظر؛ عوارض هر واحد را محاسبه نماید تا سهم هر واحد از عوارض زمین مورد نظر مشخص گردد.

اما کار بسیار زیبای شهرداری بوشهر در این ماجرا.

در فیش های عوارض، شهرداری بوشهر مساحت زمین تصرف شده توسط هر واحد آپارتمانی را با متراژ آن برابر فرض می کند. به طور مثال اگر واحد ۸۰ متر است؛ شهرداری نیز مساحت زمین واحد را ۸۰ متر وارد نموده است که چنانچه طبق مثال بالا، (زمین ۴۰۰ متری و ۹ واحد ۸۰ متری) کل مساحت های اختصاص یافته توسط شهرداری بوشهر را با هم جمع بزنیم؛ به متراژ ۷۲۰ متر مربع خواهیم رسید که ۳۲۰ متر مربع اضافه بر زمین مورد نظر است و مالکان واحد های اپارتمانی باید عوارض نوسازی این مقدار اضافه را نیز بپردازند که کاملا خلاف قانون می باشد!

مسکوت ماندن چنین موضوعی تنها یک دلیل واضح دارد و آن هم این است که تمامی کارمندان زیرمجموعه شهرداری بوشهر از پرداخت عوارض نوسازی معاف هستند!!



نسیم جنوب
۴
ادب و هنر
شماره ۴۹۱ یکشنبه ۱۹ اسفند ماه ۱۳۸۶
NASIM JANOUB

سفر عاشورائی صغیری در غریبه شام



در دو دهه ی پایانی ماه صفر کاری از استاد هنر ایرج خان صغیری شخص شناخته شده ی تاتر در بوشهر همه را غافلگیر کرد، هر چند که تجربه نشان داده کارهای صغیری در یک پروسه ی طولانی آماده می گردید و خبر آن همه جا به گوش مردم و به خصوص به اطلاع عاشقان تاتر می رسید و با این شتابی که صغیری دست به اجرای تاتر زد، انتظار می رفت اجرای عجولانه شاهد باشیم که خالی از بار یک اندیشی ها و ظرافت هایی باشد که معمولا در آثار این کارگردان موج می زند اما در همان شب آغازین اجرای این نمایش صغیری همه را به شگفتی واداشت، زیرا شاهد نمایشی بودیم شگفت انگیز و با شکوه، شگفت انگیز از چند جهت چون این نمایش که «غریبه شام» نام دارد یک اثر صد در صد مذهبی و به قولی که از پوستر و بروشور آن نقل شده «عاشورایی» است که تعداد بازیگران آن به حدود ۵۰ نفر می رسید که این خود در بوشهر بی سابقه بود، حتی آثار نامدار خود صغیری هم هرگز با این تعداد بازیگر به اجرا در نیامده بود، توفیق این نمایش درارتباط جانانه تماشاچی یکی دیگر از انگیزه های شگفت زدگی ناظران بود.

تصور می رفت اداره کل ارشاد اسلامی بوشهر و یا صدا و سیما ناپرهیزی کرده چنین اثر بزرگ و وسیعی را به صغیری سفارش داده باشد. البته این مرتبه ی شگفتی به سرعت زایل شد. زیرا خیلی زود دانستیم که سفارش دهنده ی این نمایش مرکز هنرهای نمایشی در تهران بوده و نویسنده آن آقای فدائی حسین است، باز هم دست مسئولین این مرکز درد نکند. اما از همه شگفت انگیزتر اجرای منسجم و محکم این نمایش آن هم با یک کهکشان بازیگر که به جرات می توان گفت همگی در ارائه ی بازی های پذیرفتنی و قابل قبول خود موفق بودند، حقیقتا گاه گاهی در بعضی از نمایش هایی که توسط جوانان یا پیشکسوتان در بوشهر اجرا شده، شاهد چهره ی یک بازیگر نسبتا موفق بوده ایم اما در این نمایش می توان گفت نه بازیگر موفق بود و نه لحظه های خسته کننده در ناموفق، که این نشان از بها دادن استاد کهنه کار به تمامی صحنه ها و لحظه های نمایش بود و نکته جالب و قابل توجه در این نمایش، عدم تبعیض بین بازیگران بود و تمامی نقش ها و بازیگران بزرگ و کوچک برای او یکی بودند و هر چند تمامی بازیگران (آقایان: بارونی ها، باغکی، قفلی، دلواری زاده، مکاری، سیاوشی، بی باک و سر خوش و... خانم ها: گل تراش، دهقان، رستگار، بلور زاده، لطلفت، همتی، برسان، اعتمادی، ایزد بخش، پیکر و خواهران دو قلوی اردست و...) این نمایش موفق بودند ولی بازی درخشان دو طفل نمایش یعنی ظباطی و رستمی علاوه بر بروز استعداد و هنر آن ها ، نشان از سال ها تجربه و احاطه داشتن به کار و هنر و به خصوص تاتر می باشد که فقط از شخصی مانند استاد صغیری می تواند حاصل شود.

آفرین بر تو استاد که هم علاقه مندان بی شماری روانه سالن نمایش کردی و صد آفرین به کسانی که کارگردانی این نمایش زیبا و دیدنی را به تو سپردند.

خسته نباشید استاد.

گفت و گو با سپیده گل تراش بازیگر نقش حضرت زینب (س) در تاتر غریبه شام:

کار با صغیری هم سخت است و هم آسان



گفتگو از مهدی صالحی زاده ـ اشاره: تاتر غریبه شام که زبان حال مظلومان و پاک ترین انسان های روی زمین است، توسط یکی از بزرگترین کارگردانان تاتر ایران زمین یعنی استاد ایرج صغیری به اجرا در آمد. در این نمایش از کوچک ترین تا بزرگترین، از کم حرف ترین تا پر حرف ترین شاگردان صغیری، همه و همه خیلی خوب حس را به مخاطب انتقال می دادند. اشک های تماشاگران غریبه شام این گفته را ثابت می کرد. در یکی دو مورد ماکت های موجود در سن زیاد جالب نبود، اگر این مسئله رفع می شد. جذابیت کار بهتر نشان می داد. شاید هم کمبود وقت مجال این کار را از کارگردان گرفته بود. بهر شکل این کار به دل همه بوشهری ها نشست. در بین نقش آفرینان، کسی که بازیگر نقش حضرت زینب(س) را به عهد داشت، بسیار با احساس و پر هیجان و جالب ایفای نقش نمود. پس از پایان کار این نمایش نامه با سپیده گل تراش بازیگری نقش حضرت زینب (س) گپ و گفتی کوتاه دادیم که می خوانید:

– ضمن خسته نباشید و عرض تبریک برای اجرای نقش زیبایتان، خودتان را برای خوانندگان معرفی کنید؟

– بنده سپیده گل تراش هستم. متولد فرودین ماه سال ۱۳۶۵ در شهر شیراز دانشجو رشته ادبیات نمایشی(ترم هفت) در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر.

– چه شد که در این کار بازی کردید؟

– با توجه به این که من دانشجو تاتر هستم و با این رشته غریبه نبودم یک روز آقای یاراحمدی با من تماس گرفت و در خصوص آن کار با هم صحبت کردیم و قرار بر این شد که با این گروه همکاری داشته باشم و در نهایت با نقش زیبا و معنوی حضرت زینب(س) انجام وظیفه کردم این اولین کار حرفه ای ام با آقای صغیری بود.

– بدون در نظر گرفتن دیالوگ های شما در خصوص نقشتان، چقدر خود را به آن حضرت نزدیک کردید؟

– من شبیه خوان بودم و نوشته ها را با کمک آن حضرت با حالتی خاص بیان می کردم. مطمئن هستم که آن بانوی بزرگ اسلام هم نیم نگاهی به من داشته. بنده هر روز خود را به آن حضرت و این نقش بزرگ نزدیک می کردم.

– کار با آقای ایرج صغیری را چگونه ارزیابی می کنید؟

– کار با ایشان هم سخت است و هم آسان چون کارگردان با تجربه ایی است.

– یعنی صغیری آدم منعطفی است؟

– بله، بی شک کارکردن با ایشان و گروه حرفه ای وی بسیار لذت بخش است . انعطاف آقای صغیری هم از روی شناخت بازیگرانش می باشد.

– کار در این گروه چقدر به تجارب عملی و علمی شما در رشته در حال تحصیلاتان تاثیر داشت؟

– تاثیر بسزایی داشت این کار تجربه خوبی برای من بود.

– این طور که شنیده شده شما تا چند وقت دیگر از بوشهر خواهید رفت، ادامه کار شما با این گروه یا صغیری چگونه خواهد بود؟

– فعلا فکر نمی کنم که بتوانم در بوشهر کار کنم– ولی اگر بسترش پیش بیاید حتما در بوشهر فعالیت خواهم کرد چون از جمله کسانی هستم که عاشق بوشهر بوده و هستم این دیار با مردمان مهربان، دریای زیبای و... یکی از دوست داشتنی ترین شهر های ایران است.

– این کار شما با این بافت دینی تاریخی ، آیا می تواند جایگاه خوبی در کشور کسب کند؟

– از آن جا که ما مسلمانان، اکثرا رابطه خوبی با دینمان داریم، و این تاتر مذهبی هست، فکر می کنم در ایران جواب بدهد. درسته در این نوع کارها یک سری ایرادهایی هم وجود دارد، مثلا کمبود متن و یا پایین بودن سطح کار، ولی باید به تاریخ اسلام وفادار بمانیم و مجبوریم از تخیلات استفاده نکنیم و چون گمراهی به همراه دارد این نوع کارها سخت است و رسالت تاتری را سخت می کند و این گونه کارها کار هر کسی نیست .

– این طور که از گفته های شما برداشت می شود بعضی ها در این نوع کارها با دست آوردند در مسائل تاریخی که یک جوری انسان ها را بر سر دو راهی قرار داده و به اصل کار شک می کنند مثلا خشونت در دین؛ یعنی خوانده ها و مکتوب ها با اجراها یکی نیست و برای جوان ها زیبا نخواهد بود؟

– این حرف متعلق به حالا جوان ها ی امروز نیست در اعصار دین را خشن نشان دادند و باید کاری کرد که جوان ها دین و تاریخ به بهترین شکل به آن ها ارائه داده شود.

– در غریبه شام از نقش چه کسی یا کسانی لذت بردید؟

– با توجه به این که در این کار خانم ها پر گوتر و یا بهتر بگویم دیالوگ بیشتری داشتند؟

– از آقایان از بازی حسین قفلی لذت بردم، ایشان در حین کار زیاد به من حس می داد به وی خیلی ارادت دارم و دوست دارم دوباره با او کارکنم. در بحث بازی خانم ها هم: خانم رستگار (نقش هند)، فوق العاده کار کرد دراین کار رابطه حسی خوب با هم داشتیم. ناگفته نماند ایشان هم دانشگاهیم و هم رشته ای بنده هستند.–خانم ستایش ضباطی در نقش حضرت رقیه (س) خوب بازی کرد و با هم راحت کار می کردیم. البته همه گروه خوب بودند از همه آن ها بابت همکاری گروهی در این کار تشکر می کنم. با سپاس از شما که این گفت و گو را ترتیب دادید.

داستان کوتاه

عشق ماشو

شاهرخ تنگسیری



مو که بهشون اضاف شدم تعداد آدمای زیر تابوت ماشو می شد شش نفر. ممدو هم یه سینی نون و چند تا کله خرما رو سرش گذاشته بود. جلو تابوت حرکت می کرد. این دفعه دیگه ممدو مجبور نبود پشت سر تابوت مرده میون زن ها حرکت کنه ولی یه چیزی داشت آزارش می داد او هم میدانست که جسد ماشو تک و تنها و بی کس دیشو پشت دیوار گمرک پیدا کردن. یهو شروع کرد: (۱) ای واویلا از این عیش و از این دامادی، صد واویلا ... اما هیچ زنی نبود که جوابش بده، سینی رو برداشت رو کف دست نهاد و با دست دیگه بر سر می زد... ای واویلا شیرم ای ببرم از دنیا رفت...

هیات ما کم بود و تابوت ماشو سنگین ....(۲) غفرالله لکم لا اله ... تابوت گذاشتیم پشت وانت قاسم، خودمون هم دورش نشستیم و به میله های وانت تکیه دادیم: تا حالا این طور تشیع مختصر و کم جمعیتی ندیده بودم. مندو می گفت: گفتم ببریمش از تو مسجد تشیع اش کنیم کسی دم حرف مو نگشت. او طوری قشنگتر بید.

زار حیدر گفت: اگر خبر مردم بدادیم...

عبدل و رجب نگاه معنی داری به همدیگه کردن چیزی به نظرشون نیومد که بگن مو هم خوب می فهمیدم که فرقی نمی کرد تازه، کی می خواست بفهمه ، اصلا بفهمیدن چه اتفاقی می افتاد؟

مندو گفت: خدا رحمتش کنه اتو بدبخت که مرد...

قاسم دور فلکه دور زد و به سمت قبرستون حرکت کرد انگار خیلی کار داشت که با شتاب رانندگی می کرد خدا رحمت کنه پدر و مادرش ، امیدوارم جونیش سیر و پر کنه، جوون نازنینین. با همی وانته داره نون زن و بچه اش می ده. یهو زد و پدال ترمز که همه مون سُر خوردیم با تابوت چسبیدیم به شیشه پشت سر راننده.

زار حیدر گفت: چه می کنی آمو، کشتیمونا .. استخونمون له واوید....

تابوت پیاده کردیم ، خیلی طول نکشید، آمادن، کفنش کجان؟ همه نگاه همدیگه می کردن ، فهمید که انگار کسی انتظار همچی سوالی نداشته، خودش اُومد بیرون و از تو اتاق بغلی برای ماشو کفن آورد. چند متر کرباس تمیزترین لباسی بود که ماشو تو این چندین سال به تن کرده بود.

ماشو به خواب عمیقی رفته بود. سنگ آخری که روش گذاشتیم زار حیدر داشت تلقینش می کرد...

باد قوس تندی از لابلای درختان(۳) گُل ابریشم قبرستون هر چی خاک و گِل بود به آسمان سرو صورتمون می پاشید همه چیز برای ماشو تموم شده بود قاسم هم با تابوت رفته بود، آفتاب زمستون کم کم داشت بی رنگ می شد از میون قبرها که می گذشتیم خاطرات روزهای خوب ماشو توی ذهنم عبور می کرد، آخر تیپ و قدرت بدنی به قول امروزها. هیچ کس اون زمان تصور نمی کرد آخر و عاقبت ماشو می خواد این بشه ؛ حداقل مو اصلا فکرش نمی کردم که ماشو... شاید اگر یه عشق بد فرجام وارد زندگی ماشو نمی شد امروز ماشو تک و تنها بدون هیچ اعتباری این جور تشیع نمی شد. یه عشق پاک و نجیب ، از اون عشق ها باید براش سر داد، همه می گفتن ماشو خُل شده دنگن، اگر نه بین این همه دختر خوشگل و زیبا تو محل و شهر ماشو عاشق گوهر یه دونه دختر ایوب ژاندار نمی شد، ولی مو نمی تونستم این حرف ها رو هضم کنم. عشق، عشقه یه جرقه آن، مثل صاعقه می زنه تو خال دلت...

حالا گیریم که معشوقه گوهر ایوب ژاندار باشه فرقی نمی کنه مهم اینه که چه طور عاشق بشی و این عشق چقدر سرنوشتت رو عوض کنه. ماشو این قدر نجیب کم رو و تودار بود که نمی تونست عشق خودش رو به گوهر ابراز کنه، حق داشت راستش کار آسونی هم نبود. آخه گوهر رو هیچ کس نمی دید مگر وقتی که ایوب بغلش می کرد و می گذاشت ترک موتور(۴) کُپ کُپش و یه راست می رفت سراغ دکتر عادلی معاینه، آمپول مُسّکن و دوباره خونه. زمستونا مشکل گوهر بیشتر میشد، اندام فلج و سرفه های پی در پی کلافه اش می کرد. اما ایوب صبور و مهربان گوهرش رو روی دستاش جابه جا می کرد. تو همین رفتن و اومدن یه روز چشم های گود نشسته گوهر به چشمای ماشو خیره می شه و آغاز ماجرای عشقی ماشو رقم می خوره دختر بیچاره! خیلی زود عشق یکطرفه ماشو شد. نقل سر زبون ها وقتی دی غلو بفهمه یعنی این که تمام شهر از ماجرا خبردار شده، هر چی که خودش می فهمید می گفت هر چی کم می آورد رادیوش اعلام می کرد قضیه بگوش ایوب و دخترش هم رسیده بود! یه شب بی خبر از گوش چشم شهر ایوب و دخترش برای همیشه بار سفر بستن و رفتن تا تراژدی عشق ماشو تکمیل بشه، ماشو شده بود و بسته، بسته سیگار اشنو ویژه که دود می شد و با خاطرات خودش تو هوا سیال و مجنون سیر می کرد. هر روز بدتر از قبل، روز به روز قیافه ماشو شکسته تر و ضعیف تر می شد، شده بود مسخره دست کوچک و بزرگ اهل محل، عشق ناکام دختر ایوب بند بند جون ماشو پاره کرده بود، فقط به یه چیز فکر می کرد و بس . همه چیز تو نظرش سیاه شده بود. هیچ افق روشنی تو زندگی براش پیدا نبود، از همه فرار می کرد، تغییر قیافه مجنون وار ماشو با آن سر و وضع کثیف و نامرتب از ماشو واقعا یه دیوانه ساخته بود خیلی تند از وسط بازار میون مردمی که حالا یه جور دیگه نگاش می کردن می گذشت و از نظرها پنهان می شد هیچ کس فکر نمی کرد که کجا می ره، چه می خوره، کجا می خوابه. بیشتر اوقات زیر پله آهنی روبه روی اسکله رافائل می دیدمش، موقع هداک می آمد. کنارم رد می شد. تبسمی می کرد و به گوشه ای کنار پایه های پله می نشست و با خودش حرف می زد، کلمات گنگ و بی معنی، گاهی می خندید، گاهی گریه می کرد، اما فقط اشکاشو می دیدی پله بهترین مکان خلوت خاطرات ماشو بود آن جا آرامش می یافت درست مثل خلوت من با ماهی هایی که صید شان نمی کردم و فقط رقصیدشان را در میان آب های زلال دور پایه های اسکله تماشا می کردم و لذت می بردم. و به عشقی فکر می کردم که هرگز وصالش ممکن نبود!

آسمان تاریک و از ستاره ها خبری نبود، از قبرستون دور شده بودم، شلاق باد قوس روی صورتم حس می کردم، برگشتم ولی پشت سرم چیزی پیدا نبود، حتی آدم های دور و بروم همه رفت بودند ، تنها صدای پی در پی (۵) غُره تُراق بود که سکوت تلخ شب رو می شکست ، نم نم بارون بوی گل تازه قبر ماشو تو هوا پیچیده بود با خودم می گفتم : ماشو بیچاره چقدر تنهاست!

(پی نوشت) :۱.از سروده های مراسم عزاداری که بیشتر توسط زن ها خوانده می شود.

۲.سرودی که توسط مردان در هنگام حمل جنازه با تابوت تا محل قبرستان خوانده می شود.

۳.از درختان تنومند و سایه دار که در قبرستان هنوز هم تعدادی از آن ها باقی مانده.

۴.نوعی موتور سیکلت با قابلیت حمل مسافر در کنار موتور سیکلت از وسایل حمل و نقل مورد استفاده ژاندارمری سابق

۵.رعد و برق

متنی با برگردان پارسی سره

پاسخ ایلیا پارسانیا مترجم داستان « جایی برای آویختن فانوس نیسَت» بر نقدِ آن

در شماره ی ۴۹۰ هفته نامه ی ارزشمند نسیم جنوب به تاریخ یکشنبه ۱۲ اسفند ماه ۸۶ نقدی را از خانم شراره ی اقدم بر داستانی که من آن را برگردانده بود خواندم که بایسته دانستم برای زدوده شدن سردرگمی ایشان و دیگران توضیحی فشرده بیاورم . شماره های زیرعمده ایرادهایی است که منتقد بر این برگردان وارد آورده است :

۱ – کم کاربرد بودن کلماتِ آورده شده در متن و القاء مفهوم مورد نظرِ خود به خواننده و آوردن جملات سنگین و انتخاب ساختار شَاهنامه وار(!)

– اینگونه می نماید که منتقد گرامی کمی در تصمیم خود شتاب کرده است زیرا اگر بهتر دقت می نمود متوجه می شد که برگردانِ این متن کاملاً پارسی سره است و در پارسی سره خواه نَاخواه و چه بسیار از واژه های کم کاربرد (و حتا بی کاربرد) بهره گرفته می شود . پس چاره ای جز آن چه که انجام پذیرفته است نبود . روشن است برای کسی که نخستین بار به این گونه ساختارهای ادبی برمی خورَد آن را متنی سنگین و به گفته ی ایشان شاهنامه وار می پندارد.

۲ – مترجم ، خواننده را بر سر دو راهی قرار داده است که آیا با متن عامیانه روبه رو است یا با عباراتی ثقیل ، و مترجم مفاهیم را از زبان مبدا به مقصد منتقل نکرده است (!)

– بنده طبق روشی که دارم ، اغلب اوقات بخش توضیحی – توصیفی راوی داستان را با ساختاری ادیبانه تر نسبت به بخش گفتاری آن می نویسم . یعنی در وقت مقتضی حرف های شخصیت ها را به صورت عامیانه خواهم نوشت . نمونه ای از همان داستان را می آورم که اولیو از شوهرش می پرسد :« او بچه شو دوست نداره ؟» حال این جمله را به این صورت بنویسیم :« آیا او بچه اش را دوست ندارد یا دوست نخواهد داشت ؟» اکنون ببینید کدام یک – در گفتگوی عام– ساده تر و روان تر است ؟ و اما گفته اید که مفاهیم را از زبان مبدا به مقصد منتقل نکرده ام ، این نیز برمی گردد به یک سویه نگری شما به داستان . آیا صرفاً اقدام به شکستن این سدّ فارسی– عربیِ رایج به زبان پارسی سره ی مادریمان عدم انتقال مفاهیم است؟

۳ – مترجم خوانندگان را سر در گم کرده است و حتا گاهی اوقات باعث می شود که خواننده به سواد فارسی خود شک کند (!)

– مطمئن باشید خانم اقدام اگر هرکسی کوچک ترین آگاهی ای از سیرِ فراز و نشیب های این زبان (پارسی) طوفان زده را داشته باَشد ، هنگامی که نوشته هایی از این دست را می خواند نه تنها به سواد خود شک نخواهد کرد بلکه به آن مطمئن و مفتخر نیز خواهد شد .

۴ – منتقد واژه ها و جملاتی را مثال زده است و نوشته است که به نظر می رسد مترجم در انتخاب افعال با مشکل مواجه است .

– متاسفانه این موضوع نیز برمی گردد به عدم آشنایی منتقد به واژه ها و زبانزدهای پارسی (سره) . این ایراد را نباید در گزینش افعال توسط بنده دانست که اشکال را باید در جایی دیگر جست ! مثلاً باید دانست که برابر «احساس کردن» در پارسی می شود : دریافتن ، سُهیدن ، پرماسیدن و ...، واژه ی «رُک و خیره چشم دوختن» اصطلاحی است رایج در داستان ها که بیشتر صادق هدایت به کار می برد و دیگر نمونه ها که از نوشتن شان سر باز می زنم .

۵ – جمله ی «هر آن دم بزاید» چون هر دو یک معنی را می رساند نباید نوشته می شد و جمله ی پایانی داستان معنای درستی ندارد.

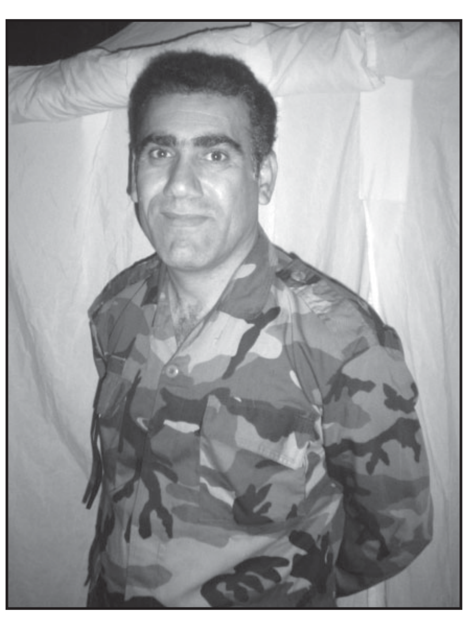
– مگر در زبان فارسی امروزی مان کم دو واژه ای هم معنی وجود دارد؟ سحر و جادو ، سخت و دشوار، ناز و ادا و ... این زیبایی یک زبان را می رساند و هیچ چیزی را تغییر نخواهد داد ، و اما درموردِ این جمله ی پایانی که گفته شده : «نت و اولیو در ستورگاه نشسته بودند ؛ دست های یکدیگر را در دست و سرگرم نوشیدن بنک بودند.» بنده خودخواسته از آوردن فعل دوم از جمله ی دوم بالا صرفنظر کردم ، زیرا فکر نمی کنم کسی با خواندن این جمله پی نبرد که آن دو دست های یکدیگر را در دست نداشته باشند! پس پیام به طور وضوح به خواننده منتقل شده است و دیگر چه نیاز به آوردن افعالی چون " داشتند" یا "گرفته بودند" را دارد؟

۶ – منتقد در آخر نقد خود اشاره به ضعیف بودن این ترجمه داشته است.

– به هر روی نظر هر کسی برای خود قابل احترام است ، اما ای کاش کسی که خود را در جایگاه دشوار منتقد ادبی می نهد ، دیدگاه و نقدِ خویش را با فراخی دانشِ پربارتر و بردباری بیشتر انجام دهد .

گپ های رضا سیاهوشی بازیگر نقش پدر عطیه در نمایشنامه غریبه شام:

قدر مردان با تجربه را بدانید



– رضایی سیاهوشی متولد ۱۳۴۷

–اولین بازی درنمایش غریبه شام به کارگردانی استاد ایرج صغیری داشتم.

– خوشحالم از این که در این گروه ۵۰ نفری که هر کدام شخصیت قابل احترام و دوست داشتند آشنا شدم و به عنوان عضوی کوچک از این مجموعه فعالیت داشتم.

–خوشبختانه از این نمایش استقبال خوبی صورت گرفت و در مدت ۱۵ روزه اجرا همیشه شاهد حضور علاقه مندان به تاتر و حضور گسترده مردم بودیم.

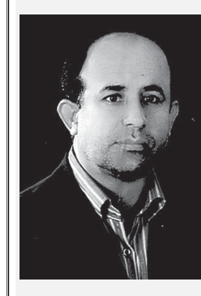
– از این که شاگردی استاد صغیری و آقای یاراحمدی که انسانی با اخلاق و متواضع هستند داشتم افتخار می کنم.

– امیدوارم که مسئولین محترم استان و به خصوص ارشاد نسبت به این اشخاص توجه بیشتری داشته باشند تا شاهد پیشرفت هنر و کارهای فرهنگی در استان باشیم و قدر این زحمت کشان و پیشکسوتان و مردان با تجربه را بدانند.

– نقش پدری که به جبهه می رود و بعدا شهید می شود خبر شهادتش به خانواده او توسط قاصد می آورند و بعد جسد آن را می آورند.

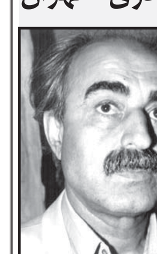
خورشید انقلاب

یدالله مظفری متولد ۱۳۴۶ بندر گناوه، کارشناس مدیریت بازرگانی از دانشگاه شهید چمران اهواز– کارمند. از سال های میانی دهه شصت به صورت تفننی شروع به سرودن شعر نموده ولی دو سال می باشد که به صورت جدی به سرودن شعر همت گماشته در قالب های مختلف شعری – شعر سروده، امید دارد تا سال آینده و اولین دفتر شعرش که شامل غزل ها– دو بیتی ها – و شعر نو چند شعر محلی می باشد به زیر چاپ برود. شعری از وی را در زیر می خوانید:



خورشید زغصه تا رها شد
اندر پیش آسمان سیا شد
آن ماه کشید جور خورشید
تا غنچه نو شکفته وا شد
تا ماه به خون چو جامه پوشید
از حُسن حَسن شفق دو تا شد
در ظلمت شب ستاره رقصید
پیدا و نهان به خانه ها شد
چشمان فسون خیره می رفت
تا خون خدا به نینوا شد
از سایه شوم بد سگالان
شب گذشت و ستاره در خفا شد
گل کرد ریا در شب تار
تا مظهر صدق کربلا شد
ما تشنه لبان بر لب آب
سیراب شدیم چه او سقا شد
سر سلسله ساغر هستی
مهمان خدا خون خدا شد
در بهمن خونین ثمر داد
آن نخل تری که سر جدا شد

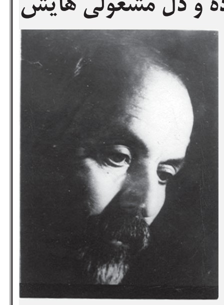
محمد آذری– تهران



آوازی به درازی رود
از کوه تا به دریا
از پیچ تاب دره ها
تا مار پیچ دشت
آوازی
ترانه ای
شروه ای بخوان
تا وام دار اشک نباشم

محسن دلواری

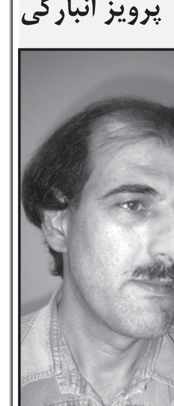
به داریوش غریب زاده و دل مشغولی هایش



آن گاه که به تاراج می رود
این عمر زخمی
خاطرات تلخ و شیرینم
پس از رفتنم خاک می شود
اگر چه شورشی ام
طوفانی دارم در سر
به راه حادثه ای گاه نهاده ام
به مقصدی که خورشید
نیزه اش فروبرده در تاریکی
به قصدی که سرنوشت توطئه می کند
ای کاش رودخانه ای بودی
بر لبان خشکیده کویر
یا لبخندی بودی بر لبان پژمرده انسان
کاش دنیا مثل تو بود
و از میان این همه سایه و ستاره
تنها صدای تو را می شنیدم

رنگ درد

پرویز انبارکی



دلم چه سنگین میان سینه
به سوگ نشسته است
چشمهایم بی محابا،
گریزان از تعدیل
بخارهای درون
صندوقچه ی
دوده گرفته ی
روی آتش درد را
ایثار گرانه
تقطیر می کنند،
مهره های گردنم
مرکز ثقلی است
برای گرانباری
سفیدی چشمم
که شقایق های شوریده را به میزبانی نشسته است
چه زیباست
سرشک شقایق های
از دعوت عزاء
رمیده
در تلفیق
با قطرات
جاری از سوز
از سینه جهیده
هنگامی که
به گونه ی آبشار
از گونه های بر آمده از حفاظت چشمم
میان دشت بیرونی
سینه ام
گلگون سرازیر می شوند
و رنگ درد را
به گونه ای اصیل
به دوش دل می کشند.

امید خدری

لب های سبز باغچه
قلب خونین! قلب خونین!
اگر دشنه ی یاس غریبه زهر آگین نبود
لب های سبز باغچه باز هم می توانست
تو را ببوسد...
قلب خونین! قلب خونین!
اگر دشنه ی امید بیگانه زهر آگین نبود
لب های آبی باغ باز هم می توانست
تو را در شب درد آلود انتظار
مرغان دریایی را به نغمه در آورند
بی که به پرواز در آیند

نسیم جنوب ۵
اجتماعی
شماره ۴۹۱ یکشنبه ۱۹ اسفند ماه ۱۳۸۶
NASIM JANOUB

سایه های اشباح نیاکان فراموش شده ما

به انگیزه برگزاری نمایشگاه عکس اسماعیل جاشوئی

ایرج حسین پور



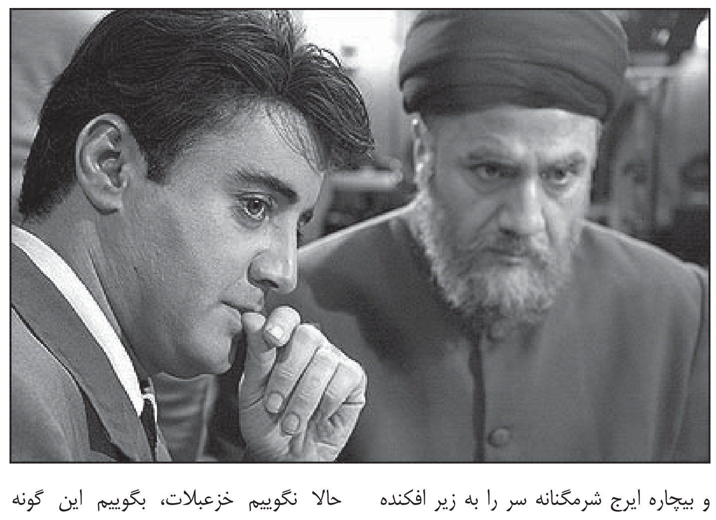
عکس توقف زمان است، عکس ثبت یک لحظه است، عکس مرگ لحظه است، عکس نگریستن درگذران زمان است، عکس غرق شدن در رویای عکاس است، عکس شاهدی بر زمان است. در سالن کتابخانه دیجیتالی سازمان تبلیغات اسلامی استان بوشهر نمایشگاه عکسی از آثار آقای اسماعیل جاشوئی در ۱۲ اسفند ماه ۸۶ برگزار شد. این نمایشگاه از چند زاویه قابل بررسی و دگر اندیشی و نوع دیگر دیدن می باشد.
ابتدا به لحاظ فضای فیزیکی مناسب باید به حسن انتخاب چنین مکانی که نسبتا در قیاس با دیگر سالن های شهر امتیازات بهتری داشت یاد کرد و امیدواریم در آینده شاهد افتتاح یک گالری اختصاصی در بوشهر با ویژگی های استاندارد جهت برگزاری نمایشگاه های تخصصی عکس باشیم.
ولی از بعد فیزیکی نمایشگاه که خارج شویم و دراعماق عکس ها سیر کنیم نکات قابل تفکری در آثار جلب توجه می کند.
مهمترین نکته قابل توجه در این آثار نگاه روشنفکرانه و هنرمندانه آقای جاشوئی به موضوع معماری و بافت قدیم فراموش شده و از دست رفته بوشهر می باشد. بافتی که اگر زمانی از کوچه پس کوچه های آن گذر می کردی صدای شروه و نی انبان گوش ترا نوازش می داد و نسیم آرام دریا از میان کوچه ها عبور می کرد و به تو می خورد و تو را همراهی می کرد و گل های کاغذی قرمز از دیوار حیاط خانه ها به کوچه ها می ریخت و عطر یاس درختان خانه ها به تو صفا و صمیمیت را هدیه می داد و هلال های رنگی درب ها رنگین کمانی از عشق را به روی تو می گشود.به اعماق عکس ها که سفر کنی می بینی که چرخه مرگ در بافت قدیم به سرعت در حال حرکت است و زندگی در این بافت به فراموشی سپرده شده است. عکاس که خود مطالعات زیادی در رشته مردم شناسی و معماری دارد دغدغه و تفکر او حفظ بافت قدیم و احیاء حیات در آن بوده است به خوبی توانسته است دراین آثار نابودی آن را نشان دهد. از ویژگی های بصری این عکس ها که نقطه قوت ارتباط با مخاطب است و سیاه و سفید بودن آثار و درگیری نوعی صنعت با بافتی فرسوده می باشد. عکاس در هیچ عکس دست نیاورده و فضا را همان طور که بوده ترسیم کرده است.
حضور انسان درعکس ها وجود خارجی ندارد و تنها به واسطه المان هایی که رد پای انسان را بر روی بافت های فرسوده به تصویر کشیده سایه هایی از نیاکان فراموش شده را احساس می کنی که عکاس توانسته است به زیبایی و با نگاهی متفاوت فراموشی زندگی را در این بافت از یاد رفته بر روی کاغذ نقره ای رنگ ترسیم نماید. از درون محتوای عکس ها که خارج شوی نوعی ترکیب بندی و کمپوزیسیونی که عکاس با آن درگیر بوده و استفاده از کنتراست های شدید و سایه روشن ها و بازی با نور و ایجاد فرم در عکس ها، عکاس را به سبکی خاص از عکاسی سوق می دهد. البته چاپ خوب را درعکس ها نباید نادیده گرفت که دقت خوبی در آن مشاهده می شود و به برجستگی های آثار کمکی شایانی کرده است. در پایان این مقاله را به سروده ای از شاعر توانمند بوشهر آقای امید غضنفر که با خطی زیبا و نوستالژیک فضای نمایشگاه را آراسته کرده بود به پایان می برم.

بوشهر نهنگ پیرن
خاک پاک مرد دریان
سی خومون ری خاک خینی
اول و آخر دنیان
پا می بنده خاکش
چه غریبه و خومونی
ای تو پیر دلشکسته
یاد روزهای جوونی
یاد او زمون که مردم
دستشون تو دست هم بید
رنگ آسمون و دریا
بی همیشه صاف و آبی
یاد او زمون تو باغا
آدما افتو می کاشتن
هر گلیش که در میونه
جای چشش سحر می کاشتن
مردمون شهر دریا
شهرمون دل نگرونه
دست تو دست هم که بیلیم
بندر از نو شادمونه

نگاهی به بازآفرینی زندگی شهریار توسط کمال تبریزی در سیما

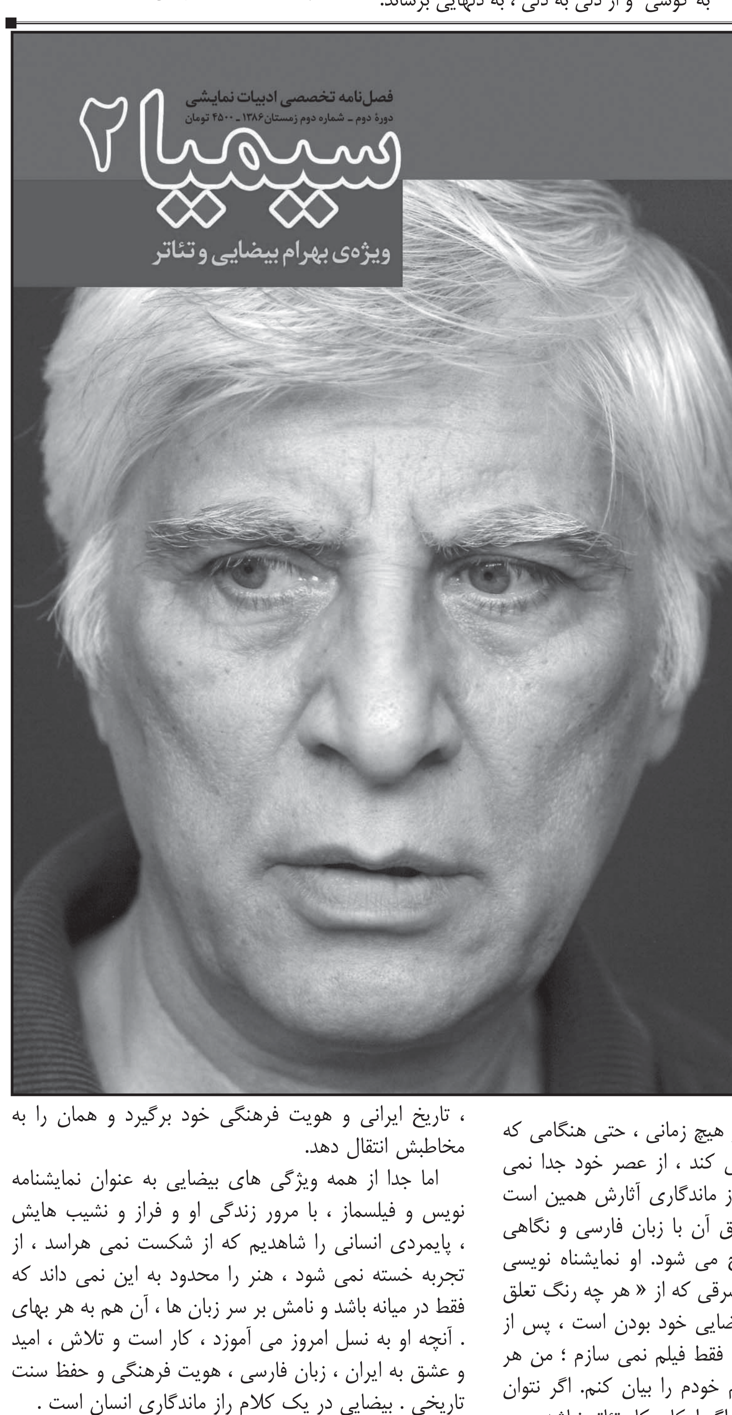
بحر در کوزه

قاسم مهدی زاده دوانی



در ماههای اخیر تلویزیون اقدام به پخش سریال هایی در خصوص زندگی مشاهیر کشور درزمینه های مختلف نموده است. زندگی دکتر محمد قریب بنیان گذار پزشکی اطفال در ایران از این دست سریال های بیوگرافیک است. از این دست ساخته ها یکی نیز به تصویر کشیدن زندگی طولانی و در عین حال پر نشیب و فراز شهریار شاعر غزلسرای اهل آذربایجان است. کمال تبریزی کارگردان "مارمولک" و "فرش باد" و "لیلی با من است" این مهم را به انجام رسانده است.
علی اصغر شعر دوست نماینده مردم تبریز در مجلس ششم یکی از عوامل اصلی در تیتراژ این سریال است. شعر دوست همان کسی است که در ایام کامروایی اصلاح طلبانه پیشنهاد کرد که روز ملی شعر و ادب بنام شهریار نامگذاری شود. بدون اینکه متوجه باشد در سرزمین شاعران چنین افاضاتی اصلا خردمندانه نیست. با وجود رودکی و فردوسی و مولانا و ناصرخسرو وحافظ و سعدی و... اگر چند روز ملی در کشور در این زمینه بر قرار شود شاید چنین نامگذاریی محلی از اعراب پیدا کند. خاصه اینکه شهریار و امثالهم درقالبی شعر سروده اند که حریف قدری چون حافظ قبلا آن را به عرش برده و بعید است در باقیمانده عمر جهان شعر و شعر جهان دست کسی به آن برسد. از همین رو هیچ شعر دوست(ی) نباید چنین سودای خامی را بعنوان بشارت حمایت از شعر و ادب به مشتاقان بیشمار بدهد.
روزهای بزرگ از دل واقعیات بیرون میجهند آنروز که در "باژ" از توابع توس فردوسی چشم بر جهان گشود آنروز، که در شیراز جنت تراز شمس الدین محمد بدنیا آمد، روز ملی شعر و ادب فارغ از هر گونه نامگذاری بر جریده عالم ثبت شد.
مهدی اخوان ثالث روزی گفته بود که پس از بزرگانی چون (همانها که در بالا برشمردیم) ادعای شعر و شاعری کردن ادعای خردمندانه ای نیست، مقصود اخوان از این گفته همان فاصله ایست که آنها با دیگران دارندو گرنه در کشور ما همواره شاعران بزرگ کم نداشته ایم .
کمال تبریزی همراه دیگر عوامل سریال با کوشش تحسین برانگیزی کوشیده اند کاری در خور شاعر همشهری خود تهیه کنند، و تا حدود زیادی نیز موفق شده اند اما آنها با یک مشکل مواجه بودنده اند و آن اینکه مجبور شده تا بحر را در کوزه بریزند. مقصود این است که زندگی و در واقع حیات هنری شهریار بویژه پس از پذیرفته شدن او در مدرسه طب آنزمان و کوچ او به تهران مصادف است با آشنایی وی با گروهی از شعرا و هنرمندان زمانه او از قبیل عارف قزوینی، ایرج میرزا، ملک الشعرای بهار، میرزاده عشقی. کوزه ای بنام این سریال کوچکتر از آن است که چنین بحرهایی را در آن جای داد. حال تصور کنیم در یک مجلس انس این افراد نشسته اند (که در قسمت های مختلف چند بار اتفاق افتاده) و حاصل آن متاسفانه درخور این بزرگان نبوده زیرا مقصود از ساخت این سریال، بزرگ و هر چه بزرگتر جلوه دادن شهریار است و بقیه اهمیتی نداشته اند. در قسمتی از سریال محمد حسین شهریار، عارف را در خصوص مواضع سیاسی اش نکوهش و سرزنش میکند، این درحالی است که عارف سالها از شهریار بزرگتر است و بعنوان شاعر مشروطه در میان مردم مطرح است و تصنیف از خون جوانان وطنش بر زبانها جاری. درجایی دیگر شهریار و ایرج میرزا در کافه ای مقابل هم نشسته اند، در حالیکه ایرج در این زمان همسن پدر شهریار است، و به لحاظ شاعری نیز وضعیت مشخصی دارد، از طرف شهریار سرزنش وار مورد خطاب قرار میگیرد که چرا مدح فلان و بهمان را گفته و بیچاره ایرج شرمگنانه سر را به زیر افکنده و به شهریار توضیح میدهد که از لحاظ معاش در تنگنا بوده و مجبور بوده قدری مداحی کند.
حال معلوم نیست در ادامه سریال و همزمان با پیدایش نیما ،شاملو ، اخوان و دیگران تکلیف آنها با شهریار چه می شود، آیا آنها نیز برای گناهان خود و تنگناهایی که در آن گرفتار بوده و احتمالا دچار نقطه ضعف هایی شده اند، مورد خطاب و عتاب جناب شهریار قرار خواهند گرفت ؟ باید دید.
کارگردان این سریال بنظر میرسد بدون شناخت و اطلاع کافی از دنیای شعر و شاعری وارد آن شده، آنهم شاعرانی نظیر آنچه که برشمرده شدند. اساسا برداشتها و تلقیات و خلقیات و روحیات شاعران به مقدار زیادی با دیگران متفاوت است، و سرنوشت آنها به نحو حیرت ی مشابه است. و درست به همین دلیل شهریار در ادامه زندگی دچار همان اشکالاتی شد که بر سر آنها ایرج و عارف را سرزنش کرده بود.
همین تفاوت است که شاعر را قادر میسازد بنحو حیرت انگیزی وجدان بیدار جامعه باشد و بهتر از دیگران زشتیها را عیان کند، زیبایی ها بستاید و به بهترین وجه بیان کند. تفاوت هنرمند وغیر هنرمند همین جا است. از روز گاران پیشین تا کنون میلیونها نفر به زیارت عتبات در عراق رفته اند ،از میان آنها تنها کمال الملک میدان شهر کربلا را بخوبی دید و بر بوم خود ثبت کرد.
میلیونها نفر طعم استبداد و بیداد را چشیده اند تنها حافظ است که در کوتاه ترین بیان ممکن آنرا به بهترین وجه بیان کرده :
در زلف چون کمندش ای دل مپیچ کانجا/ سرها بریده بینی بی جرم و جنایت
در جهان میلیاردها نفر قادر به بیان آنچه بر آنها میرود نیستند ، تنها مولوی است که احساس خود و عجز نوع خود در این رابطه را بیان کرده :
من گنگ خواب دیده وعالم تمام کر/ من عاجزم زگفتن و خلق از شنیدنش
افاده عمومی از زندگی ، حوادث و رویداد ها و حتی از واژه ها تفاوت حیرت انگیز با شاعران دارد، اخوان در آ خرین اثر خود "ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم"، در خصوص واژه زندیق می نویسد:
"با همه بی حوصلگی باید بگویم که مثلا من زندیق را در معنایی بکار میبرم بکلی متفاوت با آنچه در کتب لغت و فرهنگها در خصوص معنای زندیق آمده است. حتی با آنچه در آثار شاعران پیش از من از آن اراده شده، از قبیل آنکه زندیق یعنی پیرو زند یا مانی، یعنی خدانشناس، ملحد و از این قبیل خزعبلات، حالا نگوییم خزعبلات، بگوییم این گونه معانی و مرادها، نه حاشا و کلا، من زندیق را به هیچیک از این معانی بکار نبرده ام و نمی برم .... و این حق را به خواننده میدهم که از خودم بشنود که وقتی میگویم فلانی زندیق نومید و دلشکسته ای است چه مقصودی دارم.
....اتفاقا من زندیق را به معنای خود شناس، خویشتن شناس، و بالنتیجه خداشناس هم و انسانی آزاده، درست کردار، پاکدامن، دارای جهان بینی روشن ، راستگو، شریف، گرانمایه، والا ، مهربان، خردمند ، (خداوند = صاحب) خداوند جان و خرد (آیا فردوسی
کتاب بزرگش را بنام انسان هم آغاز کرده، مسالهٔ. چون انسان هم خداوند یعنی صاحب جان و خرد هست. تامل کن، تامل کردنی). و جهان نگرش هوشمندانه ، ظریف طبع ، لطیف خوی و از این قبیل بکار برده ام و میبرم... در کاربرد من زندیق به معنای انسانی است – زن و مرد فرقی نمی کند – در عرف دریافت و در آثار و اشعار و نوشته های من که آزاد و آسوده باشد فکر و فرهنگ و رفتارش از نقل هایی که عقل نمی پذیرد و تصویب نمی کند. زندیق و معنای زندیق در دفتر واژه گان من، یک چنین آزاده اندیش روشن نگری است.
دگر زهر چه بود نقل و عقل نپذیرد/ به سرو قد تو سوگند، گشته ام آزاد.
حالا شاید به ذهن کسی خطور کند که برای انسانی دارای این خلق و خویها، انسانی با این خصایل چرا چنین واژه ای را بر گزیده ام .
با همه بی حوصله گی باید بگویم: برای اینکه انسانی که دارای چنان خلق و خوی هاست بنظر من انسانی ممتاز است ، یعنی دارای امتیاز ، دارای تشخص و تفاوت بسیار است نسبت به دیگر انسانها ، واژه زندیق نیز در عرف تعاریف راجع به انسانها، در عالم دلالت واژه گان ، دارای یک چنان تشخص و تفاوتها ، نسبت به دیگران هست. یعنی واژه زندیق زودتر از هر دلالت دیگر در عالم واژه گی و رساندن معنی، همان تفاوت و تشخص نسبت به دیگران را می رساند و بعد تفاوت های دیگرش را ، امتیاز دیگرش اینست که واژه ای خوش لفظ ، کم سیلاب و رسا و شاخص و یگانه است. و طاقت و تحمل کشیدن آنچه از معناها را بر او بار می کنیم دارد . زیرا در طول تاریخ بیش از یکهزارو اندی خود خیلی معانی گوناگون و جور و ناجور و دشمنانه و دوستانه بارش کرده اند و تحمل کرده است. و این تشخص و امتیاز و تحمل و بردباری امری است دارای جاذبه و گیرایی و هیچ واژه دیگری به تنهایی نمی تواند این همه بار معانی حمل و تحمل کند و آنها را از زبانی به گوشی و از دلی به دلی ، به دلهایی برساند.
و آخر کلام اینکه باری زندیق به معنایی که مقصود و مراد من است، در طی همین هزارو سیصد چهار صد سال در قلمرو فرهنگ کشور ما، چندین و چند شهید نامور را و بزرگوار و عالی قدر به تاریخ ما داده است، که همگی پس از گذشتن سالیان سال از شهادتشان و فرو خوابیدن گرد و غبار و طوفان اغراض و غوغاها در دادگاه تاریخ تبریه شده اند، سهل است که علو مقام و والایی قدر و منزلت معنوی شان بر همه گان چون آفتاب روشن است : مزدک بامدادان نیشابوری که مصلحی خیر اندیش و نیکخواه مردم و قیام کننده بر ضد ستم و سلطه استبداد یک حزبی و اختلاف شدید طبقاتی بود وبا چه وضع اسفناکی همراه یارانش ظالمانه شهید شدند ...گقتم روحانی و موبد و موبد زاده ای، پس اتهام الحاد و خدانشناسی و بی خدایی به او دروغی وقیحانه برای کشتن او بوده است
لیک او خدای کس نگرفت از کس/ مزدک شناخت حرمت مزدا را
باری از او و تاریخ پیش از اسلام بگذریم و مثلا ابن مقفع بگیریم وبیاییم تا نزدیک عصر خودمان در هر قرنی چندین و چند شهید بزرگوار داشته ایم. شبی که قرار بود، فردای آنروز ابن مقفع اسلام بیاورد ، در خانه ای که میهمان بود و به صاحب آن خانه سپرده شده بود در همان آخرین شب ، هم به آیین زردشتی مراسم نماز و دعا و نیایش خود را به جا آورد، و صاحب خانه از او پرسید که تو قرار است فردا مسلمان شوی چرا دیگر امشب نماز و نیایش بر آیین زردشتی میکنی؟ ابن مقفع پاسخ میدهد : نمی خواهم حتی یکشب، یا حتی همین چند ساعت را بی خدا و بی ایمان بوده باشم.... و تاریخ گواه است که که این مرد بزرگوار را عاقبت چگونه تحت عنوان زندیق و با چه وضع اسف انگیزی به شهادت رساندند. بله از ابن مقفع بگیر و بیا تا حسین منصور حلاج (مسیحا گونه ای دیگر) و تا بعد و بعدها، عین القضات و شیخ اشراق و سهروردی و دگران و دیگران ..."
این تلقی و برداشت و دریافت و فهم و درک یک شاعر بنام مهدی اخوان ثالث از یک واژه تنها یک واژه است، حال اگر قصد ساخت یک کار تصویری از زندگی این شاعر را داشته باشیم، چقدر باید دقیق و حساب شده و محیط بر کار شعر و ادبیات و سایر جنبه باشیم تا بتوانیم حق مطلب را ادا کنیم. و مهم تر از همه آنقدر بی تعصب ، و بدون پیش داوری وجانبداری از این یا آن باشیم که هر کس را بدون توجه به عقیده ومرام و مسلکش همانگونه که بوده به تماشاچی ارایه کنیم تا تماشاگر خود به ارزیابی بپردازد.
آثار بزرگ در زمینه های مختلف ، بویژه سینما و تلویزیون انگاه جاودانه شده و در میان مردم جایگاهی یافته اند که بیطرفانه ساخته شده اند و در ضمن ساخت به شعور تماشاگر اعتماد شده است . به هرحال ساخت سریال شهریار و تولیدات مشابه هنری قابل تحسین است بویژ اینکه لحظات ناب فراوانی در آن وجود دارد، شهریار بخشی مهم از تاریخ هنر کشور در زمینه شعر و ادبیات است ، اما تنها بخشی از آن و آنگاه معرفی شهریار و دیگرانی که زندگی آنها به تصویر کشیده میشود، معنای واقعی میابند و اثر بخش شده که دیگران هم مطرح شده تا داشته های ملی بطور کامل به جامعه و بویژه نسلی که از آنها بی خبر است، معرفی گردد. ریاضی ، فیزیک ، شیمی و مکانیک و امثالهم در همه جهان مشابه اند، این تنها هنر و ادبیات است که در نقطه ای ، نسبت به نقطه دیگر متفاوت است و بخش مهم و تئوریک هویت ملی است ، بنا بر این عقیده و مرام نمی شناسد و می بایست تمام و کمال ، به آن پرداخته شود تا مردم بدانند ، که هستند ، چه کرده اند و چه باید بکنند تا بتوانند عضو شایسته جامعه جهانی باشند.

بیضایی در سیما



دومین شماره سیمیا که اختصاص یافته است به ویژه نامه بهرام بیضایی و تئاتر در ۳۶۴ صفحه از روز شنبه ۱۱ اسفندماه در کتابفروشی ها عرضه می شود .
این شماره سیمیا به مناسبت اجرای نمایشنامهٔ « افرا» به مسائل تئاتر و بیضایی پرداخته است . نگاهی به فهرست مطالب این شماره سیمیا می اندازیم : یاداشت سردبیر / علی دهباشی – درباره ی این ویژه نامه / حمید امجد – برای زادروز بهرام بیضایی / اکبر رادی – یادداشت بهرام بیضایی در سوگ اکبر رادی – سالشمار زندگی و آثار بهرام بیضایی – بهرام بیضایی ؛ آثار اولیه / ژیزل کاپوشینسکی / بابک تبرایی – بهرام بیضایی ؛ نمایشنامه نویس / محمد رحمانیان – بیضایی ناشناخته / محمد چرم شیر – بیضایی معاصر / حمید امجد – بهرام بیضایی ، گنوستی سیسم مدرن و کاربرد اجتماعی / دکتر بهرام جاسمی – بازی برای بیضایی / رضا کیانیان – « چهار صندوق » در پرتو رویدادهای تاریخی ایران (دهه های بیست تا چهل) / افشین هاشمی – نگاهی کوتاه به استعاره ی تن پوشی و بدل پوشی در نمایشنامه ی « ندبه » / فارس باقری – درس های « سهراب کشی » / محمد چرم شیر – از جهان پاکان در پی اصل گم شده / حمید امجد – میزگرد درباره « میراث » و « ضیافت / پرسشی به نام « مرگ یزد گرد » / دکتر رضا براهنی – سینما و تئاتر بدون تجربه کردن می میرند / حمید امجد و احمد پایداری – بانو آئویی چالش بنیادین هستی / شهرام جعفری نژاد – کارنامه ی بندار بیدخش سخندانی و زیبایی / ایرج کریمی – درنگی بر دو تئاتر از بهرام بیضایی / حمید امجد – بازاندیشی جهان کهن / حمید امجد – شب هزار و یکم ملتی که تا قصه می گوید ، زنده است / شهرام جعفری – ... در توضیح سیاسی نبودن / محمد رحمانیان – افرا در انتظار / مژده شمسایی – درس های « افرا » / محمد رحمانیان – روایتگری قصه در « افرا » / اصغر عبداللهی – یادداشتی بر نمایشنامه ی « افرا ، یا روز می گذرد » رساله در باب نجات / محمد رضایی راد – درباره ی بازی در نمایش « افرا» / افشین هاشمی – گفتگو با بیضایی درباره افرا / حمید امجد
علی دهباشی در بخشی از سرمقاله خود با عنوان « بیضایی و تئاتر ملی » چنین می نویسد : « نام بهرام بیضایی که کارنامه هنری اش به نیم قرن می رسد بیش از هر نمایشنامه نویس دیگری با تئاتر ملی ایران گره خورده است . رویکرد بیضایی با تئاتر ملی رویکردی نه صرفاً از سر احساس و عشق به سرزمینش بلکه پاسخ به ضرورتی اجتناب ناپذیر بوده است . بیضایی بیش از هر نمایشنامه نویسی دغدغهٔ نمایش ایرانی داشته و در پی آن بوده تا آنچه اجرا می شود به دل مردم راه یابد اما هرگز نخواسته و بر سر آن نبوده تا برای دست یابی به چنین هدفی حدی برای فهم مردم تعریف و معلوم کند. او از آن دسته هنرمندانی است که هرگز فرهنگ متوسط را تاب نیاورده و همین بیانگر حرمت او به مخاطب خود است .
در واقع با نگاهی به نمایشنامه های بیضایی ، خواه آنها که بر صحنهٔ تالارهای نمایش ایران به اجرا درآمدند و خواه آنها که بدون اجرا منتشر شدند ، درمی یابیم که بیضایی از همان آغاز راه دلمشغول تئاتر ملی تئاتر ملی به عنوان جوهر هویت فرهنگی بوده است . او همواره خواسته سنت تاریخی و فرهنگی ایران را به بارزترین شیوه حفظ و آن را با جوهر نمایش تلفیق کند . ارتباط تماشاگر با نمایش برای بیضایی اهمیت غایی دارد و از همین روست که زبان نقشی کلیدی در آثارش ، به ویژه در عرصهٔ نمایشنامه نویسی ، ایفا می کند.
آنچه آثار بهرام بیضایی را نسبت به دیگر همتاهای خود ویژگی می بخشد نگاه اوست به تئاتر ملی ، هویت فرهنگی چند هزار ساله و سنت تاریخی ایران. این نگاه به هیچ روی صرفاً از سر شیفتگی نیست بلکه با هوشمندی ، فهم زبانی و درک موقعیت خاص اجتماعی در هنگام خلق نمایشنامه و اجرای آن همراه می شود. بیضایی در هیچ زمانی ، حتی هنگامی که تاریخ ایران قدیم را روایت می کند ، از عصر خود جدا نمی شود و شاید بتوان گفت که راز ماندگاری آثارش همین است . او با حفظ جوهر درام ، تلفیق آن با زبان فارسی و نگاهی نافذ به زمانهٔ خود راوی تاریخ می شود. او نمایشناه نویسی ایرانی است ، با نگاهی کاملاً شرقی که از « هر چه رنگ تعلق پذیرد » بیزار است . غایت بیضایی خود بودن است ، پس از آن روست که می گوید « من فقط فیلم نمی سازم ؛ من هر کاری انجام می دهم تا بتوانم خودم را بیان کنم. اگر نتوان فیلم بسازم تئاتر کار می کنم ، اگر امکان کار تئاتر نباشد ، می نویسم و اگر نتوانم این کار را بکنم ، کتاب می خوانم یا درس می دهم یا با خودم موسیقی زمزمه می کنم . به هر حال در هر زمانی کاری انجام می دهم . منظور از تمام اینها شکل دادن به اندیشه هایم است و اگر بخت یاری کند انتقال اندیشه هایم به شما و همین طور گرفتن اندیشه از شما . » و او به هیچ روی نمی ترسد از این که قضاوتش کنند . او هنرمندی است که می کوشد بیشترین بهره و تأثیر را از زبان فارسی ، تاریخ ایرانی و هویت فرهنگی خود برگیرد و همان را به مخاطبش انتقال دهد.
اما جدا از همهٔ ویژگی های بیضایی به عنوان نمایشنامه نویس و فیلمساز ، با مرور زندگی او و فراز و نشیب هایش ، پایمردی انسانی را شاهدیم که از شکست نمی هراسد ، از تجربه خسته نمی شود ، هنر را محدود به این نمی داند که فقط در میانه باشد و نامش بر سر زبان ها ، آن هم به هر بهای . آنچه او به نسل امروز می آموزد ، کار است و تلاش ، امید و عشق به ایران ، زبان فارسی ، هویت فرهنگی و حفظ سنت تاریخی . بیضایی در یک کلام راز ماندگاری انسان است .
و اما درباره این شماره ، نخست باید از حمید امجد سپاسگزار باشم که از الف تا ی کار دشوار ویژه نامه را همچون یک سردبیر متعهد شد و به پایان رساند . و دیگر از نویسندگان و همکارانی که در مراحل گوناگون انتشار این شماره ما را مدد رساندند و سرانجام از علیرضا رئیس دانا ، مدیر انتشارات نگاه ، که نقشی مهم در انتشار این شماره داشت . »
گفتنی است که شماره اول فصلنامه سیمیا به ماکس فریش نمایشنامه نویسی سوئیسی اختصاص یافته بود.

کلاغای اسکندر احمدنیا منتشر شد



کلاغا کتاب تازه ی اسکندر احمدنیا شاعر و روزنامه نگار بوشهی است که به تازگی منتشر شده است. این کتاب شرحی بر منظومه ی کلاغا سروده علی مرادی است. شعر کلاغا شعر معروف محلی از حاج علی مرادی است، وی ساکن و اهل خورموج دشتی است که شاعری متواضع، مقید به آداب اجتماعی، مذهبی و ... است.
احمدنیا، منظومه ی کلاغای مرادی را مانیفیست عظیمی برای شعر محلی می داند. وی در این کتاب به معرفی منظومه ی "کلاغا یاد مووحدو" پرداخته است. وی ضمن آوردن این منظومه ی بسیار بلند به آوا نگاری و بیان نثر سلیس فارسی این متن پرداخته است. وی سپس شرح مفصلی درباره ی این منظومه آورده است. واژه نامه منظومه کلاغا یاد مووحدو پایان بخش این کتاب احمدنیاست.
کتاب کلاغا توسط انتشارات شروع و با طرح جلد صالح دروند منتشر شده است.

سفرنامه باقر خودرو قباکلکیانی به ابوشهر

اندر حکایت سخنرانی کاندیدای مجلس در ابوشهر

به تصحیح مهدی جهانبخشان



به مسجد شدیم بهر فریضه نماز ، چون نماز به اتمام رسید. شخصی بیامد. فرمود هان ای نمازگزاران اندر مسجد باشید تا آقای فلان که وکیل است بهر مجلس، بر شما سخنرانی ارزانی بدارد.
آقای فلان بیامد برافروخته و دژم و چهره پرچین بود، پس داد سخن بداد و بفرمود ای اداره برق، آی بی رحم ای ظالم، تو را چه شده است که هیچ در فکر مردمان نباشی و هیچ تو را عاطفه نبود که ندانی گرمای تابستان ابوشهر برق قطع شود و اطفال صغیر از گرما ضجه می زنند.
ای اداره آب، کسی نیست که تو را باز پرسد زچه رو اندر هوای داغ ابوشهر آب را بر طفلان و کودکان می بندی مگر جای پای شهر را پای بنهشته ای.
این مردمان بهر استحمام چه کنند هنگامی که آب را قطره قطره بر آنان ارزانی می داری؟
ای اداره گاز، آیا رواست که این مردمان صبور ابوشهر هر تار مویشان به دنیایی ارزد، کپاسول گاز را بر دوش نحیف خود نهند و بهر ابتاع آن آوارگی را به جان خرند؟
آی اداره گمرک، آی اداره بندر، ای اداره آب و فاضل آب، آی اداره بیمه، آی اداره فلان، آی اداره ی بهمان شمایان را هیچ لیاقت نبود با این طریق که مردمان آزار می دهید، بر مسند باشید. من همه را به زیر خواهم کشاند و طعم تنبیه را خواهم چشاند.
ای مردمان. من آدمی باشم خدمتگزار خلق و خلایق و هیچ مرا در دل رحمی نباشد بر خطاکاران و جفاکاران به حقوق شما عزیزان دل. من مسند را نخواهم من قدرت را نخواهم. من شوکت را نخواهم. من میز را نخواهم، مرا جزعشق به خدمت هیچ اندر دل نباشد. بیایید قلب مرا با خنجر بشکافید، استدعا دارم اگر کسی خنجری برای اندر دست دارد، خنجر را به نزدیک قلب من آرد و با ضربه ای سینه ام را بشکافد تا همگان شاهد عشق من به مردمان عزیز باشند.
منو گفت: یا شیخ مرا در آستین خنجری است. صلاح می دانی که به او دهم تا امری را که در نظر است اجابت فرماید. گفتم قدری صبور باش.
آن وکیل هم چون مسلسل افاضات می فرمود. چون به انتها رسید گفت: عشق شماهان مرا کور کرده است. کس بیاید مرا دلالت کند تا از مسجد برون شوم که هیچ جلو پای خود را دیدن نتوانم.
چون از مسجد برون شد. جمعی بر او یورش آوردند و نیز کسان با تلفن موبایل با او تماس حاصل فرمودن و از او گله می نمودندی یا بر او فریاد برمی آوردند که این چه بود که می فرمودی.
آن کاندیدا بفرمود: من به آن قولم که بودم و هیچ خطا نفرمایم. شمایان با اطمینان بر مساند خود باشید و نیز تا من به مجلس شوم بر سطح شوکت و پست و مقام شما بیفزایم.
آن جمع بدو گفتند پس زچه روی تو ما را این چنین بر باد تهمت و انتقاد گرفتی؟
آن فلان بفرمود: ای قوم ساده نباشد من چگونه رأی ستانم از خلایق.
پس آن جمع و آنان که تلفن می فرمودند قانع گردیده و بر هوش وی آفرین بفرستادند و خوشحال و خندان به راه خود شدند.
گفتم ای منو: اینان که بودند؟
منو گفت: اینان همان مسئولان باشند که وکیل بر آن چون شیر شرزه می تاخت.
گفتم: عجب دو پای است این شیر.

نشست صمیمی پورفاطمی با فرهنگیان شهرستان دشتی

نصیر: نشستی صمیمی فرهنگیان شهرستان دشتی با حضور نماینده دشتی و تنگستان در مجلس شورای اسلامی برگزار گردید در این نشست که ابتدا با تلاوتی چند از ایات کلام الله مجید اغاز شد، منصوری نسب به عنوان نماینده فرهنگیان به دفاع از عملکرد پورفاطمی پرداخت. در پایان نیز پورفاطمی ایراد سخنرانی نمود. پورفاطمی در این سخنرانی نقد بسیار صریح و مبتنی بر دلیل از دولت کردند و همچنین به شایعه پراکنی بعضی از افراد سود جو و مغرض در مورد حوزه نفوذ پارس شمالی مطالبی را ذکر نمود.

سکوت عطارزاده: فعلا مصاحبه نمی کنم

شکرالله عطارزاده که خود را رسانه ای ترین نماینده استان در مجلس هفتم می دانست، در پی قطعی شدن ردصلاحیتش در انتخابات مجلس هشتم سیاست سکوت در پیش گرفته است.
عطارزاده در گفتگویی کوتاه با «خلیج فارس» در مورد شرایط کنونی انتخابات مجلس، گفت: دوست ندارم در فضای فعلی مصاحبه کنم و هر صحبتی باشد، در شرایط مناسب بازگو می کنم. سکوت عطارزاده در حالی است که وی در آخرین مصاحبه خود از امیدواری اش برای تایید صلاحیت و حضور در ماراتن انتخاباتی سخن گفته بود.

اسامی۲ کاندیدای جبهه متحد اصولگرایان در استان بوشهر

سوک: براساس تصمیم شوراهای جبهه متحد اصولگرایان (۵+۶) در استانها، نامزدهای اصولگرایان در برخی حوزه‌های انتخابیه مشخص شد.در استان بوشهر و در دو حوزه انتخابیه نیز این افراد انتخاب گردیدند : حوزه انتخابیه بوشهر، گناوه و دیلم– جمیری – حوزه انتخابیه کنگان ، دیر و جم – موسی احمدی.

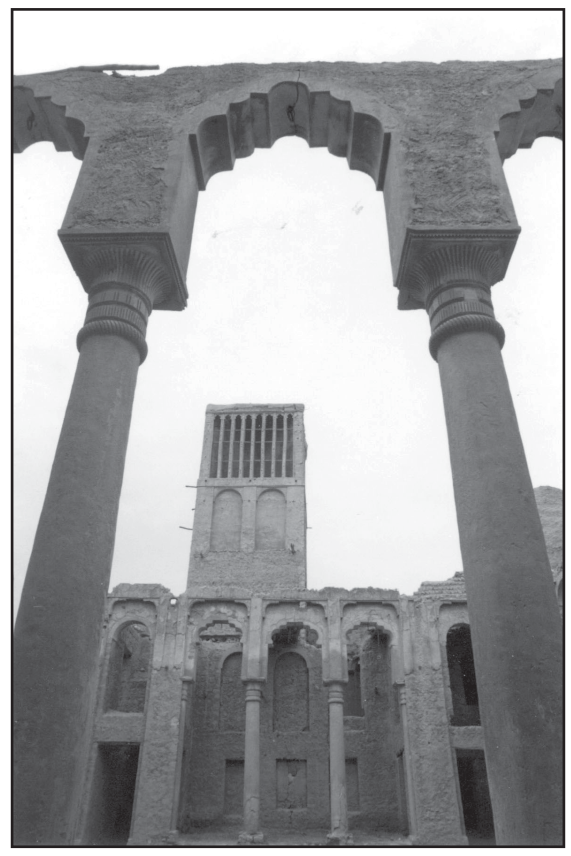
ایرج زاده کاندیدای جبهه متحد اصولگرایان در دشتستان

یاس نیوز: بعد از تلاش های بی ثمر عده ای خاص جهت جلوگیری از معرفی مهندس ایرج زاده به عنوان کاندیدای جبهه متحد اصولگرایان در حوزه انتخابیه دشتستان، روز گذشته طی نامه ای از سوی دبیر اجرایی جبهه متحد اصولگرایان ایشان به عنوان نامزد قطعی این جبهه در دشتستان معرفی شد.

قلعه نصوری؛ سلطان قلعه های ساحلی ایران

چرا مسوولین میراث فرهنگی استان دست روی دست گذاشته اند؟!

محمد کنگانی - بندر طاهری سیراف



قلعه نصوری با قدمتی بیش از دو قرن و با معماری زیبا و جالب بر روی تپه ای مشرف به ساحل نیلگون خلیج فارس بنا گردیده است. از آن جایی که شیخ جباره دوم سنگ بنای قلعه را در نقطه ای دیدنی انتخاب کرد می تواند هنر زیبای شناسی را در تبار آل نصور مشاهده نمود، با توسعه ی قلعه توسط شیخ حاتم دوم و سوم و اهمیت یافتن آن به دلیل جنگ های قبلیه ای و طایفه ای در منطقه مانند کوهی استوار در برابر تند باد حوادث ایستادگی و مقاومت نمود.

ساختمانی که حق بزرگی در حفظ و حراست ثغور و مرزبانی دریایی ایران دارد و چندین حاکم قلاع اطراف در آن دنیا آمده اند. شیخ حاتم سوم که در توسعه ی قلعه نقش داشته، دارای چهار فرزند ذکور بوده که شیخ سلیمان نصوری حاکم کنگان، شیخ جباره نصوری حاکم تمبک، شیخ کنعان نصوری حاکم روستای پرک، شیخ ناصر نصوری که از ادب دوستان و علاقه مندان به هنر بودند، حاکم بندر طاهری گردیدند، هر چند نام «طاهری»را از پسوند «آل نصور ی طاهری» می دانند ولی نام سیراف و درخشش سیرافیان در اعماق تاریخ چیز دیگری است.

حیاط اندرونی که زندگی خانوادگی شیوخ نصوری در آن استمرار داشته، دارای ستون هایی با گچبری ها و نقوش زیبایی است که پس از دو قرن در کنار باد گیر زیبای آن جذابیت خاصی به قلعه بخشیده است. با تزیین اتاق مهمانان ویژه در حیاط بیرونی با گچبرهایی از ۱۸ تابلو نفیس شاهنامه و نقاشی های گل و گلدان و پرندگان نقشی از ادب دوستی و عشق به ایرانی در آن خانواده نمود پیدا می کند. انتخاب بهترین چوب از جنس ساج و درج آیه « نصر من ا... و فتح قریب» پس از ۱۲۰ سال مانند نگینی، پیکره ی قلعه را به محافظت می پردازد.

شاه نشین سه طبقه، گرمابه و برج نگهبانی در چهار دیواری قلعه چنان ساخته شده که ذهن هر بیننده و گردشگری را به تفحص و تعجب وا می دارد که در حاشیه ی جنوبی ایران چه سلیقه وعشقی موجب احداث چنین بنایی گردیده است.

هر چند همه تمجید بود ولی انتقادی که به مسوولین میراث فرهنگی و گردشگری وارد است این است که شما قلعه را در راستای چه برنامه هایی خریداری نمودید؟

برنامه ای که دست روی دست بگذارید و ماهی دو روز به طور میانگین در آن کار شود و فقط به جزییات پرداخته شود؟

چرا مقاوم سازی در قلعه را کنار گذاشته اید؟! شما که بایستی برای رفتن به بلندی از پله اول شروع کنید، ولی با پرشی چند گام، به نزدیکی پله های آخر رسیده اید.

چرا استان های دیگر از چنین بناهایی برای توسعه ی استان و جذب گردشگری استفاده می کنند ولی به استان بوشهر سلطان قلعه های ساحلی ایران را به حال خود رها کرده و برنامه ای صد ساله برای آن طراحی نموده است.

قلعه ای که قابلیت جذب گردشگران داخلی و خارجی با توجه به قرار گرفتن در بین چهار قطب صنعتی عسلویه، پارسیان جم و سایت ۲ کنگان را دارد.

چرا باید ناظری بر روی باسازی قلعه انتخاب شود که محل استقرار چوب و چندل و باریو را بدرستی تشخیص ندهد و مدعی کارشناس مرمت بناهای تاریخی نیز باشیم؟

هر چند در جواب مقاله ی ما، به مناقصه گذاشتن چهار صد و پنجاه میلیونی قلعه را اظهار می دارید ولی صرف آن منبع با چه برنامه و زمان کاری صورت می گیرد؟

و آیا هدف این ست که دلخواهانه و با استبداد رای کارشناسی مرمت قلعه انجام پذیرد؟ و یا به نوعی نظر اهالی فن، مسوولین محلی و خبرگان قدیمی محل را جمع آوری در مراحل مختلف استفاده گردد.

در پایان از این که پس از هفت سال اندر خم اخذ انشعاب برق و آب برای قلعه عاجز مانده ایم، از سایر مسوولین تقاضای همیاری و همکاری جدی داریم.

بوشهر قدیم

به کوشش زرتشت دوانی

جلوگیری از قاچاق قند و شکر



چهارشنبه ۱۲ تیرماه ۱۳۰۸خ : برای جلوگیری از قاچاق قند وشکر وچای وغیره در بنادرجنوب علاوه براقداماتی که تاکنون به عمل امده مقرر گردیده است راه ساحلی از بوشهر به بندر عباس احداث گردد مطالعات لازمه در این خصوص به عمل امده وقریبا شروع به عملیات خواهند نمود.

ورود کشتی ابن سینا

چهارشنبه ۲۶ تیرماه۱۳۰۸خ : کشتی صحی {ابن سینا }که برای بنادر جنوب از طرف صحیه کل خریداری شده بود در ۱۶ تیرماه وارد بوشهر شده مسیو {مارسل روژ}که مکانسیین و فرمانده کشتی است با کشتی خریداری شده مزبور وارد وچون الات وادوات کشتی جهت حمل به ایران در موقع ارسال از کارخانه باز کرده بودند مسیو روژمذکور با چند نفر میکانیسین دیگر که با اختیار ایشان گذارده شد مشغول سوار کردن اسبابهای کشتی هستند وبه طوری که اطلاع داده اند تا ۲۰روز دیگر نصب الات کشتی مذکور تمام ومشغول انجام خدمات صحی خواهد شد.

سوزاندان سه عدد پل گردنه و کتل منو

شنبه ۱۲ مرداد۱۳۰۸خ : از کازرون تلگرافا اطلاع میدهند که سه عدد پل گردنه و کتل منو اخیرا اشرار سوزانده و راه عبور و مرور را مسدود نموده بودند در نتیجه اقداماتی که به عمل امده راههای موقتی ساخته شده واز روز ۱۱ جاری {دیروز}راه بوشهر برای عبور و مرور مفتوح گردیده است

در تعقیب سفارشیکه از طرف وزارت مالیه برای ساختمان هشت فروند کشتی مسلح گمرکی جهت جلوگیری از قاچاق وحفظ سواحل به کارخانه کشتی سازی ایتالیا داده شده بود کنترات ان اخیرا منعقد و برطبق اطلاع واصله کمپانی مذکور شروع به ساختمانهای کشتی مذکور نموده است – برای نظارت در امر ساختمان کشتی ها نیز در نظر گرفته شده کاپیتن ابراهیم به رم حرکت نماید .

از بوشهر راپرت میدهند که در نتیجه طغیان دریا به قسمتی از سد های شمالی وقسمت غربی شهر خرابی وارد شده است برای ساختمان انها اقداماتی به عمل امده و اخیرا شروع به ساختمان انها نموده اند.

قرنطینه کردن کشتی ها

پنج شنبه ۲۴ مرداد ۱۳۰۸خ: برطبق راپرت واصله اخیرا مرض وبا در بمبی بروز و شیوع یافته ودر روز ۱۲ مرداد ۱۵ نفر از مرض مذکور فوت نموده انداز طرف مقامات مربوطه به بنادر جنوبی دستور داده شده است که کشتیهای وارده را قرنطین نموده و کاملا مواظبت نمایند.

سازمان خلاق

حکیمه حاجی پور

اگر به راستی خواهان یک سازمان خلاق هستید از خودتان سوال کنید آیا آماده هستید کارکنانتان با بیان ایده های خود سبب آزار شما شده و یا منشی شما با استدلال برای شما بیان کند که نظرات او از شما هوشمندانه تر است، سپس ابتدا در این خصوص فکر کنید. به این موضوع توجه داشته باشید که شما دارای یک سازمان تقریبا خلاق هستید شما کارکنانی دارید که قابلیت های نهفته ای داشته و دارای ایده های فراوان هستند و در صورتی که به طور فعالانه در زمینه ارتقا خلاقیت در سازمان تلاش نکنید، تمامی این ایده ها، فراموش خواهند شد.

شرایطی را در سازمان پدید آورید تا ارتباطات تسهیل شده و ایده ها در سازمان به گردش در آیند و مدیریت نیز با جدیت آنان را تحویل گرفته و مورد بررسی قرار دهد. می توان در سازمان دیوار ثبت نظرات را ایجاد نمود تا هر کسی که ایده ای به ذهنش می رسد آن را با نام خود را بر روی آن ثبت نماید.

شرایطی را ایجاد نمایید که افراد در میان ایده ها مشارکت نمایند. یک ایده اغلب کوچک است که اگر کارکنان با یکدگیر همکاری نمایند این ایده توسعه یافته و از یک ایده خوب به یک ایده بسیار ارزشمند تبدیل خواهد شد.

اگر کارکنان شما ایده های خوبی ارایه کنند به آن ها پاداش دهید و این پاداش تنها پول نخواهد بود، دادن مرخصی، هدایا، گواهی و یا تشویق از طرف مدیر سازمان می تواند بسیار ارزشمند باشد.

سهیم کردن کارکنان در منافع ناشی از به کارگیری ایده ها بسیار مهم خواهد بود زیرا به جای این که در پی تخریب سازمان باشند به دنبال ارایه ایده های خوب و عملی ساختن آن ها خواهند بود.

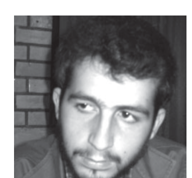
هیچ گاه کارکنان را به خاطر ایده های نامناسب تنبیه نکنید حتی یک خنده ممکن است به طور جدی سبب کاهش اعتماد به نفس شخصی شود که فردا می تواند ایده ای بسیار عالی ارایه نماید.

به خاطر داشته باشد خلاقیت یک سرمایه گذاری بلند مدت است و منافع آن در کوتاه مدت به سازمان بر نمی گردد و در گذر زمان نتایج این سرمایه گذاری قابل توجه خواهد بود پس برخیز و برای رسیدن به این هدف حرکت کن!

به بهانه ی اجرای نمایش غریبه ی شام

ارتباط با مخاطب عامی

حمید رضا بناری



نمایش غریبه ی شام به کارگردانی استاد ایرج صغیری به مدت پانزده شب در سالن آمفی تئاتر مجتمع فرهنگی هنری به اجرا در آمد. نمایشی که مهمترین ویژگی آن نام ایرج صغیری به عنوان کارگردان بر پیشانی نمایش بود. غریبه ی شام، واگویی سید حسین فدایی حسین بود؛ از دختر بچه ای به نام عطیه که پدرش را در جنگ از دست داده و دچار مشکلات روانی شده و زمانی که توسل به فرزند خرد سال حسین بن علی کرده، گام به گام از دشت کربلا با کاروان عاشورائیان و حضرت رقیه حرکت می کند تا در شام ، در شرایطی که نویسنده تلاش می کند سرنوشت هر دو را یکسان رقم زند؛ به پدرانشان می پیوندند.

غریبه ی شام پرداخت پارائلی است، که در آن سعی شده زندگی دختر بچه ی یک شهید جنگ تحمیلی با رقیه- دختر خردسال امام حسین- به طور موازی در کنار یکدیگرنشان داده شود که در این راه نویسنده به بیان حوادث پیرامون دو شخصیت اصلی نیز می پردازد و با اصرار تلاش می کند تا به هر نحو آنها را در بیان روایی قصه ، کنار یکدیگر بگنجاند. غریبه ی شام روضه ای است نمایشی که تک تک پرده های آن بدون تامل پس از یکدیگر می آیند تا اتفاق تاریخی به طور کامل شرح داده شود.

غریبه ی شام بدون هیچ تردیدی توانست در طول اجرا با مخاطب عامی خود ارتباط برقرار کند. اما در پاره ایی مسایل دچار نقصان هایی بود که انتظار دیدن آنها نبود. میزان سن هایی که در پاره ای اوقات منطقی به نظر نمی رسیدند. بازی به نسبت ضعیف مجموعه ی بازیگران به خصوص بازیگران مرد. البته در این میان نباید از بازی خوب ایفاگر نقش حضرت رقیه و ایفاگر نقش مادر عطیه گذشت.

کنش ها و واکنش هایی که در پاره ای اوقات دیده می شد می توانست بهتر پرورده شود که در این میان نباید کمبود وقت کارگردان، برای به اجرا رساندن نمایش را نادیده گرفت. اجرای پرده هایی که روایت کننده وقایع کربلا بود بسیار خام و بدون پرداخت به اجرا در آمده بودند که حتا در این میان حضور اسب و یا نمونه هایی از عزاداری زنانه نیز نتوانست آنگونه که باید روند نمایش را دستخوش تغییر کند.

غریبه ی شام به کارگردانی استاد ایرج صغیری را باید در کنار آثار برجسته ی دیگری چون؛ قلندرخونه،مه پلنگ ، سرباز وآثار دیگر تئاتری و تلویزیونی به کارنامه ی ایشان افزود. نمایشی که بدون شک انتظار هنرمندان و دوستداران هنر نمایش را از ایرج صغیری برآورده نکرد.

غریبه ی شام نمونه ی بارز یک تئاتر دولتی است که متن سفارشی را، کارگردانی منتخب با رعایت اصول درخواست های سفارش دهنده به صحنه اجرا می رساند.

۱۰ توصیه مهم در مدیریت

هما طالب پور

۱ – در اشخاص میل به کار کردن را پدیدآورید: باید سعی کرد که مردم با رضا و رغبت و خود به دنبال کارها بروند در حقیقت، رییس یک سازمان نباید نقش راننده را به عهده بگیرد. بل که باید به رهبری بپردازد و نه این که با استفاده از قدرت اداری، کارمندان را به کار وادارد که این تلاشی زودگذر خواهد بود. اما اگر رهبری به وجهی صحیح اعمال شود و مجریان به طیب خاطر از او پیروی کنند، هدف مشترک و رضایت خاطر، موجب تحرک و خودکاری می شود. البته راه های مختلفی برای این کار وجد دارند که در دنیای صنعتی به آن فروش عقاید می گویند یعنی این که عقیده خود خریدار دست و پا کند.

۲ – مستمع خوبی باشید : گفته اند" مستمع صاحب سخن را بر سرذوق آورد". رهبر با انگشت گذاشتن روی نقاط ضعف یا قوت اشخاص و با توجه به شخصیت آنان می تواند آن ها را تهییج کند که آزادانه گفت و گو کنند و سپس با کمال علاقه شنونده ی با حوصله و علاقه مندی برای شنیدن سخنان ایشان باشد.

باید که مدیران با سکوت و حوصله گفته ها را به گوش جان بپذیرند و از اعمال قدرت و سلطه جویی در بحث خودداری کنند. مثلا اگر هر دو با هم شروع به سخن کردند آن به که زیر دستان را برخود مقدم بدارد.

۳ – به طور خصوصی انتقاد کنید : هرگز از کارمندان در حضور دیگران و به ویژه در نزد زیر دستان او انتقاد نکنید که طبعا ایجاد مقاومت و ناراحتی می کند، که گفته اند نصیحت (انتقاد) در پیشروی دیگران حکم سرزنش را دارد.

۴ – هر کسی که کاری را به پایان رسانید باید شخصا پاداش کارش را بگیرد : اگر قرار شود که مدیر نتیجه ی کار و تلاش زیردستان را به حساب خود بگذارد همه نو آوری ها از میان می رود و قبول مسوولیت به دشواری صورت می گیرد دادن اعتبار به اشخاص در ازا زحمت هایی که کشیده اند پاداشی است که برای رهبری که چنین محیط سازنده ای را به وجود آورده است.

۵ – علاقه مندی خود را به کار زیر دستان نشان بدهید : در حقیقت باید دانست که درک "بنی آدم اعضای یک پیکرند" و علاقه مندی به کار زیر دست یکی از اصول اولیه انسانی بر خورد گرم، خواندن اشخاص با اسم کوچک و با تظاهرات دوستانه، مثل پیوستن به جمع همکاران فرودست به هنگام صرف نهار و پرس و جو کردن از طرز کار ایشان و حتی تکرار مطالبی از قبیل: فلانی واقعا کارت جالب است، می بینم که با تلاشی که می کنی خسته شد ه ای ، چه طور است فردا کمی استراحت کنی؟ موجب می شود که کارمند به خود ببالد که کارش خیلی مهم است و رهبر سازمان با دیده ای باز و ضمیری روشن در کارها نظارت دارد و فارغ از سلامت جسم و روح زیر دستان نیست.

۶ – میل باطنی خود را به صورت پیشنهاد عرضه کنید: به جای تحکیم صریح و مستقیم، میل باطنی خود را به صورت غیر مستقیم ظاهر کنید. مثلا وقتی بگویید به نظر شما بهتر نیست که کار به این صورت باشد؟ آن وقت مطمئن باشید که مخاطب نه تنها متوجه منظور شما نخواهد شد، سهل است که با علاقه مندی و رغبت، آن را خواهد پذیرفت و حتی از آن حمایت خواهد کرد.

۷ – وقتی پیشنهاد دارید و یا حتی دستوری می دهید، باید مطمئن باشید که دلایل آن را نیز می توانید ابراز بدارید. طبیعت آدمی این است که همیشه دوست دارد پیش از آن که کاری را صورت بدهد از چرایی آن آگاه باشد، باید به صورت شفاهی یا کتبی علت را گوشزد کرد.

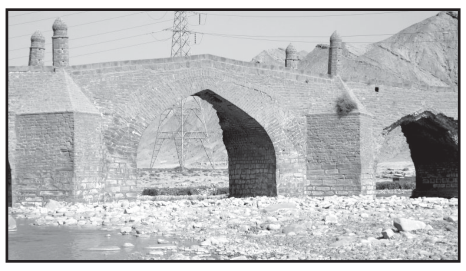
۸ – نظریه های دیگران را در طرح ها و نقشه هایتان دخالت بدهید: پیش از این که طرح های شما اجرا شود بهتر است که با زیردستان مشورت کنید، و با جلب نظر آنان به آن ها نشان بدهید که آن ها هستند که نقش عمده را در اجرای طرح ها به عهده دارند، وقتی که چنین شد، طبیعتا خود را مسوول دانسته و پیروی و یا شکست طرح ها را مربوط به خود خواهند دانست، ضمن این که در این گونه رایزنی ها ، چه بسا اندیشه های نو و سودمندی که با تجلی خود، موجب قوام و دوام طرح ها می گردند.

۹ – زیر دستان را احترام کنید : همه کس و به ویژه جوانان که تازه پا به پای عرصه پرکشاکش زندگی اجتماعی گذرانده اند دوست دارند که مورد احترام قرار بگیرند، تشکر از زیر دستان و محترم شمردن غرور و شخصیت آن ها ، ساده ترین و کم هزینه ترین راه جلب مشارکت صمیمانه آن ها است.

۱۰ – در کردار و رفتارتان پایدار باشید : رهبری که زیردستان را تخطئه می کند و موجب می شود که در لاک خود فرو رفته و از هر نوع اظهار وجودی خودداری کنند، هرگز نمی تواند از پشتیبانی زیردستان برخودار شده و مورد اعتماد آن ها باشد. کارکنان از رهبرانی قلبا پیروی می کنند که رفتارشان قابل پیش بینی باشد و عکس العمل هایشان روشن، تا قادر باشند با هر وضعیتی روبه رو شوند. تلون مزاج و چند چهرگی ، خطر و آفت بزرگ رهبری است.

آثار تاریخی و دیدنی شهرستان دشتستان

حبیب قاسمی



شهرستان دشتستان بزرگ ترین شهرستان استان بوشهر است که در شمال شرقی این استان قرار دارد. با تو به قدمت این شهرستان آثار تاریخی متعددی را در خود جای داده است که در اکثر روزها علاقه مندان به تمدن و تاریخ را به طرف خود دعوت می نماید و در ایام بهار که این منطقه پیراهن سرسبز بر تن می نماید و پرندگان خوش آواز به نغمه سرایی مشغول می شوند و مکانی بسیار دیدنی برای مسافران خواهد بود. شهرهای دشتستان عبارتند از : برازجان ، آب پخش، سعد آباد، شبانکاره، دالکی، وحدتیه، ارم و بوشکان و هر منطقه آثار دیدنی زیبا دارد که به آن ها اشاره می شود:

۱.گور دختر در روستای پشت پر
۲.کاخ زمستانی کوروش هخامنشی در برازجان
۳.کوه قلعه در شرق شهر برازجان
۴.کاروان سرای مشیر الملک برازجان
۵.حمام سالم خانی شهر برازجان
۶.پل مشیر الملک دالکی
۷.شهر باستانی توز در کنار روستای زیرراه
۸.کاروان سرای دالکی
۹.چهل خانه سعد آباد
۱۰.کاخ بردک سیاه درودگاه
۱۱.کاخ سنگ سیاه قبوط
۱۲.کوشک اردشیر پشت پر
۱۳.تل مر در چرخاب برازجان
۱۴.تل پهن در جنوب غربی برازجان
۱۵.تل طلسمی جنوب برازجان
۱۶.بقعه شیخ منصور خزایی زیارت
۱۷.گوری گاه در نزدیکی شهر تنگ ارم
۱۸.تل شفالی روستای پشت پر
۱۹.تل اسپید بنداروز
۲۰.تل باغ شهیدی بنداروز
۲۱.بقعه آقا میر هلاف سعد آباد
۲۲.قلاسوز(قلعه سبز) شبانکاره
۲۳.زندان اردشیر ساسانی پشت پر
۲۴.بقعه شاهزاده ابراهیم در شرق برازجان
۲۵.شاهزاده محمد تنگ ارم
۲۶.آغا زاده شهید سوک
۲۷.آغازاده احمد سوک
۲۸.امام زاده دو قلو روستای خون
۲۹.امام زاده میر بهروز روستای پشت پر
۳۰.قصر دختر تنگ ارم
۳۱.قرق خانه ساسانیان بوشکان
۳۲.شهر باستان صفاره شمال دهقاید
۳۳.بقعه شاهزاده محمد دهرود سفل
۳۴.قبرستان قدیمی دهرود سفل
۳۵.چشمه های آبگرم دالکی
۳۶.نخلستان های سر سبز برازجان – سعد آباد، آبپخش ، دالکی، وحدتیه، طلعه، فاریاب، قلعه بوشکان.
۳۷.دره فاریاب
۳۸.آبشار رود فاریاب
۳۹.طبیعت زیبای تنگ فاریاب
۴۰.قدمگاه زین العابدین برازجان
۴۱.قدمگاه امام رضا(ع) برازجان
۴۲.امام زاده جعفر روستای دهقاید
۴۳.شاه درویشان شمال و غرب برازجان
۴۴.پیر مختک روستای نظر آقا
۴۵.شاه نور الدین روستای عیسوند
۴۶.حمام قدیم دهرود سفل
۴۷.منطقه باستانی چرخاب برازجان
۴۸.باز سرپوشیده جنوبی و شمالی برازجان
۴۹.بازار تره بار فروشی برازجان
۵۰.پارک شهید گنجی برازجان
۵۱.پارک والفجر جنوب برازجان
۵۲.منابع طبیعی سرکره
۵۳.شاه نور الله بنداروز

دوره پیش از مدیریت علمی

شهناز آریانپور - آموزگار دبستان امید انقلاب

سازمان اداری پدیده ای نو ظهور نیست بلکه از همان آغاز زندگی اجتماعی بشر وجود داشته است. زیرا هر نوع زندگی اجتماعی خواه و ناخواه تصادم و اصطکاکا میان افراد بشر و میان منافع آنان را اقتضا می کند. از این رو تقریبا طبیعی به نظر می رسد که اجتماعات اولیه بشر به نوعی مقررات را بر سرنوشت خود حاکم کرده باشند براساس این قوانین اولیه و یک سلسله آداب و رسوم ابتدایی دیگر بوده که شالوده ی سازمان های اجتماعی و اداره ای امور این سازمان ها ریخته شد. ریشه ی بسیاری از مباحث اداری عصر حاضر را شاید بتوان در عمق مباحث اداری این دوران مقدماتی از تاریخ حیات بشر جستجو کرد. متاسفانه تاریخ اداره ای امور سازمان ها اجتماعی در دوره های اولیه زندگی ملل آن قدر ها نوشته نشده است اما از خلال تاریخ تمدن بشر می توان تا حدودی به نوع فعالیت های اداری پی برد. با این که قرون وسطی از لحاظ سیر تکامل اندیشه ی بشر و از نظر تحقیقات علمی به عنوان عصر تیره و تاریک شناخته شده است، اما شواهد تاریخی چندی بیانگر این حقیقت است که تا حدودی مطالعات اداری ارزنده ای در این دوران از تاریخ انجام شده است. در ممالک مسلمان، اسلام نقشی اساسی در ایجاد شالوده های رهبری نسبتا دمکراتیک بر عهده گرفت. اسلام ضمن تاکید بر روح ایمان و وفاداری در رهبری سازمان های اجتماعی، بدان اکتفا نمی کند و تدابیر و شیوه های اداری و سازمانی خاصی را در پیش می گیرد.

مهارت انسانی در آموزش و پرورش

اصغر مهیار - آموزگار دبستان شهدای بسیج

توانایی و قدرت تشخیص در زمینه ی ایجاد محیط تفاهم و همکاری و اجرای کار به وسیله ی دیگران، فعالیت موثر به عنوان عضو گروه، درک انگیزه های افراد و تاثیر گذاری بر رفتار آنان را مهارت انسانی گویند . مهارت انسانی یعنی کارکردن با مردم در برابر کار کردن با اشیاء و چیزها، دانستن مهارت های انسانی مستلزم آن است که شخص پیش از هر چیز خود را بشناسد، به نقاط ضعف و قوت خود آگاه باشد، عقاید و افکارش برخود روشن باشد، اعتماد به نفس داشته باشد، به دیگران اعتماد کند، به عقاید، ارزش ها ، احساسات آنان احترام بگذارد، آنان را درک کند، از تاثیر گفتار و کردار خویش بر دیگران آگاه باشد و بتواند محیط امن و قابل قبولی برای جلب همکاری دیگران فراهم سازد.

مهارت های انسانی به آسانی قابل حصول نیستند و فنون و روش های شخصی ندارند، امروزه دانش علمی در قلمرو روان شناسی، روان شناسی اجتماعی ، مردم شناسی و تجربه و کاروزی در شرایط گروهی و اجتماعی به طور غیر مستقیم زمینه دستیابی به مهارت های انسانی را فراهم می سازند. کنش و واکنش متقابل با مردم و حساسیت نسبت به انگیزه ها، انتظارات و رفتار آنان کمک می کند تا شخص به مرور بتواند ضمن درک عوامل شکل دهنده ی رفتار انسان ، راه و رسم کار کردن با مردم و اثر گذاری بر رفتار آنان را بیاموزد.

نسیم جنوب ۷
ورزشی
شماره ۴۹۱ یکشنبه ۱۹ اسفند ماه ۱۳۸۶
NASIM JANOUB



دبیر صفحه: مهدی صالحی زاده

تقدیر هیات فوتبال از رسول دشتیاری



هیات فوتبال بوشهر میان دو نیمه بازی ایران جوان بوشهر و شهرداری انزلی از سری مسابقات فوتبال لیگ دسته دوم ایران، از رسول دشتیاری آقای گل مسابقات فوتبال لیگ دسته اول استان بوشهر تقدیر به عمل آورد. این بازیکن که با ۱۳ گلی به ثمر رساند توانای خود را به رخ کسانی کشید و به آن دسته از مربیان ... ثابت کرد واقعا در حقش اجحاف شده، در مراسم مذکور کاپ قهرمانی هم به حاج علی عالی نژاد مدیرعامل کارگر بنه گز اهدا شد. دشتیاری پس دریافت جایزه خود به خبرنگار ما گفت: این یک کار جمعی بوده و من پاس های خوب بچه ها را به هدف زدم با توجه به این که در دور برگشت از ناحیه پا با مصدومیت شدید روبه رو بودم اما با درمان موقت در زمین حاضر می شدم امیدوارم جواب خوبی های بچه ها ، مربی ام آقای مشتری و مدیر تیم آقای عالی نژاد داده باشم.

حیدری آینده دار دو و میدانی بوشهر



مازیار حیدری دونده بادپای آموزشگاه های بوشهر متولد سال ۱۳۷۳ او از سرعت خوبی برخوردار بود و از دوره ابتدایی در دو رشته سرعت و آمادگی جسمانی در بوشهر و استان از نفرات برتر این دو رشته می باشد. وی دوو و امادگی جسمانی را زیر نظر مربیان چون جمالی ، فقیه و شیخ زاده ، اموخته و هر ساله با مقام های خود مربیان را به این باور داشته که روزی او به سکوی اول دوهای سرعت ایران تکیه خواهد زد تنها مشکل مازیار خجالتی بودن اوست. امید است این دونده با اخلاق ، آینده دار در ورزش و درس موفق باشد.

بازدار یار ارزشمند مقاومت بوشهر



وقتی که بازی های امید جوانان، لیگ استان و حتی لیگ دسته سوم ایران را مشاهده می کنیم جوان های شایسته و باقابلیت های بالا رویت می شود که انسان را به فکر فرو می برد، آیا مربیان تیم های لیگی بوشهر که در ایران فعالیت می کنند چه طور چشمان آن ها این هنرمندان مستطیل سبز را مشاهده نکردند، محسن بازدار یکی از هافبک های تیم فوتبال مقاومت بوشهراست که امسال در لیگ زیر گروه دسته سوم ایران ، بازی های خوبی از خود نشان داد. این بازیکن ۲۳ ساله که سابقه هفت سال بازی در تیم شاهین بوشهر دارد. امسال از قافله میلیاردی پارس جنوبی عقب مانده ، چون در اوائل کار شاهین ساربان خوبی نداشت. امید است محسن بازدار که از خلاقیت خوبی از فن فوتبال دارد به جایگاه خوبی در فوتبال استان و ایران دست یابد.

www.ptfb.ir

سایت تخصصی فوتبال بوشهر توسط فاضل قنبر پور راه اندازی گردید . بی شک با پشتکار و اهل فن بودن آقای قنبر پور این سایت در استان و ایران ما استقبال خوبی روبه رو خواهد شد.

برگزاری مسابقات پرش با اسب جام زنده یاد استاد محسن فقیه



اولین دوره از مسابقات پرش با اسب جام زنده یاد استاد محسن فقیه در باشگاه سوارکاری دلیران تنگستان واقع در نیروگاه اتمی (بندرگاه) طی دو رده با حضور خانواده آن مرحوم و مسئولین نیروگاه اتمی بوشهر برگزار گردید که در پایان جوایز نفرات برتر این دوره توسط خانواده آن زنده یاد محسن فقیه (بنیان گذار ورزش سوارکاری استان بوشهر) اهدا گردید. نفرات برتر رده نونهالان و نوجوانان: نفر اول- علی ایرانی نفر دوم- محمدی مطوری نفرات برتر رده جوانان و بزرگسالان: نفر اول- محمد مطوری نفر دوم- علی پرند نفر سوم- علی ایرانی

جناب آقای احمد رزمی
افتخار فوتبال بوشهر
درگذشت مادر بزرگوارتان را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده، ما را در غم خود شریک بدانید و از خداوند منان برای آن مرحوم علو درجات و برای شما صبر و شکیبایی مسئلت داریم.
یونس قیصی زاده ـ حمید چاهی بخش ـ مجید چاهی بخش ـ محمدرضا صالحی زاده ـ محمود ابراهیم زاده ـ حسین حیدری ـ احمد خالق پناه ـ علیرضا حق پرست ـ مجید اصلانی ـ حسن غریبی ـ غلام احمدی ـ فاضل قمبرپور ـ اسکندر احمدنیا ـ حاج احمد گزی ـ ناصر رفیعی ـ ضیا جمالی ـ عزیز فریسات ـ ایمان دشتی ـ حیدر عبدالله زاده ـ رضا سیاهوشی ـ رضا ماهینی ـ محمدرضا محمدی ـ علیرضا محمدی ـ محمد دوانی ـ حسین وردیانی ـ منصور کاوئیان ـ علی بکا ـ علیضا طارمی ـ اکبر شمسا ـ وحید پور جماد ـ مهدی صالحی زاده

پیروزی شاهین با طعم امیدواری

شاهین پارس جنوبی بوشهر ۱ - کوثر تهران صفر
گل: مسعود ابطحی (۲۷)
تهران: ورزشگاه سرداران شهید شمیرانات
ستاره میدان با تقدیر از دژان - عزیز فریسات



عزیز فریسات ستاره میدان با کوله باری از تجربه عصای دست ایراندوست

پس از هفته ها، یک برد بیرون خانه کام شاهین و بوشهریها را شیرین کرد. حلاوت این پیروزی به گواری نوشیدن کوثر بود آن هم از نوع فوتبال و تهرانی اش، شاگردان ایران دوست در یک نبرد مردانه و منطقی فاتح این بازی شدند. هر چند که در اکثر ۹۰ دقیقه سوار بر بازی بودند ولی در ۴۵ دقیقه اول چند گل را به دروازه حریف نزدند، اما در نیمه دوم تا حدودی تحت فشار حریف جوان خود قرار گرفتند که با درایت بازیکنان ساعی شاهین از پرس کوثر جان سالم به در بردند. این پیروزی چند فاکتور به همراه داشت: ۱- جدا شدن از ته جدول ۲- استعفا مربیان کوثر(عابدین و گلهر به دلیل مشکل مالی ، البته به گفته خودشان) ۳- شارژ روحی برای بازی های لیگ و در آخر آماده بازی جسورانه و جنوبی در مقابل تیم برق شیراز در جام حذفی ایران.

البته این پیروزی ها می باست در اوایل فصل نصیب تیم میلیاردی و پر هوادار می شد اما تیم میلیاردی تفکر چند ریالی هم نداشت، بعضی از آقایان که در محفل شاهین پارس جنوبی پس از ناکامی ها خود را هیچ کاره نامیدند و باخت را در خورجین افرادی امثال سعداوی انداختند. نه این که جناب سعداوی مقصر اصلی نبودند، اما کسانی بوده و هستند که با مردم رو راست نبوده و نخواهند بود. به هر صورت بغض شاهین در تهران ترکید و با برنامه های نصرت ایران دوست و غیرت بچه های سفید پوش شاهین، قطره ای از امتیازهای بازی به حلق کوثر تهران نرسید. در این ۹۰ دقیقه ، دژان گلر شاهین ، یکی از بهترین های بوشهری بود.



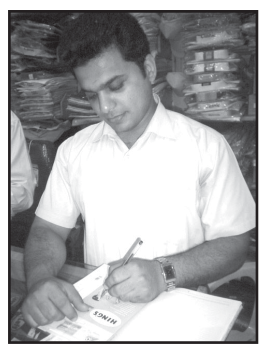
دژان چندین بار مهاجمان کوثر را با واکنش های خوب و به جای خود، ناکام گذاشت، اما کسی که از شروع بازی ها تا کنون بازی به بازی بهتر شده است کسی نیست جز مانع آخر و با اخلاق و کاپیتان این روزهای شاهین عزیز فریسات ، این بازیکن غیر بومی اما جنوبی و فعلا بوشهری یکی از ارکان اصلی تیم ایراندوست است و آقا نصرت به خوبی قدر او را می داند. مسعود ابطحی هم پس از هفته ها یک گل سه امتیازی را به ثمر رساند تا دل همه بوشهری ها را شاد کرده باشد.
این گزارش با همکاری آقای فاضل قمبرپور تهیه شد.

شاهینی ها به ایران دوست تبریک می گویند



مجید اصلانی ـ در بازی شاهین پارس با کوثر تهران، در هفته پانزدهم، شاهین در تهران با تفکر هجومی از حریف خود یعنی کوثر یک مغلوب ساخت. کوثر تهران یکی از تیم های متوسط گروه دوم است. هر چند که در دور رفت در استادیوم بوشهر شاهین نتیجه را دو بریک به حریف تهرانی واگذار کرده بود ولی بنا به اراده و صرف فعل خواستن شاهین ها در یک روز سرد زمستانی و در یک رقابت نامحسوس با ایران جوان دیگر همشهری خود که در لیگ دست دو کشور می رود که خود را به صدر نشینان نزدیک نماید، توانستند تیم محمود کلهر که اکنون با اندوخته ۱۶ امتیازی در رده هشتم جدول می باشد با اختلاف یک گل شکست دهند.
ما هم مثل هزاران نفر بوشهری روز چهارشنبه با تلفن همراه سعی در دریافت آخرین خبر از نتیجه بازی بودیم و تا ساعت ۴ بارها در ارتباط بودیم که وقتی نتیجه تمام شده را با حلاوت و شیرینی اعلام نمودند خیل تبریک دوستان و همکاران سرازیر گردید. ما هم دوست داریم تیم محبوب شهرمان سروری کند و غیرت و تلاش فرندان جنوب را به همه جای ایران نشان دهد، ما هم دوست داریم سر را بالا بگیریم و با افتخار بگوییم
آن سفر کرده که صد قافله دل همراه اوست
هر کجا هست خدایا به سلامت دارش
اگر تیم شهرمان در دور رفت و در تنگنای مسائل تاکتیکی و فنی و مدیریتی، گیر کرد عنان اختیار را کف ندادیم و خدای ناکرده به بازیکنان خودی و حریف جسارت نکردیم و به کادر فنی و بازیکنان خود فرصت دادیم تا خود را باز جویند. ما آنان را از خود می دانیم و اطمینان داریم آن ها هم نسبت به ناکامی های گذشته ناراحت تر از ما بودند. توقع داریم شاگردان ایراندوست (این مرد قابل احترام و فروتن) از وی حرف شنوی داشته باشند و خواسته های وی را اجرا کنند تا تیم انسجام بیشتری یابد و شاهین محبوب باهمکاری به موفقیت های نسبی آتی دست یابند و تیم شاهین با بازی های درخشان و کسب پیروزی دل بوشهری ها را با کارنامه قابل قبول شاد کند. پیروزی های اخیر و دریافت سه امتیاز دلچسب بازی با کوثر تهران گوارای وجود و پاداش برادری تان مبارک باد.

تا ۳ نشه بازی نشه!

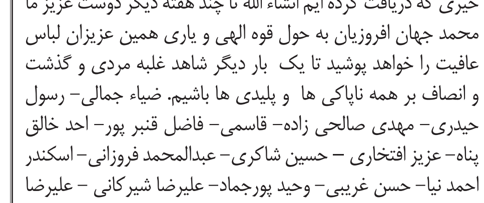


علیرضا محمدی ـ با sms که یکی از دوستان که برایم فرستاد و درآن نوشته بود ۱-۰ به نفع شاهین، بسیار خوشحال شدم و سریع آن را برای تمام دوستان دیگرم sms زدم. پس ازبرد ۲-۰ شاهین در بوشهر مقابل همای تهران و فرار از قعر جدول انتظار می رفت با کاهش استرس همه شاهینی ها خصوصا کادر فنی و بازیکنان مجموعه تیم روند روبه رشدی داشته باشند. نصرت ایران دوست نشان داد که خواستن توانستن است. ایران دوست با کسوت بزرگ و شخصیت اش توانست تیم را جمع و جور کند و در نتیجه گیری و کسب امتیاز وضعیت کلی تیم را بهبود بخشد. خوش بختانه همه از برد تیم مقابل کوثر در بیرون از خانه خوشحالند، مردم کوچه و بازار و... همه شاد و مسرور از کسب ۳ امتیاز دیگر و ماندن در لیگ دسته یک. همه آن قدر خوشحال اند که حتی گویی روح زنگویی بزرگ هم شاد شده است. این دو پیروزی پیاپی و انشالله برد بازی مقابل برق شیراز در جام حذفی به تاریخ دوشنبه ۲۰ اسفند را نیز به روح بزرگ استاد زنگویی تقدیم نمائیم. ایراندوست نشان داد که بیش از پیش می توان به موی سپید و تجربه اش اعتماد کرد و با حضور آن بزرگوار به آینده امیدوارتر شد.ای کاش برنامه های این مربی با تجربه را در جهت رشد رده های پایه تیم جدی بگیریم و به کمک این عزیز سعی در رشد و پرورش استعدادهای شهرمان به طوری جدی تر باشیم. این برد روحیه تیم را برای نبرد با شاگردان محمود یاوری و استعدادهای درخشان بوشهر مهدی و مهرداد کریمیان (برق شیراز) بهتر کرد و حالا که خیالمان از بابت ماندن در لیگ تا حدودی راحت شد، می گوئیم تا ۳ نشه بازی نشه و امیدواریم با درخشش شاهین بوشهر مقابل برق شیراز در جام حذفی شگفتی این دوره مسابقات باشیم.

رفتاری که به جزء مردی نام دیگری ندارد

وقتی یکی از دوستان قلم به دست ورزش نویس ما گرفتار دردی شد که به قول صادق هدایت روح را در انزوا می خورد و می تراشد، با خود و جفای روزگار درگیر بودیم که خدای من، سرنوشت را مشیت تو برای رهایی انسان های درمانده، منتظر و بی گناه چگونه رقم می زند. غافل از تلاوت نجواهایی که همیشه رفع مشکلات را از معبرهایی گوشزد کرده بود که هیچ وقت انتظار آن را نداشته ایم. حرکت جوانمردانه رئیس هیئت فوتبال استان حاج محمد دوانی و حاج حسین وردیانی مدیر کل تربیت بدنی استان بوشهر با همرایی جمعی از دوستان قلم به دست شاید طواف کعبه ای بود که خیلی ها به گرد او می چرخند ولی حاجی نمی شوند و بسیاری هنوز به مکه نرفته مکی شده اند. با علائم خیری که دریافت کرده ایم انشاء الله تا چند هفته دیگر دوست عزیز ما محمد جهان افروزیان به حول قوه الهی و یاری همین عزیزان لباس عافیت را خواهد پوشید تا یک بار دیگر شاهد غلبه مردی و گذشت و انصاف بر همه ناپاکی ها و پلیدی ها باشیم. ضیاء جمالی- رسول حیدری- مهدی صالحی زاده- قاسمی- فاضل قنبر پور- احد خالق پناه- عزیز افتخاری - حسین شاکری- عبدالمحمد فروزانی- اسکندر احمد نیا- حسن غریبی- وحید پورجماد- علیرضا شیرکانی - علیرضا حق پرست - مجید اصلانی.

صعود کوهنوردان بوشهری به قله جاسک



گروه های کوهنوردی شهرستان بوشهر به مناسبت روز امور تربیتی و تربیت اسلام در یک صعود مشترک موفق به صعود به قله جاسک در استان فارس شدند.
کوهنوردان عبارتند از: آقایان: علی اکبر گلستانی (راهنما) - سینا برغندان (مسئول فنی)- نادر ایرج بخش- محمد رضا مهدی زاده- محمد رضا جمالی - امیر آزادنیوه - عبدالسحین کواری زاده- امیر هاشمی - محمد بخشی - محمد رضا میرشکار.
خانم ها: میترا نبوی (سرپرست) - رویا ابوطالب نژاد - رعنا مظلومی وند- صفورا کریمی- زهره هاشمی - مینا پیامی- ندا حسینیان- آرزو چماچم (امداد) رعنا مظلومی وند - مرضیه حکمت آزاد - فروغ کواری زاده- علیه جمالی .

جناب آقای جمشید شهبازی
درگذشت برادر ارجمندتان را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و از خداوند منان برای آن مرحوم علو درجات و برای شما صبر و شکیبایی مسئلت داریم.
احمد خالق پناه - عزیز دشتی دوست - خداداد پاینده - اسکندر احمدنیا - محسن مکاری پور - ماشاالله فولادی - رضا سیاوشی - حسن غریبی - امیر علیپور - غلام احمدی- مهدی صالحی زاده

کارگر با گل های دشتیاری قهرمان بوشهر شد

کارگر بنه گز قطب جدید فوتبال بوشهر



مسابقات فوتبال لیگ دسته اول استان بوشهر در هفته گذشته با قهرمانی تیم فوتبال کارگر بنه گز به پایان رسید، پس تیم کارگر دو تیم ندسا و توحید بوشهر به ترتیب دوم و سوم شدند.
تیم کارگر در روز پایانی با ارائه یک بازی سراسر تهاجمی تیم پرسپولیس بنه گز را با شش گل با شکست بدرقه کرد.
در این دیدار رسول دشتیاری با به ثمر رساندن ۴ گل از شش گل تیمش با ۱۳ گل زده آقای گل مسابقات گردید.
اسامی تیم کارگر بنه گز، علی فقیهی، شهرام بوشهری، حسن پرده شناس، حسین دلپذیر، مهدی تورانی، عیسی زحمتکشان، یعقوب مصری، حمید جهانبخش، محمد محمدی ، حمید پولادی، رسول دشتیاری، مسعود شمسی، سید منتظر موسوی، مجید حیدری، اسماعیل مظفری، موسی رحمت، محسن ربیعه، بهادر عبدالحسین زاده، مهدی وفا، حسین اسماعیلی و سعید اسدی.
سرمربی: فرهاد مشتری - سرپرست احمد جهان آرا،
تدارکات: احمد دشتیان- مدیر تیم- حاج علی عالی نژاد موسسین- حاج خورشید کرمی و فرشید بنه گزی- مدیر اجرایی : حسن زالی-

امید است مسئولین استان به ما نگاه مهربانانه ای داشته باشند



علی عالی نژاد مدیر عامل باشگاه کارگر بنه گز در خصوص قهرمانی و حرکت مثبت این تیم در دسته سوم فوتبال ایران به خبرنگار ما گفت : راه سختی را با لطف خدا و همت بچه ها با موفقیت پشت سر گذاشتیم و امید است که در مسابقات کشوری مسئولین استان به ما نگاه مهربانانه ای داشته باشند .

بچه های ما لیاقت قهرمانی را داشتند



فرهاد مشتری سرمربی با تیم فوتبال کارگر در رابطه با قهرمانی تیمش به خبرنگار ما گفت: چون به بچه هایم اعتقاد و ایمان داشتم، شک نداشتم که قهرمان می شویم هر چند که بعضی ها در این راه در چند نوبت بنده و تیم کارگر را بسیار اذیت کردند ولی چون ما با توکل به خدا به هدفمان فکر می کردیم آن ها ، کاری از پیش نبردند بچه های ما آن قدر لیاقت داشتند که قهرمان شوند .

از تک تک بچه ها شخصا قدردانی خواهم نمود



فرشید بنه گزی موسس تیم کارگر بنه گز در رابطه با تیمش به خبرنگار ما گفت: قبل از شروع مسابقات جلسات متعددی در خصوص بهتر بستن تیم با آقایان کرمی و علی عالی نژاد برگزار کردیم.خوشبختانه تیم با بازیکنان و کادری خوب بسته شد این قهرمانی مبارک همه باشد.
از امروز مسئولیت ما سخت تر شده چون نماینده استان در فوتبال ایران هستیم و از مسئولین استان بوشهر هم تقاضا دارم به این تیم مردمی نگاه ویژه ای داشته باشند.
در چند روز آینده جشن قهرمانی برپا خواهیم کرد و از تک تک بچه ها و زحمتکشان تیم شخصا قدردانی خواهم نمود.

ای کاش ایران جوان یازده درویشی داشت



ایرن جوان ۲ شهرداری انزلی ۱
گل ها: سعید درویشی(۱۰) و محمد باغملایی(۱۴) برای ایران جوان- بیژن حسینی حقی(۱۵) برای شهرداری .
بهترین بازیکن میدان: سعید درویشی

سرخ پوشان ایران جوان می روند تا غزل خوان به بلندای لیگ دسته دوم کشور(گروه دوم) با تبسم تکیه زنند. در هفته چهاردهم مسابقات لیگ دسته دوم روز یک شنبه مورخه ۸۶/۱۲/۱۲ روز خوش یمنی برای سرخ پوشان جوان بود. مصاف بندر نشینان شمال و جنوب همیشه دیدنی بوده است. سابقه حضور تیم های بندر نشینان شمال هم مانند سپید رود - ملوان- چوکا- استقلال شهرداری و ..مقاطع مختلف و با حضور در استادیوم ورزشی بوشهر علاوه بر انجام مسابقه دلپذیر و روان و تماشاگر پسند در نهایت با پیروزی تیم های شایسته بوشهری خاتمه یافته است. از جمله بازی روز یک شنبه که از بسیاری جهات یکی از بازی های جذاب(گروه دوم) بود سه گل در یک نیمه بازی که دو گل برای یاران ایران جوان و یک گل برای شهرداری انزلی به همراه داشت. انزلی چی ها با رهبری بهمن صالح نیا این مرد با وقار و قابل احترام و سرمربی سابق ملوان (قوی سپید شمال) نیم فصل اول را با مقام دومی به پایان رسانیدند و به عنوان مدعی صعود به لیگ یک کشور می باشند.
بعداز این پیروزی روحیه آفرین دریافت ۹ امتیاز پیاپی از سه پیروزی که حاصل تلاش هفته های اخیر جوانان برومند ایران جوان بود و نوید می رود این تیم پر سابقه روند مطلوبی را در پیش گرفته و همه تیم ها به چشم مدعی به آن ها بنگرند که با انگیزه مضاعف در مقابل شان حاضر می شوند و ایران جوانی ها می بایست از فرصت پیش رو حداکثر بهره را ببرند و کادر فنی و مدیران این باشگاه بزرگ و مردمی تیم شان را می بایست در جاده موفقیت تا رسیدن به قله افتخار به سلامت هدایت نمایند.

حاشیه بازی :
*هر دو تیم با پوشیدن لباس قرمز و ابی به نوعی نبرد سرخابی های مرکز نشین را در اذهان زنده نمودند.
* از کار بسیار زیبا و پسندیده ای که درمیان نیمه بازی ایران جوان و شهرداری انزلی توسط مسئولین هیات فوتبال انجام پذیرفت جایزه ای به رسم یاد بود به رسول دشتیاری مهاجم اسبق ایران جوان و اقای گل لیگ دسته اول بوشهر به همراه تیم کارگر بنه گز در سال ۸۶ که در حضور تماشاگران به وی اهدا شد. همین امر با اقبال تماشاگران روبه رو گشت که با کف زدن های ممتد این کار پسندیده را مورد تایید قرار دادند.
* گلی که درویشی سرگروه بوشهری ها با ضربه سر تماشایی خود توپ را به تور دروازه انزلی چی ها نشاند یاد و خاطره دهه هفتاد را در اذهان زنده نمود. زیرا در بازی با چوکا که با نتیجه دو بر یک به نفع بوشهری ها به اتمام رسید یکی از گل ها هم توسط جوانی برومند آن زمان (درویشی) و فولاد آبدیده امروز به ثمر رسید.
* از بهمن صالح نیا هر چه بگوییم کم گفته ایم صحنه زیبایی رقم خورد پس از پایان مسابقه صالح نیا به طرف سعید درویشی بزرگ مرد تیم ایران جوان رفت و با وی خوش و بشی نمود و چهره خسته و عرق ریز سعید را با گشاده رویی بوسید و لحظاتی با سعید گپ و گویی داشت و از بازی درویشی با این سن و سال زبان به آفرین گشود و به وی گفت که از انزلی تا بوشهر در فکر مهارتو بودم که نشد خدا قوت. *تماشاگران بوشهری از این بازی نیز استقبال چندانی به عمل نیاوردند که امید است با حضور فعال در باز یهای آینده و پر کردن سکوها به این نماینده محبوب شهرمان نیز اقبال دهند تا بتوانند پیروز یهای خود را تداوم بخشند.

شاهین پارس چوب ندانم کاری های خودش می خورد



محمد جهان افروزیان ـ حالا بازی های در پیش رو این قدر این روزها برای شاهین پارس حساس شده است که با هر باخت و یا مساوی خطر سقوط و یاد آوری روزهایئ که که لحظه به لحظه آن توام با اشتباهات بزرگ و کوچک بوده است او را بیشتر آزار دهد، این تیم قبل ازاین که تحت تاثیر لیاقت و توان باشگاه های دیگر، نتیجه بازی را از دست داده باشد به تفکرات و ندانم کاری های حاکم بر باشگاه خود باخته است. در سالی که چتر حمایتی پارس جنوبی تمامی دغدغه های مالی این باشگاه را از بین برده بود و بدون اندیشه گام های اول را لرزان و پر التهاب برداشتیم در حالی که به عنوان یکی از پولدارترین باشگاه های ایران وارد بازار یارگیری در مجموعه فنی و جذب بازیکن شده بودیم. از هاله های پنهانی که همیشه برای علاقه مندان به فوتبال از حساسیت زیادی برخوردار بوده است نگاه و بینش کادر مدیریتی این باشگاه نسبت به رسم نمودارها و راهیابی به لیگ برتر کشور می باشد تصمیمی که برای ورود به آن احتیاج به یک هماهنگی و تلاش در سطح کلان استان دارد و با برداشت های دیدگاه های زودگذر و حد نصاب های بدلی و اسقاطی میانه ای ندارد. شاهین پارس در روند تشکلاتی خود در زمان شکل گیری دچار ضربات سنگین شده است، اولین ضربه، انتخاب بدون مطالعه سر مربیگری برای این تیم و اعتمادی فراتر از انتظار شرایط و رسم و رموز فوتبال حرفه ای بود. هنوز عوامل این باشگاه در مورد گزینش آقای سعداوی از نظر فنی و عملکرد کاری به یک نظر جمعی نرسیده بود که فراخوان بازیکن آن هم به صورتی تام الاختیار به عهده او گذاشته شد تا در یک فاصله زمانی یک ماه، دومین اشتباه خود را مرتکب شود. در همه ی باشگاه ها عقیده بر این است که سعی می کنند در تغییر و تحولات هیچ گاه استخون بندی و شاکله اصلی تیم خود را به خاطر تداوم کاری آن ها با یکدیگر و شناختی که به مرور زمان روی هم پیدا کرده اند تحت هیچ شرایطی از دست ندهند. بستن یک تیم جدید آن هم در یک ماه محدود و رسیدن به اهداف پیش رو، به عقیده تمامی کارشناسان و اصحاب نظر خارج از منطق و غیر ممکن به نظر می رسد. مشکلاتی که هنوز هم دست از سر شاهین پارس برنداشته است.
سعداوی بنا بر القائات بعضی ها برای برقراری یک محیط آرام و بدون حاشیه برای خود و باشگاه از چندین بازیکن برجسته بوشهری این تیم چشم پوشی کرد تا به خیال خود با یک چهره نو و متفاوت وارد گردونه بازی های لیگ دسته یک کشور شود، غافل از این که امروز در فوتبال تنها انگیزه و انسجام تیمی است که موفقیت ها را رقم میزند نه نام های آن چنانی.
با کوبیده شدن زنگ آغاز مسابقات لیگ دسته یک کشور و نتایج غیر قابل قبولی که هر هفته نصیب این تیم می شد ترس و استرس نیز به این ناهماهنگی ها اضافه گردید. توقع و فشار تماشاچیان و مسائل حاشیه ای هم به نوعی در ایجاد تخلیه روحی و روانی مزید بر علت گردید، بازی هایی که شاهین پارس تاکنون انجام داده است نشان دهنده آن است که اکثر این بازیکنان در فراگیری و پیاده کردن تاکتیک های متنوع تیمی از ضریب هوشی بالایی برخوردار نبوده اند بنابراین فرمول هایی که مربیان برای به حرکت در آوردن و انسجام کارهای گروهی در نظر می گیرند، نباید پیچیده و از لایه های ترکیبی متعددی تشکیل شده باشد.
به نظر می رسد فوتبال در لیگ دسته یک ایران مربیان خاص خودش را دارد که می تواند خود را با شرایط و ساز کارهای این گونه مسابقات هماهنگ سازند، نتایج اصلی برای باشگاه شاهین پارس در بعد فنی یا به فراگیری بازیکنان بر می گردد و یا به قدرت تفهیم و سرعت انتقال مربی، بازیکنان و باشگاه به مربی آگاه و آشنا با فوتبال روز جهان احتیاج دارند و مربی بازیکنان باهوش و تاکتیک پذیر، این عناصر در کنار یکدیگر همیشه تکمیل کننده هم هستند و به تنهایی مفهوم واقعی خود را از دست می دهند.
بلایی که امسال با تصمیمات خودخواهانه در اطاق های در بسته بر سر شاهین پارس آمده و مانند تند آب همه آرزوها را با خود برده و در این رابطه جدول مسابقات گواه قابل اعتمادی است. به هر حال تا دو سه ماه دیگر بازی ها تمام می شود و همه به خانه خود بر می گردند تا ببینیم که این یک سال فعل و انفعال و خرج و مخارج چه دستاوردی برای باشگاه شاهین پارس و فوتبال بوشهر داشته است.

سرو شاهین خم شد

به یاد عبدالحمد زنگوئی عزیز



احمد تورانی
هر گل که به باغبانش می دهد صفا
گلچین روزگار امانش نمی دهد
برایم بسیار سخت است که در مورد کسی که عمر و جانش را به پای تیم محبوب و دوست داشتنی شاهین گذاشت مطالبی بنگارم. چون ویژگی ها و خصوصیات این عزیز در یک مطلب و دو مقاله و غیر نمی گنجد، بلکه باید کتابی قطور درمورد این عزیز سفر کرده تهیه شود.
عجب زمانه ایست انگار همین دیروز بود که وقتی از آبادان به بوشهر آمدم وبا او برسرزمین فوتبال آشنا شدم. مردی رشید با کوله باری از تجربه و عشق و علاقه به تیمش، پرسیدم او کیست؟ به من گفتند زنگوئی نامی است. بله و آن مرد محمد زنگوئی بود در آن سال ها اواخر بازی خود را می گذراند وبعد به سمت مربی گری همراه استاد بزرگوار مرحوم جواد گرانبها در تیم شاهین روی آورد. او کسی بود که مراحل را به ترتیب طی کرد از بازیکنی گرفته تا کاپیتانی و مربی گری و سرپرست و مدیریت و اواخر عمر هم پست ریاست هیئت موسسین باشگاه را بر عهده داشت اما امان از عجل که مهلتش نداد. از خصوصیات و ویژگی های بارز و جاودان ایشان این بود که همیشه لبخندی بر لبانش دیده می شد چه در صورت خوشحالی و چه در مواقع ناراحتی، هیچ وقت خم به ابرو نمی آورد و در برابر ناملایمات ها جوابی نمی داد. او در رفتار خودش چیزی بروز نمی داد ولی در درون کالبد چشمش پر از اندوه بود. به شاهین عشق می ورزید چون یکی از بنیانگذاران این تیم بزرگ و پر قدمت بود. هیچ گاه از روی تعصب و غرض حرفی نمی زد و هر کاری و تصمیمی که می گرفت فقط برای سربلندی و ارتقا سطح باشگاه شاهین بود، نه نفع خودش یا چیز دیگر. کلامی صریح و رسایی داشت و قصد و منظورش را به راحتی و بدون هیچ رودربایستی می گفت. او رک و راست سخن می گفت و همین ویژگی او خیلی جالب بود و بر محبوبیتش می افزود.
نمی دانم چه شد و چه اتفاقی افتاد که سرو قامت باشگاه شاهین خم شد هر گاه اسم سرو می آید همه به مظهر اقامت و بلندی این کلمه فکر می کنند. قامتی که هیچ موقع خم نمی شود. ولی متاسفانه و صد افسوس که قامت و سرو تیم شاهین خم شد و دیگر بر نمی گردد.

هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی

نسیم جنوب

- صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
- مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
- عکاس خبری: عباس حید ری
- نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه جانبازان
- دفتر هفته نامه نسیم جنوب
- تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
- ایمیل: info@nasimjonoub.com صندوق پستی: ۱۱۹۹
- لیتوگرافی چاپ: کارگر


بوشهر در انتظار نوروز

کاندید ای هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

غلامعلی میگلی نژاد در یک نگاه

شجاعت در بیان،صداقت در کلام،عشق به اسلام و ولایت،مردم و وطن و فدا شدن در راه اهداف ،شاخصه بارز ایشان است.



زندگی نامه

نام و نام خانوادگی: غلامعلی میگلی نژاد
متولد: سال ۱۳۳٤
محل تولد: بوشهر
تحصیلات ابتد ایی: مدرسه بنمانع
تحصیلات متوسطه: مدرسه‌ی شریعتی و سعادت
تحصیلات عالیه: رشته عمران و فوق لیسانس مدیریت
- از فعالین مبارزه با رژیم شاهنشاهی در بوشهر بهمراهی شهید حاج باقر و شهید صادق میگلی
- یار شهید چمران در جنگهای نامنظم
- مجروح جنگ در دفاع مقدس
- برادر شهید حاج باقر میگلی نژاد از سرد اران دفاع مقدس

سوابق اجرایی ومدیریتی:

۱.عضو شورای سه نفره سرپرستی سازمان شهرد اریها و د هیاریهای سراسرکشور(منتخب ۱۰۱۳ شهرد ار کشور)
۲.شهرد ار شهر بوشهر
۳.مشاور استاند ار و مدیر امور اتباع و مهاجرین خارجی استاند اری بوشهر
٤.فرماند ار دشتستان
٥.سرپرست فرماند اری کازرون
٦.معاون فرماند اری کازرون
۷.سرپرست فرماند اری فسا
۸.معاون فرماند اری فسا
۹.مدیر عامل سازمان تعاون مصرف شهر و روستا
۱۰. بخشد ار مرکزی کنگان
۱۱. آموزگار روستاهای بخش بردخون
۱۲. رئیس ستاد توزیع عاد لانه کالا استان بوشهر
۱۳. بخشد ار مرکزی فسا

کسب د انش و دستاورد های مدیریت ستاد ی و اجرایی در طول ۲۷ سال دوران خدمت، وی را بر آن د اشت تا پای در عرصه ی نامزد ی نمایندگی مجلس شورای اسلامی در حوزه ی بوشهر، گناوه، دیلم بنهد.
امید است با اتکال بر خد اوند و همت والای مردم فهیم در انتخابات ایشان بتوانند خدمتی شایان و در خور مردم شریف حوزه انتخابیه ارائه نماید.

برخی از فعالیت های صورت گرفته در زمان تصدی فرمانداری شهرستان دشتستان و شهرداری بوشهر:

۱ - پی گیری احداث کارخانه سیمان دشتستان
۲ - تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی دشتستان
۳ - تأسیس دانشگاه پیام نور دشتستان
٤ - تأسیس دانشگاه کشاورزی دشتستان
٥- احداث پلاژ بانوان بوشهر
٦- احداث جاده ی ساحلی
۷- تکمیل ترمینال مسافربری
۸- احداث پارک سیادت
۹- تکمیل پارک شغاب
۱۰- تکمیل ساختمان شهرداری
۱۱- احداث مجتمع تجاری تفریحی خلیج فارس
۱۲- توسعه ی فضای سبز شهر
۱۳- احداث خیابان شهید چمران، جفره ی ماهینی، امام رضا و قدیر خم
۱٤- مکانیزه کردن سیستم اداری شهرداری
۱٥- توسعه ناوگان اتوبوسرانی
۱٦- بازسازی ناوگان موتوری شهرداری
۱۷- احداث میدان میوه وتربار
۱۸- احداث کانال دفع آبهای سطحی شهر ... .

تو را آباد خواهیم ای دیار کهن

در دفاع از مظلومان انتخابات مجلس

محمد کنگانی



در فرایند پیروزی انقلاب اسلامی ایران که در روز ۲۲ بهمن ماه ۵۷ تجلی و تحقق یافت، تمامی اقشار گوناگون ملت اعم از نیروی های مذهبی، روحانیون و روشنفکران، دانشگاهی، نیروهای غیر مذهبی (چپ ها) احزاب و جمعیت ها و گروه های سیاسی مختلف، خلاصه عوام و خواص هر کدام به نحوی با تکیه بر آرمان های ایده آل بر مبنای شعار دینی و غیر دینی و شعارهای اساسی از جمله (استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی) با رهبری کاریزماتیک دینی همگام و هدف مشترک علیه حاکمیت استبدادی و خودکامه پهلوی جهت تعیین سرنوشت حاکمیت مردمی خویش، در این راه مقدس، فداکاری ها و جان فشانی ها نمودند و با گذشت از جان و مال خویش، عزت و سرافرازی شان را مفتخرانه جشن گرفتند. در ۱۲ فروردین ماه ۵۷ از طریق همه پرسی (رفراندم) با انتخاب نوع حکومت «جمهوری اسلامی» را بنیان نهادند و رهبر فقید بر این انتخاب مردمی صحه و مهر تائید زدند. در دو سال اولیه نظام جمهوری اسلامی، گروه های سیاسی و احزاب اسلامی و غیر اسلامی (چپ) با ایدئولوژی های مختلف طبق قانون اساسی آزادانه به ابراز عقاید و بیان نظرات و تضارب آراء و افکار پرداختند در این شرایط زمان، دایره فعالان سیاسی گسترده بود و اکثر نیروهای سیاسی و اجتماعی خودی محسوب می شدند. در سال ۱۳۵۹ ناگاه از سوی کشور عربی همسایه عراق، میهن ایران اسلامی مورد تاخت و تاز جنگ نابرابر و تهاجم شدید نظامی قرار گرفت و جنگ تحمیلی عوارضات فراوان اقتصادی و سیاسی برای ملت ما در پی داشت. در این شرایط و مقتضیات زمانی جنگی، تمامی فرزندان انقلاب و مبارزین با تمام وجود حضور در میدان مبارزه و دفاع مقدس، با شکیبایی و شجاعت بی نظیر خود در مقابل متجاوزین به کیان وطن ایستادگی نموده و از تمامیت ارضی جانانه، جان خویش، را در طبق اخلاص گذاشتند و در این راه ایثارگری ها نمودند و شهیدانی را تقدیم انقلاب و اسلام کردند. در این سیر و تطور تاریخی وانقسای زمانه، با توجه به اقتضای وضعیت موجود، طبعا فرصت و زمینه رشد و توسعه سیاسی و فرهنگی محدود گردید و علیرغم این نابسامانی های اجتماعی بعضی گروه های سیاسی بنای ستیزه جویی و مقابله با نظام نوپای جمهوری اسلامی گذاشتند و در راستای ایدئولوژی خشونت آمیزشان که دچار انحراف عقیدتی شده بودند، اقدام علیه امنیت ملی و سیاسی را آغاز نمودند. تا این زمان هم هنوز با وجود این که کشور هم درگیر جنگ خارجی هم داخلی از سوی گروه های محارب بود باز هم دایره فرزندان انقلاب بزرگ بود و خیلی ها از مبارزین انقلابی مسلمان جزء خودی محسوب می شدند و در جغرافیای سیاسی حکمت فقط آن طیف متخاصم داخلی غیر خودی و بیگانه فرض می شدند که این امر برای نسل اول انقلاب واضح و مبرهن است پس از پشت سر گذاشتن جنگ و دفاع هشت ساله، دوران هشت سال سازندگی آغاز گردید و برنامه اول و دوم توسعه اقتصادی، فرهنگی و ... توسط دولت سازندگی به مرحله اجراء در آمد. در این دوران هم گرچه فضای سیاسی چندان مطلوب و باز نبود اما با فراخور اوضاع اجتماعی و سیاسی حضور حداکثری و حداقلی، انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان، میزان مشارکت در انتخابات علیرغم فضای سیاسی موجود، مقبول به نظر می آمد و به دلیل تساهل در نحوه احراز صلاحیت ها، در مجموع رقابت های انتخاباتی کاندیداها، موجه و رضایت بخش بود و دایره خودی ها شمول عام داشت و منتقدین در دوران سازندگی خصوصا صاحبان مطبوعات و اهل قلم تا حدودی فشار سیاسی را تحمل می نمودند و حداقل نامزدهای نمایندگی طیف چپ مذهبی و نامزدهای مقابل آن، با شرایط مساوی و طبق قانون در انتخابات حضور داشتند و هنوز فرهنگ خودی و غیر خودی رایج و گسترده نبود. هر چه از دوران آغازین انقلاب می گذریم و به آستانه انتخابات مجلس هفتم می رسیم به مراتب دایره خودی ها و غیر خودی ها قبض و بسط بیشتری می یابد به عنوان نمونه در دولت هشتم و در فضای سیاسی بابت هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی این بار عده کثیری پشت فیلتر رد صلاحیت می مانند و بسیاری از حق انتخاب شدن و حق انتخاب نمودن محروم می مانند! این جاست که دوباره دایره فرزندان و مبارزین انقلاب به مراتب کوچک می شود و بخش وسیعی از آنان از این دایره خودی خارج و به غیر خودی ها اضافه می شوند! قصه پرغصه این سریال به این جا ختم نشد بلکه در آستانه مجلس هشتم تاریخ تکرار می شود و تراژدی سیاسی مجددا آغاز می گردد و فرزندان انقلاب روز از نو روزی از نو، شاهد رد شدن شمار کثیری از افراد هستیم و حلقه ی دایره صلاحیت آن قدر تنگ شده که خیل کثیری از انقلابیون و مبارزین دیروز که اکثرا در سه دهه عمر انقلاب اسلامی و در دوران دفاع مقدس حضور داشته و رزمنده و حتی از خانواده های معظم شهیدان و دارای سوابق درخشان انقلابی و سیاسی هستند، از دایره خودی ها خارج نموده اند و حال عکس قضیه اتفاق افتاده یعنی دایره غیر خودی بسیار بزرگ گردیده و دایره خودی بسیار کوچک، انگار که صاحبان انقلاب و ولی نعمتان ما همین اقلیت از همه بهتران هستند و انقلاب و نظام تنها متعلق به یک جناح خاص سیاسی است و خودشان را ناب و مقدس می دانند و بقیه را نااهل و بیگانه می پندارند.

اکنون که در دوران تثبیت تاریخی نظام، بسر می بریم با شگفتی تمام، کثیری از دلسوزان واقعی انقلاب را یک به یک از گردونه سیاست خارج می نمایند و تحت هر عنوان و بهانه ای متمسک می شوند تا آنان را منزوی کنند. مگر در دوران تثبیت نبایستی اهداف متعالی انقلاب که همانا احترام به صاحبان اندیشه با هر گرایش عقیدتی و سیاسی در چار چوب قانون اساسی است، ارج و حرمت گذاشت و به منتقدین و مخالفین قانون اجازه بروز و ظهور داد و کوشید تا با رفتار منطقی و مدارای دینی، مخالف را به موافق تبدیل کرد و به قول استاد شهید مطهری: "دین اسلام زمانی رشد و گسترش پیدا کرده که با اندیشه های معارض و مخالف مواجه گردیده است."

این آرمان های اصیل انقلاب اسلامی بوده که در شعار کلیدی استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی؛ متبلور می گردد.

حال باید از جناح اقتدارگرا پرسید که سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی چه شد؟

با کمال تاسف این پرسش بزرگ ایجاد شده که مگر اشخاصی که مدیران سیاسی و اجرایی و قانونی نظام اسلامی بوده و هستند، مسلمان نبوده اند یا التزام عملی به اسلام و قانون اساسی نداشته اند؟

آیا کسانی که مناصب مهم دولتی مانند وزارت و استانداری و فرمانداری که مقام استاندار و فرماندار به عنوان عالی ترین نماینده سیاسی دولت در استان و شهرستان می باشد و مدتی هم مشغول انجام وظیفه قانونی بوده و هستند، در طول خدمتشان مسلمانی شان محرز و ثابت نبوده است؟ اگر فرض کنیم که این مدت مسلمان نبوده اند پس چرا از سوی دولتمردان بر سرنوشت سیاسی و اجتماعی مردم حاکم بوده و اگر مشروعیت دینی و مردمی نداشته اند چه کسی و کسانی در قبال رفتار قانونی و اعمالشان مسئول و پاسخگوست، حکومت یا مردم؟!

فرض دوم این که چنان چه حکم مسئولیتشان (استانداران و فرمانداران و وزراء) قانونی و مشروع بوده پس چرا در حال حاضر جهت احراز صلاحیتشان مشروعیت ندارند و نامسلمان شده اند...! این تناقض و دوگانگی از کجا ناشی و چگونه حل می گردد؟

تایید صلاحیت شدگان استان بوشهر

با بسته شدن پرونده بررسی صلاحیت ها،اعلام اسامی داوطلبان تایید صلاحیت شده توسط شورای نگهبان، اسامی ۳۹ نفر از واجدین شرایط برای رقابت کسب کرسی نمایندگی مجلس در استان بوشهر اعلام شد.

جانشین ستاد انتخابات استان بوشهر گفت: ازمجموع ۸۴ نفری که برای هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی در این استان نام نویسی کرده‌اند نهایتا صلاحیت ۳۹ نفر احراز شد. ناصر کشاورزی اظهارداشت: ازاین شمار ۱۵ نفربرای حوزه انتخابیه "بوشهر، گناوه و دیلم"، ۹ نفر در حوزه "دشتی و تنگستان"، ۹ نفر درحوزه انتخابیه "دشتستان" و شش نفر نیز مربوط به حوزه انتخابیه "کنگان، دیر و جم" است.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی اسامی نامزدهای تایید صلاحیت شده براساس ترتیب حروف الفبا در چهار حوزه انتخابیه استان بوشهر به شرح زیر اعلام شد.

* حوزه انتخابیه "بوشهر ، گناوه و دیلم ":

۱- ابوالفضل اکبرپور
۲- عبدالله باغچه بان
۳- بهمن بهزادی
۴- عبدالله پرور
۵- عبدالکریم جمیری
۶- محمد کاظم حق شناس
۷- احمد خواجه‌گیری
۸- صفر دارابی
۹- محمد شریعتی فر
۱۰- حسن قاید زاده
۱۱- علی کولیوند
۱۲- سید کریم موسوی
۱۳- سید حسن موسوی
۱۴- غلامعلی میگلی نژاد
۱۵- علی رضا یزاف

* حوزه انتخابیه " دشتستان" :

۱- غلامرضا اسکندری
۲- محمد رضا ایرج زاده
۳- ایوب پاپری مقدم‌فرد
۴- سید عبدالمجید شجاع
۵- سید حجت علوی
۶- یدالله قائدی
۷- جوانشیر کدخداپور
۸- سید مهدی مهدوی مرتضوی
۹- مهدی یوسفی

* حوزه انتخابیه "دشتی و تنگستان ":

۱- محمد آتیار
۲- محمد مهدی ابراهیمی
۳- سید محمد مهدی پورفاطمی
۴- حیدر حیدری
۵- عبدالصمد دولاح
۶- عباس علوی نژاد
۷- ماشاالله قطب الدینی
۸- غلامرضا نادری زاده
۹- داود نمازی

* حوزه انتخابیه " دیر، جم و کنگان ":

۱- موسی احمدی
۲- عسکر جلالیان
۳- عبدالله حاجیانی
۴- قیصر صالحی
۵- علی کرمی
۶- کامبیز یوسفی

جانشین ستاد انتخابات استان بوشهر گفت: افراد یادشده تبلیغات رسمی خود را بطور همزمان با سراسر کشور از بامداد روز پنجشنبه آغاز کرده‌اند و تا ساعت هشت صبح ۲۳ اسفند ماه ادامه دارد. کشاورزی افزود: حدود ۶۰۰ هزار نفراز جمعیت استان بوشهر واجد شرایط رای هستند.

حرکتی میهن دوستانه





بازرگانی برادران گلستانی، از موسسات خوشنام، درستکار و موفق بازار تهران است. کار تخصصی این موسسه، نوشت افزار است که بیشتر شامل خودکار و خودنویس و روان نویس می شود.

موسس این بازرگانی آقای کمال گلستانی است. ایشان در دو بار مراسم اهدای قلم طلایی انجمن اهل قلم بوشهر، کمک های شایانی به انجمن اهل قلم نمود که انجمن عمیقا و قلبا سپاسگزاری این بازرگان فهیم است.

اخیرا در حرکتی میهن دوستانه، این بازرگان انسان دوست، در جعبه های خودکاری که کشور چین وارد می کند و هم چنین بر روی خود کارهای موجود در جعبه، نقشه خلیج همیشه فارس را تعبیه نموده که نشان از عشق ایشان به تمامیت ارضی کشور عزیزمان ایران را دارد.